



شماره ۱

ترور؛ مخالفان و حامیان

بخشهایی پیرامون طرح ترور ۲۰۰۵

ژانویه ۲۰۱۹

دی ماه ۱۳۹۷



شماره ۱

ترور؛ مخالفان و حامیان

بحثهایی پیرامون طرح ترور ۲۰۰۵

با ما در ارتباط باشید



<https://www.facebook.com/enghelabekargary>



<https://telegram.me/enghelabekargary>



<https://www.instagram.com/enghelabekargary>

ژانویه ۲۰۱۹

دی ماه ۱۳۹۷

مقدمه

پس از افشاگریهای دو تن از اعضای سابق سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی در مورد طرح ترور اعضای رهبری حزب حکمتیست در سال ۲۰۰۵ شاهد انتشار و پخش حجم وسیعی از ادبیات، اطلاعاتیه ها و ... از سوی احزاب، شخصیت‌های سیاسی مستقل اعم از ناسیونالیست و چپ بودیم. به دلیل پراکندگی مطالب و مقالات منتشره در این مورد در سطح شبکه های مجازی و سایتهای مختلف، کانال انقلاب کارگری برای آگاهی بیشتر دنبال کنندگان این قضیه و در راستای ایجاد سهولت در دسترسی علاقمندان به موضوع پرونده طرح ترور رهبران کمونیست از سوی سازمان زحمتکشان (شاخه عبدالله مهتدی)، تمامی مطالبی که تا نهم ژانویه ۲۰۱۹ برابر با نوزدهم دی ماه ۱۳۹۷ چه از سوی تایید کنندگان و چه از جانب انکارکنندگان منتشر شده بدون هیچگونه دخل و تصرفی گردآوری کرده و در قالب یک جزوه در اختیار عموم قرار میدهد. بدیهی است برخی از نویسندگان تعدادی از مقالات و مطالب این جزوه در نوشته هایشان از واژگان و ادبیات نامناسبی استفاده کرده اند که به هیچ وجه مورد تایید ما نیست اما بدلیل رعایت انصاف و عدالت در برخورد به دو سوی قضیه ناچار بودیم که عین مقالات را باز نشر کنیم و مسئولیت تمامی مطالب و نکات طرح شده را به نویسندگان آن ارجاع میدهیم.

کانال انقلاب کارگری

ژانویه ۲۰۱۹

دی ماه ۱۳۹۷

اطلاعیه

اطلاعیه دفتر مرکزی حزب حکمتیست،

افشا شدن طرح جنایتکارانه ترور علیه رهبری حزب حکمتیست

مردم آزادیخواه !

احزاب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون جمهوری اسلامی!

اخیرا نقشه ترور طراحی شده توسط سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهدی علیه رفیق رحمان حسین زاده و رفقای دیگری از رهبری حزب حکمتیست افشا شده است. در تاریخ هفتم دسامبر ۲۰۱۸ انسان شرافتمندی به نام "شورش خراسانه" از پیشمرگان سابق سازمان زحمتکشان در شبکه اجتماعی فیسبوک و در یک برنامه زنده شناخته شده تحت مسئولیت "بختیار بلوری" پرده از این طرح ترور برداشت. طبق گفته های "شورش خراسانه" در سال ۲۰۰۵ آزمان که رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب ما و رفقای دیگری از رهبری حزب حکمتیست برای فعالیتهای سیاسی و حزبی در شهر سلیمانیه کردستان عراق مستقر بوده اند، نقشه ترور آنها از جانب رهبری سازمان زحمتکشان طراحی میشود. بهرام رضایی عضو رهبری و فرمانده نظامی وقت سازمان زحمتکشان مسئولیت اجرای این طرح و مأموریت را به شورش خراسانه با وعده تامین امکانات و تجهیزات و نفرات لازم برای عملی کردنش را با او در میان میگذارد. وقتی که شورش خراسانه متوجه میشود که این اقدام تروریستی علیه یک نیروی ضد جمهوری اسلامی و اپوزیسیون است، با احساس مسئولیت از اجرای آن سرباز میزند. چند روز بعدتر رضا کعبی عضو دیگر رهبری وقت سازمان زحمتکشان در جلسه ای با حضور صباح امینی (ماموخ) عضو دیگر مرکزیت سازمان زحمتکشان، شورش خراسانه را مورد پرس و جو قرار میدهند که چرا دستور بهرام رضایی را که تصمیم دفتر سیاسی سازمان زحمتکشان بوده، اجرا نکرده است؟. این بار نیز با مخالفت اصولی شورش خراسانه برای عدم اجرای این طرح ترور سیاه روبرو شده و به این ترتیب اجرای این اقدام تروریستی با مانع روبرو میشود. (صحبتهای شورش خراسانه به زبان کردی و متن کتبی کردی و ترجمه فارسی آن در شبکه های اجتماعی قابل دسترس است).

همینجا باید تاکید کنیم، احساس مسئولیت قابل تقدیر شورش خراسانه در به عهده نگرفتن این اقدام تروریستی پیشنهاد شده و اکنون جسارت او در افشای این اقدام ضد انسانی رهبری سازمان زحمتکشان، موجب خرسندی ما و هر حزب و جریان با پرنسیب و مدافع فضای سالم سیاسی میان نیروهای اپوزیسیون است. بی تردید اینکار او با حمایت و تحسین ما و هر نیروی سالم و رادیکال و چپ و مترقی در فضای سیاسی روبرو شده و قطعا در مقابل فشارهای احتمالی جریان ارتجاعی و عقب مانده سازمان زحمتکشان علیه اش، او را حمایت خواهیم کرد.

طرح اقدامات تروریستی از جانب این سازمان معلوم الحال غیره منتظره نیست. نطفه شکل گیری این جریان در سال ۲۰۰۰ با توطئه و کودتای تشکیلاتی و گروکشی سیاسی و مالی علیه کنگره نهم مشروع و قانونی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران (کومه له) بسته شد. همانوقت اعلام کردیم، این جریان یک جریان سیاسی سالم متعهد و با پرنسیب نیست، بلکه یک

باند سناریوسیاهی است که ظرفیت انجام هر اقدام ضد انسانی را دارد. به همین دلیل است که در مراحل بعدی طرح حمله نظامی به اردوگاه کومه له به منظور قلع و قمع ساکنین آن را در دستور گذاشتند و البته ناکام ماندند. در اقدام جبونانه دیگر در آوریل سال ۲۰۰۵ طرح ترور رفقا صالح سرداری و محمد راستی از اعضای مرکزیت حزب حکمتیست را در همان شهر سلیمانیه در دستور گذاشتند، که با هوشیاری و ابتکار رفقای ما و حمایت بیدریغ تعداد قابل توجهی از انسانهای حق طلب و آزادیخواه شهر سلیمانیه طرح جبونانه آنها خنثی شد، که آنوقت به دلیل برخی ملاحظات امنیتی امکان اعلام علنی این واقعه را نداشتیم. عبدالله مهتدی و سران باند زحمتکشان خوب میدانند، حزب حکمتیست و کادرهای رهبری آن حتی در همان کردستان عراق از چنان امکانات و تجهیزات، ابتکار عمل و حمایت نیروی چپ و انسانهای آزادیخواه و نفوذ اجتماعی بهره مندند که در موارد متعدد اقدامات شوم آنها علیه جریان و حزب ما خنثی شده و در صورت تکرارش دوباره ناکام خواهند ماند. خوبست از ناکامیهای تاکنونی شان درس بگیرند.

سیاستهای دست راستی و سناریو سیاهی این جریان، تقلای مداوم این جریان برای آویزان شدن به ارتجاعی ترین نیروها در منطقه، تلاش مستمر برای قبول افتادن در بارگاه دولت دست راستی آمریکا و ذوق زدگی مهتدی از نایل آمدن به دستبوسی وزیر خارجه ترامپ راسیست، در کنار افشا شدن طرح ترور مخالفین سیاسی و به ویژه کمونیستها از جانب این باند، به اندازه گواهی میدهد، که این فرقه قوم پرست ناسالم و بی پرنسیب و سناریو سیاهی بیش از پیش باید در میان مردم و در سطح جامعه رسوا و منزوی شود. ما افراد و انسانهای زحمتکشی را که از سر عدم آشنایی کافی به سیاستهای ارتجاعی این جریان به صفوف آن پیوسته اند، فرامیخوانیم درست همانند شورش خراسانه و بسیاری دیگر تصمیم مسئولانه بگیرند و صفوف این جریان ارتجاعی را ترک کنند.

به علاوه انتظار ما از احزاب و سازمانها و شخصیتهای سیاسی متعهد به فضای سالم سیاسی در میان نیروهای اپوزیسیون اینست، صرفنظر از دوری و نزدیکی سیاسی آنها به سیاستهای حزب حکمتیست نقشه تروریستی افشا شده اخیر این جریان را تفتیح و محکوم کنند. این جریان ناسالم را در اجتماعات و گردهمایی و نشستهای خود راه ندهند.

دفتر مرکزی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۷ دی ۱۳۹۷ - ۲۸ دسامبر ۲۰۱۸

+++

اطلاعیه حزب کمونیست کارگری

در محکومیت دسیسه‌های تروریستی علیه نیروهای اپوزیسیون

بنا به اطلاعیه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، اخیراً طرح ترور رفیق رحمان حسین‌زاده و تعداد دیگری از رهبران این حزب بوسیله سازمان زحمتکشان کردستان، که یک سازمان ناسیونالیستی افراطی و بی‌پرنسیپ است، در سال ۲۰۰۵ افشا شده است. جزئیات و دقایق این ماجرا هنوز روشن نیست اما ما وظیفه خود می‌دانیم که چنین دسیسه‌ها و توطئه‌هایی را در هر سطح و از جانب هر کس صورت گرفته باشد شدیداً محکوم کنیم. اقدام تروریستی علیه نیروهای مخالف جمهوری اسلامی باید قاطعانه از جانب همه سازمانهای با پرنسیپ و جدی سیاسی در اپوزیسیون محکوم شود.

حزب کمونیست کارگری ایران

۷ دی‌ماه ۱۳۹۷، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۸

اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له**در باره خبر مربوط به طرح ترور مخالفین سیاسی در کردستان عراق**

طی دو روز اخیر خبری در شبکه‌های اجتماعی با استناد به گفتگویی اینترنتی با یکی از پیشمرگان سابق جریانی که به ناروا به نام کومه له فعالیت می‌کند، مبنی بر اینکه در سال ۲۰۰۵ طرحی از جانب این سازمان برای ترور ۳ تن از رهبران حزب کمونیست کارگری (حکمتیست) وجود داشته است. شخص مصاحبه‌شونده اعلام می‌دارد که سیزده سال قبل، توسط دفتر سیاسی سازمان مربوطه اش، مأموریت ترور یکی از رهبران حزب حکمتیست به وی واگذار می‌شود که از انجام آن امتناع می‌ورزد. حزب حکمتیست، طی اطلاعیه‌ای و در واکنش به این خبر، اسامی دوتن دیگر از رهبری وقت این حزب را نیز که گویا در آن زمان در لیست ترور در کردستان عراق بوده‌اند منتشر کرده است.

دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له در واکنش به این خبر اعلام می‌کند:

۱_ به دلیل اهمیت موضوع، ضروری است یک کمیته حقیقت یاب این مسئله را پیگیری و واقعیت آنچه را قرار بوده است اتفاق بیفتاد، مستند کند و به اطلاع افکار عمومی برساند. در هر حال ما از پیش وجود هرگونه طرحی از این قبیل را به شدت محکوم می کنیم. جنبش انقلابی کردستان نباید جای عرض اندام تروریست‌ها و اقدامات تروریستی باشد. این مسئله بویژه از آنرو اهمیت دارد که در همان سال توطئه هائی از جانب همین جریان بر علیه مقرات مرکزی کومه له در جریان بوده است. این حرکات در آن هنگام برای جلوگیری از متشنج شدن فضای حضور نیروها اپوزسیون در کردستان عراق با متانت تمام خنثی شدند و در فرصتهای مختلف افکار عمومی نیز از این اقدامات مطلع گردیدند.

۲_ ما همواره اعلام کرده ایم که برای اجتناب از رویارویی های مسلحانه، لازم و ضروری است که همه نیروهای سیاسی موجود در کردستان به روشنی و بطور اکید به سیاست عدم استفاده از اسلحه در پیشبرد اختلافات سیاسی متعهد شوند و پایبندی بدون چون و چرای خود به این امر را به جامعه کردستان اعلام نمایند. بدون شک از نظر ما ترور مخالفین سیاسی که شکل شنیع این گونه اقدامات است، عمل مجرمانه تلقی می شود. ما تاکید کرده ایم که ایجاد فضای دیالوگ و گفتگو، تقویت روحیه نقد و روشنگری، در میان احزاب سیاسی و در جامعه به منظور پیشبرد مبارزه سیاسی مسالمت آمیز مابین نیروهای فعال در کردستان، ضرورت حیاتی دارد. به این منظور بسیار حیاتی است که احزاب و نیروهای سیاسی موجود در کردستان پایبندی خود را به اصل آزادی بدون قید و شرط فعالیت سیاسی در کردستان بعنوان یکی از ارکان مبارزه سیاسی مسالمت آمیز اعلام کنند.

دبیرخانه کمیته مرکزی کومه له

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران

۳۰/۱۲/۲۰۱۸

باند زحمتکشان را باید طرد کرد

در باره یک طرح تروریستی باند عبدالله مهتدی

هفتم دسامبر ۲۰۱۸ یکی از اعضای سابق جریان عبدالله مهتدی به نام "شورش خراسانه" در یک برنامه زنده فیس بوکی با مسئولیت بختیار بلوری، نقشه ترور شماری از اعضای رهبری وقت حزب حکمتیست توسط باند عبدالله مهتدی را افشا کرد. طرح مزبور مربوط است به سال ۲۰۰۵ در شهر سلیمانیه کردستان عراق، در زمانی که شماری از رفقای ما از جمله رحمان

حسین زاده در مأموریت تشکیلاتی در آنجا به سر برده بودند. شورش خراسانه توضیح میدهد که آن نقشه توسط دفتر سیاسی جریان مزبور طراحی و برای اجرا به ایشان سپرده شده بوده، اما با مخالفت او روبرو شده و نتیجتاً شکست خورده است. علاوه بر این طرح ترور دو نفر دیگر از اعضا رهبری وقت حزب حکمتیست، رفقا صالح سرداری و محمد راستی، در سلیمانیه در سال ۲۰۰۵ افشا و خنثی شد.

افشای این نقشه تروریستی، نکته تازه ای در مورد ماهیت جریان و شخص عبدالله مهتدی نمیگوید. اولین نقشه ترور این باند، علیه رهبری کومه له و شخص ابراهیم علیزاده و تعدادی دیگر از رهبری این سازمان، با هدف یک پاکسازی ضد کمونیستی در این سازمان بود، که آنهم به دلایل مشابهی شکست خورد و بعدها توسط جناح انشعابی از آن جریان افشا شد. علاوه بر طرحهای تروریستی تابحال افشا شده، کشیدن اسلحه به روی همدیگر، درگیری خونین و سنگرگیری مسلحانه علیه هم در متن اختلافات سیاسی، از ویژگی های این جریان است. ما از ابتدای شکل گیری این باند، ظرفیت جنایتکارانه، تروریستی و باند سیاهی آنرا هشدار دادیم. انتخاب عنوان پرطمطراق "حزب کومه له" برای خود و سوءاستفاده از اعتبار تاریخ فعالیت کمونیستی در خدمت اهداف ارتجاعی خود، پادویی در دالانهای کنگره امریکا و کاخ های شیوخ عربستان، به رسمیت شناخته شدن به عنوان نیروی سیاسی در میان احزاب ناسیونالیست کرد و قومی، ظاهر و قیافه متمدن و دمکرات و نیروی سیاسی و گرفتن و حضور در انواع "اتحادها" و "ائتلافهای" ارتجاعی و قومی و.... همه تلاشهایی برای مخفی کردن ماهیت به غایت ارتجاعی و تروریستی شان است.

قومی کردن سیاست، سیاست تقسیم اقشار و طبقات اجتماعی به اقوام، دسته بندی اعضای جامعه بر مبنای مناسبات خونی و قبیله ای و زبانی، و بر این مبنا صدور شناسنامه قومی و قبیله ای برای هر شهر و منطقه و دهکده ای، جزو سیاست رسمی اینها برای فدرالی کردن قدرت و دولت و سیاست در جامعه است. این همان سیاستی است که گروههای تبهکار و جانی در میان ناسیونالیست های قومی یوگوسلامی سابق در پیش گرفته و نتیجتاً مردم را در ابعاد اجتماعی به جان هم انداخته و همسایه های بیشماری را توسط همسایه بغل دستی سالیان دراز، به هدف تقسیم بندی قومی و پاکسازی قومی، قتل عام کردند.

ما به دلیل شناخت روشن از ماهیت اینها، به محض تولد این گروه، هشدار دادیم و تلاش کردیم هویت واقعی جریان مهتدی را به عنوان یک جریان باند سیاهی با ظرفیتهای به غایت ارتجاعی از ترور و آدم ربایی تا هر اقدام بزدلانه دیگری را به جامعه بشناسانیم. رسماً اعلام کردیم جریان عبدالله مهتدی یک گروه راهزن و چاقو کش اند که تنها در دل یک سناریویی سیاه و تحمیل جنگ و استیصال به جامعه به عنوان اجیر دول ارتجاعی میتوانند بکار گرفته شوند و رشد کنند و موی دماغ جامعه شوند. اعلام کردیم که اینها نه یک حزب سیاسی که یک باند قومی و فاشیست های تشنه به خون جامعه و تبهکارانی اند که در صورت توانایی دست به هر جنایتی میزنند.

حزب حکمتیست (خط رسمی) از همه احزاب و گروههای سیاسی و مسئول در قبال جامعه، نه فقط محکوم کردن نقشه های تروریستی آنها و پرهیز از هرگونه رابطه و مناسبات سیاسی با این باند قومی و چاقو کش، بلکه و مهمتر افشا و طرد این

جریان باند سیاهی است. این کوچکترین اقدامی است که هر جریان مسئول در قبال آینده سیاست و سرنوشت جامعه میتواند اتخاذ کند.

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)

۲۸ دسامبر ۲۰۱۸ - ۷ دیماه ۱۳۹۷

در محکومیت اقدامات تروریستی یک جریان فاسد "کردی" و اعلام ملاحظاتی بر یک

اطلاعیه در این مورد

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

اعلامیه

اخیرا در تاریخ هفتم دسامبر ۲۰۱۸ فردی به اسم "شورش خراسانه"، از پیشمرگان سابق سازمان زحمتکشان (عبدالله مهتدی سازمانی که به اسم جعلی "حزب کومله" فعالیت دارد)، در یک برنامه زنده در شبکه اجتماعی فیسبوک با مدیریت "بختیار بلوری"، فاش کرده است که در سال ۲۰۰۵ میلادی از جانب رهبری آن سازمان مامور شده که تعدادی از اعضای رهبری و کادرهای آنزمان جریان کمونیزم کارگری و حزب حکمتیست، در شهر سلیمانیه در کردستان عراق را ترور نمایند و ایشان از اجرا کردن چنین جنایتی خودداری کرده است.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران ضمن محکوم کردن قاطع این اعمال شنیع باند "زحمتکشان"، توضیحاتی حول این رویداد، بیان حقایق بیشتری در این باره، و همچنین طرح ملاحظاتی بر یک اطلاعیه در این مورد ضروری میداند:

۱- هر چند نفس اعلام علنی و افشای چنین سیاستهای از سوی یکی از مسئولین سابق آن جریان، ولو با تاخیر بسیار زیاد، اما مهم و "سندیت" بیشتری به اصل ماجرا در انظار عمومی داده است، اما برای ما که خود شاهد عینی این عملکردها و دهها اقدام مشابه آن جریان ارتجاعی بوده ایم، چنین رویدادهایی را اکنون به عنوان یک پدیده جدید تلقی نمیکنیم و نمی بایست با هیچ بهانه ای تا این مقطع از اعلام علنی آن خودداری میشد. همانطوری که در همان دوره با جمهوری اسلامی و مضحکه انترپول رفتار کردیم حق بود با نقشه ها و اقدام تروریستی جریان مهتدی هم در افکار عمومی همان دوره برخورد میشد. نفس چنین طرح هایی حداقل برای ما (که در آنزمان بخشی از رهبری حزب ما در رهبری حزب حکمتیست فعالیت داشت) امروز و از کانال فرد ثالثی روشن نشده است. سکوت تاکنونی در باره عملکرد تروریستی و ارتجاعی چنین جریانی، هم از جانب رهبری وقت حزب حکمتیست، و هم به ویژه از جانب رهبری کومله "سازمان کردستان حزب کمونیست

ایران" که بارها با یورش و طرح ترور و کشتار نیروهایشان توسط همین اوباش سازمان ضد زحمتکشان، روبرو گردیدند، به تداوم افسارگسیختگی این جریان ضد انقلابی کمک نمود.

۲- در اطلاعیه "دفتر مرکزی حزب حکمتیست"، که خبر اقرار "شورش خراسانه" را منعکس کرده است، هیچ توضیحی داده نمیشود چرا این جریان در فاصله زمانی مثلا ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ باید چنین اقداماتی علیه فعالین آن دوره حزب حکمتیست در دستور بگذارند؟ یا چرا صرفا با اسم بردن از "رحمان حسین زاده" و یا افرادی که اکنون با خودشان هستند به عنوان کسانی که قرار بوده ترور شوند اکتفا کرده اند؟. چرا از اسم بردن از همه لیست فعالین کمونیست و اصلی آندوره، که بخشی از آنها هر کدام به شکلی در لیست ترور و یا مورد فشار و تعقیب این جریان ضد کمونیستی، دیگر مرتجعین قرار گرفته بودند، سکوت مینمایند. آیا در اینجا هم باید نسبت سیاسی را وارد معادله نمود؟! آیا میتوان تاریخ زنده ومستند رویدادها را هم با یک اطلاعیه عوض کرد؟، این است موضعگیری کمونیستی و بسیج نیرو علیه یک نیروی باند سیاهی؟، اگر هدف مبارزه با سیاست و اعمال تروریستی علیه اپوزسیون و فعالین کمونیست محور اصلی است، نه صرفا بهره برداری حقیر سازمانی و شخصی و شخصیت سازی از این نوع وقایع، نباید با اعلام مبارزه با تروریسم یک جریان دیگر همزمان خود در شکل دیگری در اعمال سانسور و "ترور سیاسی" مخالفین سیاسی کنونی خود غرق گردید. بعلاوه، همزمان با اعلام تنفر عمیق خود از سیاست شنیع و بزدلانه سازمان ضد زحمتکشان و آماده شدن برای مقابله جدی سیاسی و عملی علیه هر نوع اقدام اینها بر علیه هر نیروی مسئول و کمونیستی، لازم میدانیم اعلام کنیم که با طرح اسامی افراد آنها در اطلاعیه رسمی حزبی، با وجود واقعی بودن آن، و علیرغم طرح آن از جانب شخص ثالث دیگری در اینترنت، کاملا مخالف هستیم و چنین رویکردی را در شان یک جریانی که خود را کمونیست می داند نمیدانیم، میبایست اساس سیاست تروریستی آن جریان مورد نظر قرار بگیرد نه اینکه کدامیک از افراد سرسپرده آنها قرار بوده دست به اعمال تروریستی بزند. این سازمان ارتجاعی با این اسامی و بدون آنها همچنان یک جریان تروریستی و سناریو سیاهی است! با تمرکز روی اسامی یک یا دو نفر اصل بنیاد تروریستی- ارتجاعی حاکم بر آنها را فرعی تر کرده ایم. در هر صورت از همه میخواهیم حرمت انسانی اشخاص، از جمله مخالفین سر سخت سیاسی خود را محفوظ نگهدارند، تا اثبات جرم در یک مرجع ذیصلاح و ثالث باید از اسم بردن افراد آن هم در این سطح اکیدا خود داری شود، این روشها به سنت و جنبش سوسیالیستی ما تعلق ندارد! خواسته یا ناخواسته، این روش بخشی از همان فرهنگ "تروریستی" است که قرار است علیه آن مقابله گردد.

۳- مستقل از ماهیت ضد کمونیستی و متکی بر روشهای تروریستی جریان مهتدی، باید گفت آنچه که نه تنها این جریان، حتی خود جمهوری اسلامی و ناسیونالیسم افراطی کرد را در آن سالها به تکاپو و وحشت انداخت، و برای مقابله با آن در فکر طرحهای بزدلانه ترور ماها نیز بر آمدند، بخاطر "فحش دادن به کاک عبدالله" و چند مقاله افشاگرانه نبود!، بلکه بخاطر شروع یک پراکتیک کمونیستی فعال از جانب ما در جامعه کردستان در آن تاریخ بود. واقعیت آن تاریخ را امروز نیز میتوان با فیلم و اخبار و فاکت نشان داد که حزب حکمتیست آنزمان، نه حزب حکمتیست کنونی، (بخشی از رهبری حزب سوسیالیست انقلابی نیز در رهبری حزب حکمتیست آنزمان و در راس فعالیتهای مهم آندوره قرار داشت) عامل روی آوری هر چه بیشتر تبلیغات پوچ علیه جنبش ما وتوصل به سیاست تروریستی بزدلانه امثال جریان مهتدی و جمهوری اسلامی

علیه ما بود. در آن چند سال، از ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ میلادی از جمله با انجام سه حرکت بسیار مثبت و موفقیت آمیز علنی - نظامی، تحت عنوان "پروژه رهبران کمونیست"، در عمق مناطق کردستان از طرف ما صورت گرفت. سخنرانی در یکی از پارکهای پر جمعیت آویر سنندج و حضور گسترده در منطقه، سخنرانی در مناطقی در حومه سقز، و همچنین حضور علنی در روستای بیژوه در منطقه سردشت، که در جریان این فعالیتها یک مورد درگیری نظامی شدید با عوامل رژیم در منطقه سقز که به ناپود کردن کلیه نیروهای حمله کننده رژیم به رفقای ما منجر گردید، توانست توجه گسترده جامعه را نه فقط در کردستان که در کل ایران و منطقه به جریان ما جلب نماید، طوری که هم جمهوری اسلامی و دادگاهش در سنندج و انترپول و هم امثال مهتدی به تکاپوهای احمقانه افتادند و خواستند پیروزیهای ما را به شکست بکشانند و انتقام بگیرند، اما هر دو در آن تلاش شکست خوردند و رسواتر شدند! جای افتخار است همینجا اعلام کنیم که فرماندهان و بخشی از اجرا کنندگان اصلی این سه حرکت و دستاورد بزرگ که جمهوری اسلامی و "حزب کاک عبدالله" را مانند موش تو سوراخ کرده بودند، اکنون در رهبری حزب سوسیالیست انقلابی حضور دارند. و دقیقا به همین خاطر بارها از جانب هم عوامل رژیم و هم جریان مهتدی مورد تهدید و توطئه از جمله در شهر سلیمانیه و منطقه مواجه شدند. رهبری جدید و کنونی "حزب حکمتیست" با جزئیات از آن با خبر است، اما همچنانکه گفتیم متاسفانه وجود سنت و منفعتهای کور سیاسی و شخصی در این نوع چپ مانع بیان این حقایقها از جانب آنها شده است، چرا که ما اکنون جز مخالفین سیاسی آنها هستیم. اما همانوقت رهبری واحدهای ما (اکنون عضو شورای رهبری حزب سوسیالیست انقلابی است) در جریان یک اقدام تروریستی جریان مهتدی علیه خود و رفقاییش، که گفته شد "آسایش سلیمانیه آمده اند دنبال شما و در کوچه ها مستقر شده اند" پاسخ درخوری به آن بزدلها داد و پیام فرستاد به جریان مهتدی و گفت: "بروید به رهبران بزدلتن بگوئید اگر شهامت دارند بیایند تا نشانشان بدهیم تعقیب ما کمونیستها و آزادیخواهان چه بهای برای مرتجعین دارد! ما هیچ ترسی نه از شما و نه از جمهوری اسلامی نداریم!"

۴- به علاوه، برای درس گرفتن درست جنبش ما از وجود چنین فرهنگ فاسد و چندان آور تروریستی، چه در قالب تهدید و طرح های به منظور ترور فیزیکی و گرم و یا در شکل ترور سرد و سیاسی، چه از جانب دولتهای مرکزی و چه از جانب اپوزسیون صورت بگیرد، باید به بسترهای که چنین منجلابی در آن رشد میکند بپردازیم و بدون هیچ تعصبی علیه آن به مبارزه متحد بر خیزیم. چنانچه اندکی از سازمان ضد زحمتکشان و "رعیت" هایش و طرفداران "بیزینس من" و شریک مالی های مستقیم "کاک عبدالله"، فاصله بگیریم، متوجه میشویم که فرهنگ ترور مخالفین، یک فرهنگ به عاریه گرفته شده از جمهوری اسلامی و نظامهای استبدادی و فاسد سرمایه داری است. متاسفانه این فرهنگ نیز در اکثر نیروهای اپوزسیون راست و چپ ایران، هر کدام به شکلی عمل کرده و می کند. کمتر نیروی حداقل در تاریخ چهل ساله اخیر ایران سراغ داریم که مخالفین سیاسی بیرون و درون سازمان خودش را به نوعی ترور نکرده باشد. تفاوتها اگر بوده و هستند در محتوا نیست، تنها در شکل اعمال ترور، و بستگی به میزان قدرت و وجود امکانات سازماندهندگان ترور و سرکوب سیاسی منتقدین از جمله از طرف "رهبران مادالمعمر" بوده است. اگر قرار است براستی مبارزه علیه تروریسم و طرد هر نیروی متکی به تروریسم، چه به شیوه ترور فیزیکی، چه سیاسی و شخصیتی انسانها باشیم، باید علیه کلیه این مظاهر و سنتهای سیاسی

سانسور و سرکوب مخالف سیاسی بود. بدون چنین حساسیت و رویکردی این روند ضد انسانی و ضد کمونیستی هر بار به شکلی نسلی از انسانهای آزادیخواه و منتقد را قربانی میکند.

۵- بیان حقایق فوق به هیچ وجه دال بر کاهش دامنه نفرت و انزجار اجتماعی از سیاستها و اقدامات جریان مهتدی نیست! برعکس، در جهت تقویت نگاه همه جانبه تر و جدی تر به پدیده تروریسم سیاسی و نظامی و اهمیت مبارزه قاطعانه با همه شئون این پدیده و سنت از جمله در صفوف اپوزسیون و فضای سیاسی کشور است. آنچه که به چنین موجودی حتی امکان می دهد علیه مخالفین خود در دوره کومله و جدائی از آنها، و یا در دواران سر و صورت همدیگر خونین کردن در کشمکش خانوادگی دو سازمان "زحمتکشان" و دزدیدن پول همدیگر روی می آورند، و اینکه در فکر اقدامات بزدلانه تروریستی علیه ما کمونیستها باشند، ناشی از وجود قابلیت‌های ارتجاعی سیاسی-سازمانی و سرمایه گذاری چنین نیروهای حول منجلابی است که امثال جمهوری اسلامی و امریکا و فاشیسم اسلامی و ملی گرایان در منطقه به وجود آورده اند. و بخشا متاسفانه ناشی از سکوت و حتی همراهی نه فقط بخش از اپوزسیون و احزاب سیاسی در کردستان، که فراتر از همه همراهی و حتی همکاری رهبران کومله "حزب کمونیست" با این جریان باعث گردیده است تا آن جمع مرتجع سرپا بمانند و چنین پدیده ای حتی تحت نام "کومله" بتواند علیه تمام بنیادهای سیاسی و آرمانی و جنبشی کومله قدیم و جانباختگان سوسیالیست آن تاریخ و کل جنبش سوسیالیستی در کردستان به حیاط سیاسی مخرب و ارتجاعی خود ادامه بدهد.

در آخر، ضمن محکوم کردن مجدد کلیه سیاستها و اقدامات تروریستی جریان "حزب کومله"، از جمله اقدامات زبوانه که از قول "شورش خراسانه" اخیرا افشا گردیده است، از همه نیروهای سیاسی مسئول اپوزسیون و از کلیه شهروندان مقیم جامعه کردستان ایران می‌خواهیم این جریان ارتجاعی را بیش از پیش طرد و رسوا نمایند. همچنین از افراد سالم و بی خبر از آینده تاریکشان در صفوف این جریان، از آنهایی که "تلفن" هایشان را به گروه میگیرند و حتی مانع تماس با اعضای خانواده شان میشوند، و از هر کسی که برای خود شرافت سیاسی قائل است می‌خواهیم که صفوف آن جریان فاسد مافیائی و نامسئول را ترک کنند. از کانال مسئولین ما در کردستان عراق و همچنین از کانال تماس با دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی امکان راهنمایی و دادن اطلاعات لازم به کسانی که حاضرند پای خود را از این لجن بیرون بکشند، ممکن است.

دبیرخانه حزب سوسیالیست انقلابی ایران

۹ دی ۱۳۹۷

۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

بیانیه ی هسته ی مرکزی گفتمان رادیکال به توده های مردم کردستان ایران

مردم انقلابی و مبارز کردستان ایران، همانطور که کم و بیش در جریان هسته ی احزاب و نیروهای مرتجع سناریو سیاهی موسوم به اپوزیسیون به ویژه جریانانی مانند سازمان زحمتکشان کردستان ایران با تمام شاخه هایش و حزب دمکرات هر دو شاخه اش، در سالیان اخیر تلاش هایی در زمینه ی ترور و ارباب مخالفین سیاسی خود در اپوزیسیون انجام داده اند، که چند تا از این موارد توسط اعضای سابق این جریانات در روز های اخیر افشا شده اند. نمونه ی روشن ان افشاگری شورش خراسانه در مورد تلاش باند مهتدی برای ترور رحمان حسین زاده و دیگر اعضای رهبری حزب حکمتیست در سال ۲۰۰۵ است، که در یک برنامه ی زنده ی فیس بوکی با بختیار بلوری اعلام شده است.

حزب دمکرات هم بارها رفقای کمونیست و اعضای شناخته شده ای امروزی "هسته ی مرکزی گفتمان رادیکال" را تهدید کرده است که در صورت ادامه دادن به نقد سیاست های این حزب به صورت فیزیکی حذف خواهد کرد. زمانی که ما در کردستان عراق بودیم و وبلاگ "علیه ناسیونالیسم" را اداره می کردیم، اعضای حزب دمکرات از طریق تماس های تلفنی مکرر باعث آزار و اذیت رفقای ما شده و با تهدید به ترور سعی می کردند رفقای ما را از ادامه ی فعالیت بازدارند. ما همان موقع با ادامه ی نقدهای رادیکال و تئوریک خود، بدون هیچ واژه یی توانستیم این تهدید و ارباب ها را پاسخ دهیم و بی باکانه به کار و فعالیت سیاسی و تئوریک خود در قالب وبلاگ های مختلف از جمله وبلاگ "علیه ناسیونالیسم" که مدت هاست از دسترس خارج شده است، ادامه دادیم.

مساله ی دیگر این است که این جریانات ارتجاعی و مزدور دولت های تروریستی بین المللی و منطقه، به تهدید و ارباب در خارج کشور و تلاش برای ترور نیروهای اپوزیسیون سرنگونی طلب و کمونیست، اکتفا نکرده و به صورت موازی در داخل کشور، از طریق سازمان دادن اراذل و اوباش شهرهای کردستان، مواد فروشان جلو سینما، کفتربازان، قاچاقچیان انسان و باج گیران و انسان های پدوفیل و ادم کش و نفوذ در مقامات محلی شهرهای کردستان در تلاش بوده و هستند به هر قیمت ممکن، صدای آزادی خواهی و برابری طلبی، صدای برابری زن و مرد، صدای مبارزه برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و در یک کلام گرایش سوسیالیستی و کمونیستی را قلع و قمع کنند و خود یکه تاز میدان چانه زنی با سران جمهوری اسلامی از طریق فشار از پایین و همسویی با دخالت نیروهای امپریالیستی و جنایتکار شوند. بی دلیل نیست که سران این احزاب و جریانات از جمله جریان مصطفی هجری و باند مافیایی عبدالله مهتدی به چکمه لیبی برای درجه دارهای فاشیست و تروریست امریکایی، به زانو زدن در مقابل شیوخ انسان خوار عربستان سعودی و مزدوری برای میت ترکیه و اردوغان افتاده اند.

در قطب بندی های سیاسی خاورمیانه این احزاب و جریانات سناریو سیاهی با تاریخچه ی پر از جنایت در حق توده ی مردم از همکاری با جمهوری اسلامی گرفته و نشست های مخفیانه با سران رژیم امپریالیستی و تروریستی ایران در قم، تهران و

وین اتریش گرفته تا مزدوری شان برای دولت های مرتجع منطقه و دولت های امپریالیستی غربی سعی کرده و می کنند، بین سیاست سازشکارانه ی تلاش و تقلا برای اصلاح جمهوری اسلامی، فشار از پایین از طریق شعبان بی مخ هایشان برای چانه زنی از بالا و دفاع از دخالت نظامی امپریالیسم غرب و ناتو، نوعی رابطه ی ”هارمونیک“ برقرار کنند. این احزاب و نیروهای سیاسی و باندها و فرقه های مودی ضد مردم تلاش می کنند در میان ”روشنفکران“ بی مایه ی کورد، کسانی که هنوز کاملا پاسدار و بسیجی رژیم جمهوری اسلامی نشده اند، از طریق دادن امتیازهای حقیرانه و تعریف و تمجید از آنان، پایگاهی برای خود دست و پا کنند تا بتوانند در محیط ”علمی“ و اکادمیک شهرهای کردستان هم نفوذ پیدا کنند و اسم و رسمی برای خود دست و پا کنند. اخبار و گزارشاتی که به دست ما رسیده اند، نشان می دهند که این احزاب توانسته اند تا حدودی از طریق سیاست لمپن پروری و ارباب چپ ها و کمونیست ها، با اتکا به لمپن های چاقوکششان، کسانی که بخشا یک سرشان به سازمان اطلاعات و سر دیگرشان به این احزاب و باندهای لمپن پرور وصل است، سیاست های خود را تا حدودی در جامعه ی کردستان به پیش ببرند و لایه های چاقو کش و لمپن شان را به عنوان بادیگارد همچون شعبان جعفری ها، برای این ”روشنفکران“ جاهل و بی مایه ی خود فروش و مزدور، اجیر کنند، تا در صورت مخالفت کمونیست ها و فعالین سیاسی با سیاست های ارتجاعی شان، بتوانند با تهدید و ضرب و شتم فعالین چپ و کمونیست، یکه تاز میدان فعالیت سیاسی در شهرهای کردستان ایران شوند.

همزمان با این مساله ما شاهد شکل گیری جریانات ارتجاعی سلفیستی کوردی و باندهای مافیایی وابسته به جریان مفتی زاده هستیم که در داخل و خارج کشور به شکلی از اشکال در راستای همین سیاست های سناریو سیاهی احزاب ناسیونالیست کورد برای به بربریت کشیدن جامعه و تبدیل جامعه کردستان ایران به عربستان سعودی تلاش و کوشش می کنند. زمانی که مذهب و دین در میان اکثریت مردم کردستان جایگاهی ندارد و مردم تا مغز استخوان از حکومت جمهوری اسلامی که بنیاد خود را بر دین و مذهب قرار داده است و بربریت امپریالیستی و سرمایه دارانه اش را با اتکا به همین مذهب توجیه می کند، بیزارند، نیروهای وابسته به جریانات ارتجاعی اسلامی، کسانی که رهبرانشان (احمد مفتی زاده ها) در دوران انقلاب ۵۷ مزدور خمینی جلاد و جنایتکار بوده اند، امروز به گفتمان ناسیونالیستی و میهن پرستی از جنس کوردی ان روی آورده اند و تحت پوشش احزاب ناسیونالیست کورد و در رابطه ی تنگاتنگ با این احزاب کار و فعالیت می کنند.

اینجاست که فراقسیون های بورژوازی کورد علیرغم اختلافات جزئی ایی که داشته و دارند، بر سر مبارزه با انقلابی گری رادیکال و سوسیالیستی، بر سر به قهقرا کشیدن جامعه ی کردستان ایران، حفظ مناسبات برده دارانه ی سرمایه داری و تقسیم ثروت و قدرت در صورت به قدرت رسیدنشان در آینده ی سرنگونی جمهوری اسلامی، موقتا و تاکتیکی یا به صورت طولانی مدت با هم متحد می شوند و مقامات محلی شهرهای کردستان، از فرماندار و شهردار و دیگر اوباش حکومتی از جمله پاسداران کورد موسوم به ”پیشمرگ مسلمان“ به سر دیگر این توافق ”مقدس“ ناسیونالیستی، مذهبی، فاشیستی و پرو امپریالیستی تبدیل شده و می شوند.

بی دلیل نیست که امکان فعالیت "سیاسی" و "فرهنگی" در یک جامعه ی اختناق زده مثل جامعه ی ایران و زیر حاکمیت یکی از جانی ترین و فاشیستی ترین حکومت های اواخر قرن بیست و اوایل قرن بیست و یکم، تا این میزان در یک فضای "باز" و "زادانه" البته در چارچوب رژیم جمهوری اسلامی، برای این دشمنان قسم خورده ی کمونسیم و طبقه ی کارگر فراهم شده است.

اراذل و اوباش پاسدار و مزدورین محلی به این پی برده اند که دیر یا زود این رژیم ملعون و جنایتکار خواهد رفت و در صورتی که یک انقلاب رادیکال و اجتماعی کل جامعه ی ایران را زیر و رو کند، اگر شانس بیاورند و زنده بمانند، باید سال ها در زندان به سر ببرند و کار اجباری و بدون اجر و مزد انجام دهند، لذا همسویی با احزاب سیاسی ناسیونالیست کورد و جریانات مافیایی سناریو سیاهی به صورت نیم بند را به پیوستن به مردم و اعلام پشتیبانی از جنایت هایشان ترجیح می دهند، چون از این طریق هم می توانند توسط حاکمیت جنایتکار تحمل شوند و به کار و زندگی انگلی شان ادامه دهند و هم از جانب احزاب و جریانات سناریو سیاهی موسوم به اپوزیسیون به ویژه باندهای ارتجاعی سازمان زحمتکشان و حزب دمکرات، به راحتی از گذشته ی پر از جنایات آنان، به خاطر همکاری های فعلی شان با این احزاب چشم پوشی شود.

سلفیسم ناسیونالیستی و اوباش سابق رژیم را باید به همراه احزاب سناریو سیاهی افشا کرد

یکی از افرادی که در خارج کشور به این باند چاقوکش مفتی زاده وابسته است و شب و روز برنامه ی زنده ی فیس بوکی می گذارد کسی جز پیمان حیدری یک لمپن سلفیست و یک مرتجع تمام عیار نیست، که مجموعه یی لات بی سر و پا و قاچاقچی انسان، متجاوز، کلاه بردار و کلاش از جمله طیب حیدری را دور خود جمع کرده است و در داخل کشور هم در شهر سنندج چند نفری همین خط را به پیش می برند.

مورد دیگر که لازم می دانیم اشاره کنیم این است که اراذل و اوباش شهرهای کردستان، کسانی که سال ها با رژیم جمهوری اسلامی همکاری کرده اند و هر گاه مسئولیت خود را به درستی انجام نداده اند، توسط رژیم به صورتشان سیلی زده شده است، زندانی شده اند و دوباره قول همکاری داده اند، این روزها به عنوان "پناهنده" ی سیاسی به کشورهایی از جمله المان مراجعه کرده اند و در المان پناهندگی گرفته اند. یکی از این اراذل و اوباش کسی جز توفیق داباشی، لمپن باجگیر و متجاوز، چاقو کش و اسلحه کش جمهوری اسلامی نیست، که این روزها در المان به سر می برد و به عنوان پناهنده پذیرفته شده است. مورد دیگر یک مزدور جنایتکار به اسم سیوان کریم ناسه است، کسی که با اسلحه ی هیوا تاب به کولبران حمله می کرده و بارها به کولبران تجاوز جنسی کرده است.

افشای این افراد و مزدورین سابق جمهوری اسلامی یک وظیفه ی خطیر کمونیستی است. احزاب و سازمان های سیاسی ایی که به این اوباش چاقوکش و قلدر متجاوز مجال می دهند که امکان عضویت در این سازمان ها را پیدا کنند، رهبران شان از این اراذل و اوباش پست ترند.

ما به عنوان جمعی از فعالین رادیکال و کمونیست ایران که سال ها در ایران و کردستان فعالیت سیاسی و کمونیستی داشته ایم، بخشا زمانی عضو احزاب کمونیستی از کومه له و حزب کمونیست ایران گرفته تا حکمتیست ها بوده ایم، از این صفحه

از همه ی اعضای سازمان های سناریو سیاهی، مرتجع و شبه تروریستی مانند باندهای زحمتکشان و غیره که برنامه ریزی کرده اند، جواب مخالفین سیاسی شان در اپوزیسیون را با ترور بدهند، درخواست می کنیم، که این سازمان ها را ترک کنند. کم نیستند کسانی که به خاطر مسائل نوستالژیک و عاطفه و احساسات برای رسیدن به یک شرایط انسانی به دور از بهره کشی انسان از انسان، به دور از تبعیض و حاشیه یی کردن دیگر انسان ها، برای رسیدن به شرایطی به دور از راسیسم و فاشیسم مذهبی و قومی به این احزاب و سازمان ها پیوسته اند و هنوز در جریان جزئیات بسیاری از مسائل سیاسی و توطئه برای ترور مخالفان سیاسی و همکاری این احزاب و باندهای قومی با دولت های ارتجاعی نیستند، کسانی که قلبشان برای رهایی انسان از چنگال بردگی سرمایه داری می تپد، اما ظرف نامناسبی را برای فعالیت انتخاب کرده اند، یا به هر دلیلی تاکنون در این احزاب مانده اند، از کسانی که به خاطر روابط قوم و خویشی با این یا آن رهبر فلان جریان ناسیونالیستی، جان باختن یکی از اعضای خانواده شان در این یا آن جریان به این باندها پیوسته و هنوز توهم دارند که این سازمان ها بلاخره یک روز سر عقل بیایند و کاری در راستای خدمت به بشریت انجام دهند، در اشتباه مطلق به سر می برند، لذا درخواست می کنیم که بی وقفه و فوراً به صورت جمعی این سازمان ها را ترک کنند و با صادر کردن بیانیه در فضای مجازی صدای خود را به گوش جامعه و طبقه ی کارگر کردستان برسانند. ما از تمام کسانی که خواهان ترک این باندهای ارتجاعی و سناریو سیاهی هستند، بدون هیچ چشم داشتی حمایت می کنیم و در کنار آنان علیه این باندهای شبه تروریستی و چاقوکش لمپن پرور خواهیم ایستاد.

نقد از جهان اطراف با نقد از خود آغاز می شود

به خودتان بیایید و به اطرافتان نگاه کنید، به تجربه ی احزاب ناسیونالیست کرد کردستان عراق نگاه کنید که دخالت نظامی امریکا در عراق را با سرچوپی جشن می گرفتند و در تله ویزویون های وابسته به احزابی مانند اتحادیه ی میهنی و حزب دمکرات بارزانی شب و روز دخالت نظامی امریکا در عراق و نابودی مدنیت و انسانیت را جشن می گرفتند و تبلیغ می کردند. دخالت نظامی امریکا و غرب در عراق باعث اوارگی میلیون ها انسان و کشته شدن بیش از یک میلیون انسان بی گناه شد. دخالت نظامی امریکا در عراق باعث سر بر آوردن انواع مختلف باند ها و فرقه های قومی، مذهبی فاشیستی، عروج داعش و فاشیسم سنی و شیعی شد. احزاب ناسیونالیست کرد کردستان ایران در تلاشند امریکا و غرب را متقاعد کنند، که ایران را مانند عراق و سوریه به نابودی بکشاند، تا اوباشی مانند عبدالله مهتدی، عمر ایلخانی زاده، مصطفی هجری، خالد عزیزی و دیگر سیاستمدارن تشنه ی قدرت، خون و ثروت به هر قیمتی از طریق مکیدن خون کارگر کورد برای خود سرمایه و ثروت انباشت کنند، ان را همچون اوباش ناسیونالیست کورد کردستان عراق در حاکمیت بین خود تقسیم کنند و به عنوان مقامات محلی در کردستان ایران حکومت کنند. همین امروز باید تصمیم گرفت، فردا دیر است، باید با ترک کردن گروهی این احزاب و سازمان ها جواب دندان شکنی به آنان داد و اعلام کرد که با سیاست های جنگ طلبانه و دفاع آنان از تروریسم دولتی و بین المللی غرب و ناتو، با سیاست مزدوری برای شیوخ خلیج و سلطان اردوغان، با سیاست نشست های پی در پی با سازمان اطلاعات در کردستان عراق به دور از چشم جامعه و مردم، با سیاست ترور مخالفین سیاسی در اپوزیسیون، با

سیاست تحمیق اعضا و تفنگچی های حزبی، با سیاست قاب گرفتن عکس عبدالله مهتدی و نصب کردنش در اتاق داوطلبان جدید، با سیاست دیپورت مخالفین سیاسی درون حزبی همراهی نباید کرد و با ترک این سازمان ها در داخل خاک عراق و در خارج کشور، به صورت گروهی به آنان نشان داده شود، که می توان مستقل اندیشید و خارج از چارچوب های سازمانی این باندهای سناریو سیاهی برای رسیدن به یک دنیای بدور از فقر و بندگی، سرمایه داری و راسیسم و مذهب مبارزه کرد. ماندن در این باندهای ارتجاعی خدمت به بازتولید ارتجاع و تروریسم دولتی، دخالت نظامی غرب در ایران، دفاع از بازتولید مناسبات سرمایه داری در چارچوب جمهوری اسلامی و در بهترین حالت جایگزینی این نظام منفور و ملعون با یک شکل دیگر از برده داری سرمایه دارانه، تحت نام فدرالیسم، سلطنت طلبی یا بورژوازی لیبرال و نئولیبرال است. ماندن در این احزاب و سازمان ها، خیانت به منفعت طبقاتی مردم کردستان، ایران و خاورمیانه و در یک کلام خیانت به بشریت است.

مرگ بر جمهوری اسلامی

زنده باد سوسیالیسم

هسته ی مرکزی گفتمان رادیکال

۲۰۱۸/۱۲/۲۸

اطلاعیه کمیته کردستان حزب حکمتیست، مبارزان کمونیست، کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران در مورد:

توطئه ترور سازمان زحمتکشان مهتدی علیه مخالفین سیاسی

با گذشت حدود چهار هفته از افشاگری یکی از اعضای سابق سازمان زحمتکشان مهتدی به اسم شورش خراسانه، و همچنین قدم جلو گذاشتن تعداد بیش تری از کادرها و مسئولین سابق این جریان و پرده برداشتن از طرح یا نقشه چند مورد ترور کادرهای حزب حکمتیست و دیگر مخالفین، دست و پا زدن های آمرین و مجریان این ترورهای سیاه برای توجیه و فرار از زیر بار مسئولیت آن پوچ از آب درآمد.

با شهادت انسان های حقیقی و حقوقی بیش تری که از نزدیک شاهد جزئیات برنامه ریزی این ترورهای جنایتکارانه بوده اند، هیاهوی اولیه امنیتی کردن و ربط دادن این افشاگری به جمهوری اسلامی و اطلاعات و غیره بسرعت دود شدند. اکنون دیگر واقعی بودن این ترورهای کثیف که متاسفانه هنوز بعضی از شاهدان آن به دلیل امنیتی نمی توانند زبان بگشایند بر هر انسان شرافتمندی محرز و آشکار است.

با توجه به شناخت از ریشه و پیشینه این جریان ناسالم، احزاب، تشکل ها و شخصیت های بسیاری در محکوم کردن این توطئه ها درنگ نکردند، اما این افشاگری ها بار دیگر مردم آزادیخواه، کارگران و کمونیستها را بر آن می دارد که باتوجه به

اوضاع سیاسی متحول کنونی جامعه کردستان و ایران در مقابل چنین توطئه هایی هشیار و با برنامه باشند . ما از ابتدا و از بدو سرهم بندی شدن این جریان تاکید کردیم که علی رغم بیربطی باند زحمتکشان به جامعه اما می توانند به جنبش آزادیخواهانه و عدالتخواهانه خون بپاشند . کمونیستها و صف آزادیخواه جامعه کردستان باید تضمین کنند که با قدرت، مدنیت جامعه را حفظ نمایند و از باب شدن این اقدامات جنایتکارانه و غیر انسانی جلوگیری نمایند . قدرت متشکل مردم انقلابی در شوراهایشان و سپردن جامعه بدست صاحبان واقعی آن مهم ترین تضمین برای جلوگیری ازیکه تازی و آلوده کردن جامعه باشرارت و تروریسم باند های اینچینی است . قدرت متشکل و مسلح کارگران و مردم زحمتکش جواب کمونیستها به دست درازی انواع جریانات باند سیاهی است که در آینده و تحولات پیش رو بخواهند امنیت و مدنیت جامعه را تهدید کنند .

جریان زحمتکشان در یک گردنه بگیری آشکار با پشتیبانی و حمایت اتحادیه میهنی کردستان عراق و ربودن نام کومه له سر هم بندی شد . آن زمان ناسیو نالیسم کرد درعراق در پناه حمله آمریکا به عراق به قدرت رسیده بود. و در ایران جریان ۲ خرداد و ناسیونالیستهای کرد درون حکومت به جنب و جوش افتاده بودند . این شرایط و در دل هیاهوی جهانی علیه کمونیسم و پایان تاریخ ، عبدالله مهتدی را برای برپا کردن اقلیم دیگری در کردستان ایران وسوسه کرد . از آن زمان تا به امروز کار عبدالله مهتدی در یوزگی سیاسی در بارگاه تمامی جریانات و قدرتهای مرتجع و سرکوبگر منطقه بوده است . از خوش و بش کردن با جریان اصلاح طلب درون حکومت و مذاکره با جمهوری اسلامی تا شاگردی جریانات ضد انقلابی پرو غرب و سلطنت طلب و وزارت خارجه آمریکا ، جولانگاه عبدالله مهتدی برای آویزان شدن به قدرتهای جهانی و منطقه ای بوده است . تاریخ و پرونده این جریان بد نام باید نزد توده مردم کردستان بیش از پیش افشا گردد و کسانی که هنوز ماهیت آنها را نمیشناسند از پیوستن به آن برحذر داشته شوند .

مسئول مستقیم طراحی این ترورها رهبری جریان زحمتکشان و شخص عبدالله مهتدی است . افرادی که در آن زمان از سر ناآگاهی و یا تسلیم جو شدن در نقش طراحان و مجریان این جریان برآمدند ، بهتر است بجای مقاومت بیهوده و اطلاعیه دادنهای بی خاصیت و پر تناقض ، اگر هنوز ذره ای شرافت وجدانشان را آزار می دهد ، زبان به گفتن حقیقت بکشایند . این امر بنفع خود آنها و جامعه کردستان است .

ما از همه احزاب و جریانات و شخصیت های سیاسی در ایران و کردستان انتظار داریم ضمن محکوم کردن سازمان زحمتکشان و توطئه های کثیف آن در حفظ سلامت و فضای آزادی فعالیت سیاسی تلاش کنند. همین تجربه و سابقه دست درازی حزب دمکرات به کمونیستها در کردستان به ما می گوید که صف آزادیخواهی و کمونیسم در کردستان باید قوی ، متحد و استوار باشد .

در حاشیه ی سخن پراکنی جریان حکمتیست

جریان حکمتیست در خلال اطلاعیه‌ای در تاریخ ۲۸ دسامبر سال ۲۰۱۸ میلادی و در ادامه ی سریال‌های ساختگی خود با سناریوهایی موهن، این بار حزب کومه له کردستان ایران را با مجموعه اتهامات و تهمت‌هایی واهی و بی‌اساس مواجه کرده است.

نخست آنکه ما قویاً صحت ادعای مطرح‌شده را رد کرده و اعلام می‌داریم که چنین بحثی هیچگاه در هیچ مرجع حزبی مطرح نشده است. تنها منبع قابل اتکا از سوی جریان مدعی، استناد به سخنان شخصی معلوم‌الحال در شب‌نشینی‌های برنامه‌ای فیس‌بوکی است که پیش‌تر نیز حزب ما در مورد نیت، اهداف و مباحث طرح‌شده در آن هشدار داده بود.

طرح و انتشار چنین ادعای بی‌پایه و اساسی بدون ارائه ی هرگونه مستندات و مدارکی، به دور از هرگونه اخلاق و در راستای آژیتاسیون، ابراز وجود و ارتزاق سیاسی از طریق لودگی، فحاشی و بهتان است که همچون میراث شاخص جریان حکمتیست به شمار می‌رود.

دست‌آخر متذکر می‌شویم که نام، برنامه، پیشینه، ماهیت و عملکرد حزب کومه له برای مردم کردستان و ایران شناخته شده است و با گستاخی و سخن پراکنی پاکبختگانی سیاسی لکه دار نخواهد شد. در همین راستا از احزاب، جریان‌ها، آحاد مردم و انسانهای آزادیخواه می‌خواهیم تا در قبال اقداماتی از این دست بی‌تفاوت نبوده و در جهت محکوم نمودن آن تلاش نمایند. همچنین حق دفاع از خود را برای اشخاص حقیقی که نامشان در متن اطلاعیه آمده است را محترم می‌شماریم.

حزب کومه له کردستان ایران

دبیرخانه کمیته مرکزی

۲۹/۱۲/۲۰۱۸

درباره اتهامات بی پایه

رضا کعبی

۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

در کمال ناباوری ولی همراه با تائر فراوان، در روزهای گذشته اتهاماتی به من وارد شده است. به خاطر صرف احترام به جامعه سیاسی و به ویژه مردم مبارزی که زندگی سیاسی من با آنها معنی پیدا نموده است، وظیفه خود میدانم در این باره ابراز نظر کنم.

از تکرار این اتهامات پرهیز می‌کنم چرا که حتی تکرار ساده آنها را هم تا جایی که به من برمیگردد، روا نمیدانم و ضمن اینکه قویا آنها را رد می‌کنم بر نکات زیر پای می‌فشارم :

۱ - بسیار متأسفم که با وجود شناخت همه اعضا رهبری حزب حکمتیست، کادرها و اعضای آن از نزدیک نسبت به روش و منش من در بیان اختلافات سیاسی، که همیشه بر اعتدال و احترام متکی بوده است، چگونه بدون ارزیابی مستدل و بدون اتکا به مدارک مستند، این اتهامات را به صرف بیان یک نفر، بی‌محابا بیان نموده و مرا مورد بی‌حرمتی قرار داده‌اند.

این روش از نظر من بدور از هرگونه پرنسیپ و بدون تعقل و تامل بوده که نه تنها بر یک پروسه همه‌جانبه و غیر هیجانی و عادلانه برای روشن شدن حقیقت متکی نبوده بلکه این گمان را دامن می‌زند که گویا استفاده از هر وسیله‌ای و بهانه‌ای برای ضربه زدن به اعتبار و وجهت سیاسی همدیگر در نزد مردم، مجاز است.

من بر اتحاد و رفاقت و نزدیکی با بسیاری از افراد و اعضا و کادرهایی که سالها در یک سنگر مشترک مبارزه می‌کردیم، همچنان پافشاری می‌کنم. همه پیشمرگانی که با من همسنگر بوده میدانند که من نه تنها در هیجانی‌ترین مباحث سیاسی، هیچگاه دست به تحریک و ماجراجویی و عصبیت و تخریب و خشونت نزده‌ام بلکه حتی عاملی در بوجود آوردن فضای صبور و آرامش بوده‌ام.

۲ - من این اتهامات را در باره خودم قویا رد می‌کنم چرا که همواره مردم کردستان را لایق یک محیط سیاسی مدرن، شفاف و متضمن آزادی بدون قید و شرط بیان دانسته و میدانم.

من معتقدم مردم کردستان لایق برخورداری از احزاب سیاسی مختلف، سنتهای بحث و جدل افکار و آرا مختلف، بدون ترس و هراس و نگرانی هستند.

چهل سال حاکمیت میلیتاریسم فاشیسم اسلامی باعث نشده که مردم کردستان از این مطالبات مدنی عقب بنشینند. من در مبارزه سیاسی، خودم را به حفظ چنین محیطی که به آزادی احزاب، آزادی بدون قید و شرط بیان، ارائه آزاد و خلاقانه عقاید مختلف و پلاتفرمهای گوناگون باشد، ملتزم دانسته و میدانم و ضمن اینکه هر گونه تعرض کلامی و فیزیکی را به هر کسی، به خاطر عقایدش رد می‌کنم، پایبند گفتگوهای سیاسی باز و صبورانه و منطقی در جامعه می‌باشم.

اطلاعیه بهرام رضایی و صباح امینی:

روونکردنه‌وه‌یک

له ماوی چهند رۆژی رابردوودا چهند که‌سپیک له فهزای مه‌جازیدا با‌سیکیان سه‌بارهت به تهرحی تیرووری چهن کادریکی ریک‌خراوی چه‌که‌تیسست له لایهن کۆمه‌له مه‌ترح کردووه. به بونه‌ی ئه‌وه که له‌م باسه‌دا به ناوی ئیمه ئیشاره کراوه ئهم روونکردنه‌وه‌ی خواره‌وه‌مان بو رای گشتی به پیویست زانی.

۱- شورش که یو خوی نازانت و ناتوانت بیسه لمینیت و که له ۲۰۰۴ یا ۲۰۰۵ بوو بیت له کاتیکدا لهو تاریخه دا نیمه نهدامی کومیتهی ناوهندی کومه له نه بووین وه زوربهی کاته کانیشمان له دهره وهی ولات بووین.

۲: پرسیار له شورش نه وهیه یو پاش ۱۵ سال هم موزوعی بیر که وتوه تهو له نیو توړه کومه لایه تیه کاندایه جاری نه دات ؟؟؟؟؟؟؟
 نه گهر هم نیدعانهی شورش دروسته، حق و ابوو له کونگره ی ۱۴ ی کومه له له باتی بهر بزار کردنی خوی وه ک ره قیسی
 هاوړی عبدالولی موته دی یو پوستی سکرتری کومه له دهوا کونگره ی له م موزووعه ی ناگادار کرد بای و خوازیری
 ههلوپستی کونگره بوی.

۳: سهره رای نه وه که لهو کاتانه دا نیمه نهدامی کومیتهی ناوهندی نه بووین ، به لام نیمه وه ک دو کادری کومه له هم نیدعای
 کاک شورش و هموو بانو لاینه کانی مهنسووری حکمهت و به جهناحیک له حیزی کمونیستی نیرانیچه وه به پوچ و بی بنه ماو
 ههلقولوی فهرهنگی گهنللی سیاسی دووړاوی نهوان دهزانی.

یو نهو دوستانه وا به ته شتیک ناو که وتونه مه له کردن ، باشر و ابوو پیش نه وه ههلوپستی به په لهو نادرست بگرن ده بووا له گهل
 کومه له نهو که سانه که ناویان هاتوو په یوه ندیان بگردایت وه به ناحق موری ته نیدیان له سهر فتوای حکمهت یسته کان دانه نای.
 نیمه داوامان له هاوړیانی ریازی کومه له چ نهوانه ی وا له ناو ریزه کانی ههر کام له م ریکخراوانه دا خبات ده کهن وه چ نهوانه ی
 وا سالهای ته مهنیان له م رینگه دوژوارو پر له شانازی ده دا ناوه نیجازه نه دن تا قمیکی دروزن و رپاکار دژ به کومه له و خباتی
 خه لکی کوردستان به هر چه شتیک بیان خوش بیت وه ههر روزه له ژیر ناویکی تازه دا خبات و میژووی پر له شانازی هه موو
 رپوارانی هم رینگا بریندار کهن ، وه به شانازی وه هم به تیکوشان دژ به ناسیونالیزم و دوا که وتووی خه لکی کورد پیش سبهن . به
 دلنیا به وه هم چه شنه هه لسوو که وتانه یهم تا قمه دیاره بهرنامه و پلانی یو دانراوه .

سه باح نه مینی

بارام ره زایی

۱.۱.۲۰۱۹

پیلانی تیروژیستی گروپه کهی عبداللهی موتهدی دژی حزبی حکمهتییست

شهرمهزار ده کهین!

روژی ۲۰۱۸ / ۷ / ۱۲ کهسینگ بهناوی (شورش خراسانه) له بهرنامهیه کی راسته و خودا له فهایس بووک باسی له وه کرد که گروپی عبداللهی موتهدی له سالی ۲۰۰۵ دا، له سهر برپاری مه کتبی سیاسی نهو تاومه، بهرنامهی تیروژ کردنی ژماره یه ک له نه ندامانی رابه ری نهو کاتهی حزبی حکمهتییستان، دارشبوو که بو به چینگه باندنی کاروباری حزبی و ریکنخراوهیی لهو شاره بوون، داواشیان له ناوبراو کردبوو که بهرنامهی تیروژ کردنه که جیبه جی بکات. یه کیک له رابه ری حزبی حکمهتییست که لهو کاته دا له سلیمانی ده بیت ره حمانی حسین زاده بووه.

بینگومان نه مه یه کهم ههولتی تیروژیستانه ی نهو باندنه نه ته وه په رسته چه قو کیشه نیه دژی کومونییسته کانی کوردستانی ئیران و نه یارانی سیاسی خو یان، به لکو له دورانی جیابوونه وه یان له کومه له / حزبی کومونییستی ئیران، ههولتی تیروژ کردنی ئیبراهیمی عه لیزاده و ژماره یه ک له نه ندامانی رابه ری کومه له یان دابوو، دواتریش به هاو کاری ناسایشی سلیمانی کاره ساتیک بخولقیین و بهزه بری چه ک، ههروه کو پیشه ی هه موو حزب و لایه نه سیاسی کانی ناسیونالیزی کورد، که کیشه ی سیاسی ئیوانیان به شهر و چه ک و تیروژ یه کلایی ده که نه وه، ههولیان دا پاکسازی نه یارانی خو یان بکه ن له ناو کومه له دا، که نهو پیلانه ش سهری نه گرت!

ئیمه له حزبی کومونییستی کریکاری کوردستان نه م ههوله تیروژیستیانه ی گروپه کهی عبداللهی موتهدی له دژی حزبی حکمهتییست و نه حزابی سیاسی ئیران به توندی سهر کونه و شهرمهزار ده کهین و هاوکات کریکاران و کومونییسته کانی کوردستان و عیراق له م پیلانه قیره ونه ناگادار ده کهینه وه و بانگه وازی سهرجه م ریکنخراوو لایه نه سیاسی و کومونییست و نازادیخوازه کان ده کهین که نه م پیلانه چه په له سهر کونه و شهرمهزار بکه ن!

حزبی کومونییستی کریکاری کوردستان

۲۹/۱۲/۲۰۱۸

جوابیه ای به حزب کمونیست ایران

در تاریخ ۳۰ دسامبر حزب کمونیست ایران سراسیمه و پریشان، گویی از قافله تهمت و افترا به حزب کومه له کوردستان ایران جا مانده، اطلاعاتیه ای منتشر کرده و در آن به دنبال روی از فرقه حکمتیست اتهاماتی را به حزب ما وارده کرده است. متن اطلاعاتیه ی حزب کمونیست ایران که نه در شأن یک حزب سیاسی جدی است و نه چنانچه ادعا میکند به دنبال هسیاست عدم استفاده از اسلحه در پیشبرد اختلافات سیاسی، از همان ابتدا نیت و قصد خود را از مخاطب پنهان نمیکند و با خطاب قرار دادن حزب کومه له کوردستان ایران به عنوان هجریانی که به ناروا به نام کومه له فعالیت می کند می خواهد از

آب گل آلود ماهی بگیرد و موضوع کهنه ناروا بودن اطلاق نام کومه به حزب ما را دو باره زنده می‌کند. سردادن نغمه کهنه ناروا بودن نام کومه له بیش از هرکس به خودشان و پافشاری بر زندانی کردن سازمان کردستان این حزب در قالب عقیم حزب کمونیست ایران صادق است. جدانشدن حزب کومه له کردستان ایران از حزب کمونیست و استقبال وسیع مردم کردستان از این جدائی، پیوستن روزانه ده‌ها تن از جوانان کردستان به صفوف پیشمرگان و بالاخره نقش برجسته کومه له در روند توسعه و سیر رو به پیش جنبش کردستان در عرصه‌های متنوع پاسخی درخور و شایسته به چنین یاوه‌گویی‌هایست و ما را از توضیح بیشتر در این خصوص بی‌نیاز می‌کند.

اما در خصوص تکرار افتراهای حکمتیست‌ها به کومه له و پیشنهاد مسخره تشکیل کمیته حقیقت یاب که لابد قاضی و بازپرس آن نیز خود و استادان حکمتیست‌شان هستند، نمی‌توانند کتمان کنند که نویسندگان اطلاعیه جانب افترا گوین و تهمت زنان را گرفته و خود یک طرف ماجرا هستند. در واقع با این افترا که تنها به استناد ادعای یک نفر بعد از نزدیک به سیزده سال ابراز شده است، این خود حکا و همپالگی‌های درویشان حکمتیست هستند که باید در جایگاه متهمین‌شان نشاند و در مورد جرم و خلافکاریشان قضاوت کرد.

حزب کومه له کردستان ایران یک بار دیگر تأکید میکند که ما قویاً صحت ادعای مطرح‌شده را رد کرده و اعلام می‌داریم که چنین بحثی هیچگاه در هیچ مرجع حزبی مطرح نشده است، حزب کومه له کردستان ایران خود قربانی بزرگ ترور و تروریسم بوده که حداقل دو بار بمبگذاری در اروگاه‌های ما شاهد این ماجراست، از طرف دیگر برخورد هیستریک و اتهامات پی در پی فرقه‌های متعدد و درویشان حکمت در اتهام زنی، بددهنی لومپانه و ترور شخصیت رهبران حزب کومه له در تمامی این سالها بر کسی پوشیده نیست، پس اگر شاکی واقعی بخواهد از پدیده ترور شکایت و اعاده حیثت کند این حزب کومه له کردستان است، همینجا اعلام می‌کنیم ما این حق را برای خود محفوظ میداریم که از مجاری صحیح قانونی این اتهامات را پیگیری کنیم.

بیانیه حزب کمونیست ایران مصداق بارز وابستگی شدید و دیرپای این حزب است به کمونیسم به اصطلاح کارگری و به مرشدی که هیچوقت نتوانستند از زیر نفوذش به درآیند. این خوش خدمتی و دنباله روی نشان می‌دهد که ما حق داشتیم نزدیک به دو دهه پیش به این نتیجه برسیم که این قالبی نیست که بتوان در آن نه به جنبش آزادیخواهی و رفع ستم ملی، نه به کارگران و امر عدالت اجتماعی و بهبود وضعیت زندگی زحمتکشان خدمتی کرد و به پویایی اندیشه و سنت‌های اصیل کومه له که در قفس ایدئولوژیک این حزب متحمل خسارات بسیاری شده بود، ادامه داد.

حزب کمونیست ایران هم امروز و پس از گذشت نزدیک به ۳۵ سال از تشکیل آن، مآیوستر از همیشه در ارتباط با جنبش سرتاسری در ایران، و در فقدان کامل امر پیوند با مبارزه واقعی در سطح جامعه در حادثترین دوران از حیات سیاسی خود بسر میبرد، در فقدان یک ساختار فکری و سیاسی مستقل و وابستگی فکری است که این حزب چنین فرصت طلبانه به استقبال اتهام‌زنی‌های حکمتیست‌ها می‌روند و به در یوزگی اندکی مشروعیت از درویشان مرشد می‌پردازد.

کمیته مرکزی حزب کومه له کردستان ایران ۲۰۱۹/۱/۷

راگەياندى مەكتەبى ناوەندى حزبى حكەمەتتەست،

ئاشكرا بوونى پىلاننىكى تاوانكارانە ي ترورىستى لە دژى رابەرايەتى

حزبى حكەمەتتەست

خەلكى ئازادىخواز!

حزب و رېكخراوہ سياسىيە كانى ئۆپۆزسىۋنى جەمهورى ئىسلامى!

ئەم دوایانە پلانى تىرۆرىستى بەرنامە بۇ رېژراو لەلایەن رېكخراوى زەحمەتکیشان بە سەرۆکايەتى عەبدوللا موھتەدى لە دژى ھاۋرى رەحمان حسەين زادە و ھاۋرىپىاننىكى تر لە رابەرايەتى حزبى حكەمەتتەست ئاشكرا بووہ. لە بەروارى حەوتى ديسەمبەر ۲۰۱۸ ئىنساننىكى شەرافەتمەند بە ناوى "شۆرش خۇراسانە" لە پېشمەرگە پېشووہ كانى رېكخراوى زەحمەتکیشان لە تۆرى كۆمەلەيەتى فەيسبوك، وە لە بەرنامەيەكى لايقى ناسراو بە سەرپەرشتى "بەختيار بلورى" بەردەى لەسەر ئەم پىلانى تىرۆرە لا برد. بە گویرەى قسە كانى "شۆرش خۇراسانە" لە سالى ۱۵۲۰۰۵ ئەو كاتەى كە رەحمان حسەين زادە سەرۆكى مەكتەبى سياسى حزبى ئىمە و ھاۋرىپىاننىكى دىكە لە رابەرايەتى حزبى حكەمەتتەست بۇ فەعالىيەتى سياسى و حزبى لە شارى سلېمانى كوردستانى عىراق بوون، پلانى تىرۆر كەردنى ئەوان لەلایەن رابەرايەتى رېكخراوى زەحمەتکیشانەۋە دادەرپېژرى. بەھرام رەزايى ئەندامى رابەرى و فەرماندەى سەربازى ئەو كاتى رېكخراوى زەحمەتکیشان مەسئولىيەتى جىيەجى كەردنى ئەم پىلان و مەئمورىيەتە ئەسپىرى بە شۆرش خۇراسانە لە گەل پىدانى بەلئىنى دابىن كەردنى ئىمكانات و تەجهيزات و نەفەرى پىويست بۇ ئەنجامدانى. كاتى كە شۆرش خۇراسانە دەزانى كە ئەم ھەنگاۋە تىرۆرىستىيە لە دژى ھىزىكى دژى جەمهورى ئىسلامى و ئۆپۆزسىۋنە، بە ھەست كەردن بە مەسئولىيەت مل نادا بە جىيەجى كەردنى پلانە كە. چەند رۆژ دواتر رەزا كەعبى ئەندامىكى دىكەى رابەرى ئەوساى رېكخراوى زەحمەتکیشان لە كۆبوونەۋەيە كا بە ئامادە بوونى سەباح ئەمىنى (ماموخ) ئەندامىكى تىرى ناوەندى رېكخراوى زەحمەتکیشان، شۆرش خۇراسانە دەخەنە بەردەم ئىپرسىنەۋە و پىرسىار و جوابەۋە كە بۇجى دەستورى بەھرام رەزايى جىيەجى نە كەردوۋە، كە بىپارى مەكتەبى سياسى رېكخراوى زەحمەتکیشانىش بووہ؟. ئەم جارەش ديسان لە گەل دژايەتى ئوسوللى شۆرش خۇراسانە رووبەرۋو دەبىتەۋە بۇ ئەنجام نەدانى ئەم پلانى تىرۆرە رەشە و بەم شىۋەيە جىيەجى بوونى ئەم ھەنگاۋە تىرۆرىستىيە بەرەروۋى ئاستەنگ دەبىتەۋە. (قسە كانى شۆرش خۇراسانە بە زمانى كوردىيە و دەقى نووسراوى كوردى و تەرجومەى فارسىيە كەشى لە تۆرە كۆمەلەيەتسىيە كان بەردەستە).

ھەر لىرەدا دەبى دوۋپاتى بکەينەۋە، ئەم ھەست بە مەسئولىيەت كەردنەى شۆرش خۇراسانە، بۇ لە ئەستۋ نەرگرتنى ئەم ھەنگاۋە تىرۆرىستىيە پىشنىاز كراۋە، كە جىگای تەقدىرى زۆرە و ئىستاش بوپرى ئەو لە ئاشكرا كەردنى ئەم ھەنگاۋە دژە ئىنسانىيەى رابەرايەتى رېكخراوى زەحمەتکیشان، جىگای خۆشحالى ئىمە و ھەر حزب و رەوتىكى بە پىرەنسىپ و مدافعى فەزای سالىمى

سياسىيە لە بەينى ھېزە ئۆپۇزسىيۆنە كانا. بېگومان ئەم كارەى ئەو لە گەل پشتىوانى و دەستخۆشانەى ئىمە و ھەر ھېزىكى سالم و رادىكال و چەپ و پېشكەوتوو بەرھور و دەبى لە فەزاي سياسىدا، وە بە دلئىيى بەرامبەر بە ئە گەرى ھەر گوشارىكى رەوتى كۆنەپەرست و دواكەوتوى رېكخراوى زەحمەتكىشان لە دژى شۆرش خۆراسانە، بە گەرمى پشتىوانى لەو دە كەين.

دارشتنى ھەولتى تيرۆرىستىيانە لەلایەن ئەم رېكخراوە دەست كەشفە چاوەرووان نە كراو نىيە. ناو كۆكەى درووست بوونى ئەم رەوتە لە سالى ۲۰۰۰ بە پىلانگىرى و كودەتاي تەشكىلاتى و بەبارمە گرتنى سياسى و دارايى بە دژى كۆنگرەى نۆھەمى شەرعىيى و قانونى رېكخراوى كوردستانى حزبى كۆمۇنىستى ئىران (كۆمەلە) پېكھات. ھەر ئەو كات راماگەياندا، ئەم رەوتە رەوتىكى سياسى سالم و پابەند و بە پرنسىپ نىيە، بەلكو باندىكى سىنارىيۆ رەشە كە رەوش و پىنگەى دەستبردنى بۆ ھەر ھەنگاويكى دژە ئىنسانىي لە خۆيدا ھەلگرتوو. ھەر بەم دەليلانەيە كە لە قۇناغە كانى دواترا پلانى ھىرشى سەربازى بۆ سەر ئوردوو گاي كۆمەلە

بە مەبەستى سەركوت و تۆقاندنى دانىشتووانى ئەوتى خستبوو دەستورى خۆيەو و ھەلبەت ناكام ماپەو. لە ھەنگاويكى زەبوونانەى دىكەدا لە نىسانى سالى ۲۰۰۵ پلانى تيرۆرى ھاورپىيان سالىح سەردارى و محەمەد راستى لە ئەندامانى ناوھەندى حزبى حكەمەتسىيان خستبوو بەرنامەو لە ھەمان شارى سلىمانى، كە بە ھۆشيارى و موبادەرەى ھاورپىيانى ئىمە و پشتىوانى بىدىرىغى ژمارەيەكى زۆر لە ئىنسانى ھەقخواز و ئازادىخواى شارى سلىمانى پلانى زەبوونانەى ئەوان پووجەل كرايەو، كە ئەو كاتە بە ھۆى ھەندى بارى ئەمنىيەو نەمانتووانى ئەم رووداو بۆ راي گشتى رابگەيەنن. عەبدوللا موھتەدى و سەرانى باندى زەحمەتكىشان باش دەزانن، حزبى حكەمتىست و كادەرە كانى رابەرايەتى ئەو تەنەت لە ھەمان كوردستانى عىراق لە ئاستىكى وا لە ئىمكانات و تەجھىزات، وە لە موبادەرەى عەمەلى و پشتىوانى ھىزى چەپ و ئىنسانى ئازادىخواز بەھرمەندن، كە زۆرىك لە ھەنگاوە شوومە كانى ئەوان بەرامبەر بە رەوت و حزبى ئىمە پووجەل كراونەتەو و لە حالەتى دووبارە بوونەوشيانا ديسان ناكام دەبنەو. باشترە لە ناكامىيە كانى تائىستايان وانە فىر ببن.

سياسەتە راسترەوى و سىنارىيۆ رەشە كانى ئەم رەوتە، كۆششى بەردەوامى ئەم رەوتە بۆ مەرايى كردن لە بەردەم كۆنەپەرستىرىن ھېزە كانى ناوچە كەدا، ھەولتى نەبراوھيان بۆ قبول كردنيان لە بارە گاي دەولەتى راسترەوى ئەمريكا و ئارەزووى قوللى موھتەدى بۆ گەيشتن بە دەست ماچكردنى وەزىرى دەرەوى ترەمپى راسىست، لە تەنىشت ئاشكرا بوونى پلانى تيرۆرى موخالىفانى سياسى و بە تايبەتى كۆمۇنىستە كان لەلایەن ئەم باندەو، تا رادەيەكى زور گەواھى ئەمە ئەدەن، كە ئەم فىرقە قەومپەرستە ناسالم و بى پرنسىپ و سىنارىيۆ رەشە سەرەتا دەبج لە ناو خەلك و لە ئاستى كۆمەلدا ريسوا و تەرىك بكرىتەو. ئىمە ئەو ئەفراد و ئىنسانە زەحمەتكىشانە كە لە رووى ناشارەزايى پىويستەو بەرامبەر سياسەتە كۆنەپەرستە كانى ئەم رەوتە پەيوەست بوون بە ريزە كانى ئەوانەو، بانگەواز دەكەين بە درووست وە كو شۆرش خۆراسانە و زۆرىكى دىكەش برپارى مەسئولانە وەربگرن و ريزە كانى ئەم رەوتە كۆنەپەرستە بەجى بەيلن.



لە گەل ئەو ھەشدا چاوەرووانى ئىمە لە ئەحزاب و رېڭخراوە كان و شەخسىيەتە سىياسىيە كانى پابەند بە فەزای سالى سىياسى لە نىوان ھىزە كانى ئۆپۆزسىۋندا ئەمەيە، بە جيا لە دوورى و نزيكى سىياسى ئەوان لە گەل سىياسەتە كانى حزبى ھكمەتسىت پلانى تىرۆرىستى ئاشكرا بووى ئەم دوایيە ئەم رەوتە شەرمەزار و مەھكوم بکەن. رېگا نەدەن ئەم رەوتە ناسالمە لە كۆر و كۆبوونەو و دانىشتنە كانىاندا نامادە بىن.

مەكتەبى ناوھندى حزبى كۆمۇنىستى كرىكارى – ھكمەتسىت

۷ دەى ۱۳۹۷

۲۸ دىسەمبەر ۲۰۱۸

بخش فارسی

افشای طرح ترور رحمان حسین زاده و رفقایش

متن سخنان شورش خراسانه ترجمه شده از زبان کردی به زبان فارسی از برنامه زنده ۷ دسامبر ۲۰۱۸

.... متن من این نبود... از اینها [بارها] روی داده است. من خودم شاهد بودم. اما متن من در مورد چیز دیگری بود که به من مأموریت دادند .. که من به عنوان پیشمرگه کومه له بروم و رحمان حسین پناه [حسین زاده] را ترور کنم. حقیقتاً او را نمی شناختم. همراه یک - دو رفیق و دوست اش که واقعاً [اسم آنان] از یادم رفته است. کاک بهرام رضایی... البته که نمی خواستم سر این بحث کنیم، اما حالا که اشاره کردی، خوبه به این نوشته اشاره کنم. کاک بهرام رضایی مرا صدا زد و گفت تو پسر زرنگی هستی... به هر حال ما تصمیم گرفته ایم که این مأموریت را به تو بسپاریم. من هم خیلی خوشحال بودم. قبلاً هم چندین مأموریت به ایران ... بهرحال به شرق کردستان رفته بودم. به هر حال خیلی خوشحال بودم . اما گفت این مأموریتی متفاوت است... دفتر... در اتاق نگرهبانی سیاسی مقر شهر.. مقابل حزب کمونیست ایران... [نمای] بیرون آینه کاری بود و دربی چوبی داشت. هر دو نشستیم. گفت قرار بر این است... مأموریتی به تو داده ایم که همراه چند پیشمرگه دیگر که تو مسئولشان هستی... اسلحه و مهمات و وسایل مورد نیاز را در اختیارت بگذاریم و به هر حال به تو مأموریت داده ایم... گفتم خیلی خوشحالم.. بعد تعریف کرد. مأموریت چیست؟ گفت در سلیمانیه سه - چهار نفر به کاک عبدالله بد و بیراه می گویند و به ما فحش می دهند.. به هر حال بیشتر صحبت هایش بر سر این بود که به کاک عبدالله مهتدی فحش می دهند. بعد گفتم شاید مقر جمهوری اسلامی یا از این قبیل جاهاست که در آنجا (سلیمانیه) بودند. گفتم کیا هستند؟ گفت سه - چهار نفر هستند. یکی از آنها اسمش رحمان حسین پناه [حسین زاده] ... به شرفم قسم که او را نمی شناختم... (گرداننده برنامه زنده میپرسد + حسن رحمان پناه معروف به کاک حسن خیر... دفتر سیاسی...؟ - نه ... رحمان حسین پناه] حسین زاده [فکر کنم. الان او را می شناسم، در کمونیسم کارگری است. اخیراً با او صحبت کرده ام و گفتم شاید اگر روزی من مردم یا از این جور چیزها... چنین چیزی اتفاق افتاده ... بهرحال چیزی اتفاق افتاده به عنوان مسأله ای تاریخی... + آها... بله، بله ... همان رحمان حسن زاده... [حسین زاده] گفت باید او را ترور کنید... ترورش کنید... بهرحال فحش می دهند. بهرحال در مقری هستند... خانه ای اجاره کرده اند. واقعاً که این را گفت، الان هم که فکرش را می کنم تمام بدنم می لرزد. یعنی بروم و عضو یک حزب دیگر کردی را ترور کنم! مأموریت حزبی که با خوشحالی برایش مبارزه کرده ای و فداکاری کرده ای ... الان بهت بگویند برو عضو یک حزب دیگر کرد ایران را ... بهرحال گفتم چطور چنین چیزی ممکن است؟ کاک بهرام!.. واقعاً این سیاست کومه له است؟! این را که گفتم فوراً متوجه شد که دارم چیز دیگری... دیگر از کوره در رفت و گفت پیشمرگه کومه له ترسو هستند... می دانستم که شما... ترور... بهرحال باید روی شما کار کرد... و از این حرفها... خیلی عصبانی شده بود... اینها... گفتم بسیار خوب کاک بهرام الان چند نیرو برایم تعیین کن در کردستان ایران ... اسامی آنها را بگو همین الان می روم... خودم هم آنها را می شناسم.. اما چطور می توانم بروم در سلیمانیه عضو حزبی... درست است؟... اما آنان ضد جمهوری اسلامی هستند. چرا من چنین کاری بکنم؟! به هر حال پرسیدم این تصمیم کومه له است یا تصمیم خودت؟ کاک بهرام گفت: خیر! چطور خودم چنین چیزی می گویم. تصمیم دفتر سیاسی است. گفتم بسیار خوب. دوست

دارم ببینم دفتر سیاسی چی می گوید؟ دو روز گذشت. از طرف کاک رضا کعبی مرا به کمیته چیا فرا خواندند... آن دوران کمیته چیا بود.. بی اینکه من چیزی بگویم. کاک صلاح ماموخ هم همراهش بود. ابتدا چیزی زیادی نگفت. با خنده و تمسخر .. انگار که من آنجا نیستم. اصلاً آدم نیستم! از هر دری سخنی... گفت: شورش، اینجوری که پیداست تو این مأموریت را نپذیرفتی. بهرحال تصمیم بدی گرفتی که حرف بهرام را رد کردی... اما این تصمیم دفتر سیاسی است. دفتر سیاسی از بالا..... + یعنی کاک رضا کعبی...؟ این مربوط به چه سالی است؟ -۲۰۰۴ یا ۲۰۰۵ دقیقاً نمی دانم. ۲۰۰۴ یا ۲۰۰۵ بود. به شرافتم قسم. به خون شهیدان قسم چیزی که می گویم عین واقعیت است. کاک رضا کعبی در کمیته چیا به من گفت... به این خاطر می گویم، پس فردا افراد دیگری را نفرستند که مردم را بکشند. پس فردا کسی برده اینها نشود... یعنی جرأت نکنند چیزی بگویند. کاک رضا گفت.... بهرحال این تصمیم دفتر سیاسی است از بالا. این را گفت، حرفی برایم نماند و بیرون آمدم.... گفت تصمیم دفتر سیاسی است. بعداً مسأله را دنبال کردم. گفتم... کاک فاروق بابامیری بعد از یک هفته مرا صدا زد. با اتومبیل از مقر شهر... دنبال آمدند برای مقر شهر... رفتم به کمیته مرکزی. احساس کردم کاک فاروق چیزی [برای گفتن] دارد، اما عاقلم قد نمی داد. اما تا جایکه من بفهمم او از جریان اطلاع نداشت... واقعاً... چون بسیار با احساس و با ناراحتی حرفهایم را گوش کرد. از من می خواست حرفهایم را تکرار کنم و گفت چیزی که خودت شنیده ای... خواهش می کنم همان را تعریف کن.... حالا این را به شنوندگان می گویم کاک رحمان حسین پناه [حسین زاده] همراه دو رفیق اش که در سال ۲۰۰۵ در شهر سلیمانیه مقر داشتند، را ترور کنم. به شرافتم قسم، الان هم یادش می افتم تمام بدنم می لرزد... از خودم خجالت می کشم... در حزبی باشی... این همه پیشمرگه... تازه از منطقه برگشته بودم... حالا هم مأموریت... گرفته ام... اگر این کار را می کردم؟ الان حاصل این بیست و سه سال چی می شد؟ به خانواده این آدم چی می گفتم؟ اگر تشخیص نمی دادم و نمی گفتم کاک بهرام من این کار را نمی کنم... باشه، چشم یک مأموریت دیگر... + کاک شورش، خیلی ممنون برای این تاریخ که تا حالا اطلاع نداشتیم....

+++

ترور را چگونه محکوم کنیم!

آرمان پویا

ژانویه ۲۰۱۹

تشکیل کمیته ی حقیقت یاب طرح پیشنهادی دبیرخانه کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران به چه منظور می تواند باشد موضوع این نوشتار نیست! اما بخشی از ماهیت چنین کمیته ای نیز در آن می گنجد.

قبل از هر چیز کمیته حقیقت یاب هم می تواند تشکیل شود. اگر سازمانهای زحمتکشان گردن نهند که نمی نهد! و این بر همگان روشن است و روشنتر بر دبیرخانه کومله!

اما برای حل بُعد حقوقی چنین کیسی راه های به مراتب بهتری موجود است! کمیته ی حقیقت یاب در واقع به معنای حل و فصل ماجرا به دست ریش سفیدان است. روشی منسوخ، عشیره ای و بی نتیجه. توصیه برای تشکیل کمیته ی حقیقت یاب من را به یاد گفته ای از ژان پل سارتر انداخت که نوشت: ”مردی سده ی نوزدهمی اندیشه های متداول در هنگام فرمانروایی لوئی فیلیپ را به خورد نوه اش می داد. می گویند به این گونه است که روالهای عادی دهقانی را می شود توضیح داد؛ پدران به کشتزارها می روند و پسران را به دست پدربزرگان و مادربزرگان می سپارند!“

در دوره ی فئودالیتیه بود که برای رفع، ”نه حل“ اختلافات زن و شوهر از هر دو عشیره منتخبینی مامور می شدند. این منتخبین عشایر وظیفه ی رفع اختلافات میان زن و شوهر و یا عقد قراردادهای ازدواج و طلاق و همچنین به منظور رفع اختلاف میان دو عشیره بر سر تقسیم آب و مراتع را به عهده داشتند. اصل قضاوت این منتخبین نه بر پایه ی براءت یا کشف حقایق و یا هر چیز دیگر بلکه بر پایه ی رفع آن و تداوم وضعیت و مناسبات موجود میان آن ها بود. تا جایی که به قربانیان جوامع فئودالیتیه مربوط می شد، هرگز کمیته ای برای رفع ستم بر رعایا مامور نمی شد. حتی یک نمونه از چنین کمیته ای برای ستمکشان دیده نشده است.

اما این چه کاری است؟! به راحتی می توان بسیار امروزی تر در یک دادگاه اروپایی و هر چند بورژوازی شکایت نامه ای تنظیم کرد و مو را از ماست کشید. چنین دادگاهی به مراتب مطابق تر با دوران حاضر است.

اتفاقا خود سازمان زحمت کشان در قالب یک دفاع ناشیانه دست به چنین تهدیدی توخالی زده است و اگر آن را عملی کند که نمی کند کار خیلی راحت تر می شود. اما از آن جا که زحمتکشان چنین کاری نخواهد کرد بهتر است این کار به واسطه ی شخص حقیقی انجام گیرد که قطعاً این داستان به آنجا سوق داده خواهد شد و چنین اتفاقی نیز رخ خواهد داد و افراد درگیر این داستان حرفش را هم زده اند و وکیل هم برای وکالت داوطلب شده است.

اما چرا این کار شخص است نه حزب؟ (البته قطعاً احزاب هم می توانند و حشش را هم دارند) رسالت یک حزب به کرات مهم تر و عمیق تر از پیگیری و تنزل مسائل تا حد یک پرونده ی حقوقی صرف است. زیرا ترور نه یک رویداد صرف و یا

یک تصادف و یا یک مسئله ی شخصی بلکه عملی سیاسی و کاملاً سازمان یافته می باشد و به همین دلیل نامش را ترور گذاشته اند نه قتل صرف!

از آن جا که ترور یک پدیده سیاسی است باید ابتدا این پدیده به شکل جداگانه و مستقل از همه چیز به تنهایی شناسایی شود و اجزاء و عوامل تشکیل دهنده و منشاء و عواملی که به آن هستی می دهد شناخته شود و سپس جوهره ی ترور یعنی عملی که انجام می دهد و نتیجه ای که از آن حاصل می شود رونمایی گردد. وقتی همه ی این ها انجام شد رابطه همه این ها با سازمانی که دست به ترور برده است به راحتی آشکار می گردد و رو به جامعه معرفی می شود. همه ی این ها فقط بخشی از وظایف یک حزب سیاسی است نهایتاً حزب علیه آن موضع گرفته و در واقع پوزیشن خود را یا در کنار آن و یا در کنار توده ها توضیح می دهد و برای آن برنامه ریزی می کند.

این پدیده قطعاً یک بعد حقوقی دارد که از نظر من حزب نباید انرژی خود را صرف آن کند یا نهایتاً عضو یا اعضای را مأمور تنظیم شکایت کند و بیشتر خود را بر بُعد سیاسی پدیده متمرکز کند. به تصور من ترور فقط یک عملیات نظامی است مانند باقی عملیات های نظامی که در راستای کسب قدرت سیاسی بدون دخالت دادن مردم و بالای سر توده ها کاربرد دارد. حال چه نیروهایی تمایل به دست به دست کردن قدرت بدون دخالت توده ها دارند؟ این نیروها قطعاً جریانات بورژوازی هستند که به ابزارهای متنوعی متصل می شوند. برخی از این ابزارها عبارتند از نشست های مخفیانه و بده بستان با سازمان های اطلاعاتی و جاسوسی دولت ها، و بده بستان با جناح های دولت های متخاصم .

حال چنانچه گفته شد در همه ی ابزارهای در دسترس جریانات بورژوازی دو پایه ی ”بده“ و ”بستان“ نتیجه ی هر فعالیتی را تعیین می کند. نیروی بورژوازی در اپوزیسیون که بنا بر ماهیتش تمایلی به سعی در متشکل ساختن توده ها ندارد و به این دلیل هم دارای پایگاه عمیق اجتماعی در میان توده های زحمتکش و ناراضی نیست و می خواهد قدرت سیاسی را بستاند چه چیزی به عنوان ”بده“ یا مایه ی معامله در دست می تواند داشته باشد؟! قطعاً به حکم تبعیدی بودن این اپوزیسیون نمی تواند پایگاهی در میان طبقات فوقانی داشته باشد. زیرا طبقات فوقانی در دل رژیم حاکم شکل گرفته و خود رژیم سیاسی حاکم نیز این طبقات را نمایندگی سیاسی می کند. پس این گونه نیروهای بورژوازی آن چه به عنوان ”بده“ می توانند در دست داشته باشند نیروی نظامی می باشد. اگر بتواند به واسطه ی تبلیغات و سوء استفاده از اعتقادات و تعصبات توده ها و مبارزه ی طولانی هزاران عضو مسلح را سازمان دهد به نسبت نیروهای نظامی خود در معادلات دولت های منطقه ای و فرامنطقه ای به بازی گرفته می شود و به همان نسبت به بده بستان می پردازد. می توان به دو مثال از نوع دینی و ناسیونالیستی در خاورمیانه یعنی به ”پ ک ک و حزب الله“ اشاره کرد.

اما اگر این نیز میسر نشود چه؟! اگر این نیروی نظامی نتواند به بیش از چند صد نفر برسد ناچار باید دست به عملیات نظامی آکسیونبستی بزند. یعنی با فرستادن تیم های چند نفره و درگیری های کوچک و سپس تبلیغات وسیع، وزنی بیش از آن چه که دارد را به دولت ها نشان داده تا بتواند پشتیبانی مالی و لجستیکی آن ها را جلب کند و به واسطه ی آن در گام

بعدی نیروی نظامی خود را وسعت دهد. که این مورد به کرات در اپوزیسیون بورژوازی سراسری مثل مجاهدین و محلی نظیر جیش الاسلام و شاخه های حزب دمکرات و شاخه های سازمان زحمتکشان و خبات و پژاک نیز دیده شده است.

یکی دیگر از عملیات نظامی که با نیروی نظامی محدود می توان به منظور جلب حمایت دولت ها انجام داد ارباب سویل ناراضی است. این دست از بده بستان عموماً نه در پای میزهای مذاکره و یا در مکتوبات امضا شده بلکه در حین و به موازات جدال با دولت متخاصم، یا دولت های دیگر بر پایه ی نیازهای دو سویه شکل می گیرد. مانند آن چه که داعش در منطقه انجام داد و حمایت دولت های ترکیه و عربستان و غیره را از همان آغاز جلب کرد و به این شیوه خطر بهار عربی را از آن ها دور کرده و در عوض از امکانات مالی و لجستیکی و پشتیبانی معنوی و مالی وسیعی نیز برخوردار شد. نمونه ی دیگر آن جریان مفتی زاده بود که با ارباب و شکنجه ی نیروهای چپ در کردستان توانست برای مقطعی حمایت جمهوری اسلامی را در آغاز حاکمیتش کسب کند که بعداً با درایت کمونیست ها که در کردستان دارای نفوذ عمیقی بودند خنثی شد.

گونه ی دیگری از "بده" که از عهده ی نیروی نظامی محدود بر می آید ترور است که اخیراً یکی از این پرونده ها افشا شده و در شبکه های مجازی فارسی و کردی زبان به شکل وسیع، کاربران و فعالان سیاسی به آن پرداخته اند. در این گونه کیس ها معمولاً اهداف مختلفی پی گیری می شود که مهم ترین آن حذف رقیبان و یا عمدتاً مخالفان عمده ی سیاسی خود می باشد که می توانند در آینده مدعی واقعی کسب قدرت سیاسی باشند. این روش امروزه بیش از هر زمان دیگری در جای جای دنیا و مخصوصاً خاورمیانه مطلوبیت یافته است. از این رو از آوردن نمونه صرف نظر می شود. ترور مضاف بر از میدان به در کردن رقبا و یا مخالفین سیاسی ارزشمندترین "بده" در کیس جریانات میلیتاریست بورژوازی برای بستان از دولت های متخاصم و یا منطقه ای و فرامنطقه ای می باشد. در منطقه ی به شدت بحرانی و متزلزل ما و مخصوصاً در ایران که وجود نیروهای کمونیست می تواند رشته ی کنترل را در یک بزنگاه از دست همه ی قدرت های دخیل خارج کند، ترور رهبران و فعالین دارای سابقه ی مبارزاتی طولانی و با تجربه ی کمونیست می تواند به راحتی موجب جلب حمایت های وسیع هر کدام از دولت های سرمایه داری و امپریالیستی شود.

به دلائل بالا بسیار مهم و ضروری است که هر حزب و جریان سیاسی قبل از هر چیز مرزبندی های سیاسی خود را با چنین جریانات باند سیاهی روشن کند. بنابر این الزامی است که احزاب چپ دخیل در کردستان و ایران به جای بعد حقوقی آن به وظیفه ی اصلی خود یعنی بعد سیاسی این گونه کیس ها بپردازند. این قبل از همه متوجه اطلاعیه ی دبیرخانه ی کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران است.

شمشیری کهنه، سیاستی شکست خورده و آدرسی اشتباهی

ناسؤ سهامی

اخیراً بدنبال افشای یک طرح تروریستی سازمان زحمتکشان علیه اعضای رهبری حزب حکمتیست، موج عظیمی از انزجار و تنفر در میان جامعه کردستان و ایران علیه این سازمان شکل گرفت، در این میان شمار زیادی از احزاب، سازمانها و افراد آزادیخواه به درست و با دیدی مسئولانه موضعگیری کرده و این طرح تروریستی و سیاستهای سازمانهای زحمتکشان را محکوم و رسوا کردند، همین مسئله مایه شرمساری و تاسف اعضا و هواداران سازمانهای زحمتکشان شد و در این میان نیز شمار معدودی از افراد مستقل یا غیر مستقل که هنوز به سازمانهای زحمت کشان توهم دارند از روی خوشباوری یا سادگی با عناوین مختلفی مانند (ماجراجویی یا سیاست نامسئولانه، حزب کمونیست ایران در سنگر کمونیزم کارگری و حکمتیست و یا متد نادادورانه، عجله کردن کومه له در موضعگیری و غیره) به ناحق و با استدلالهای آبیکی به حزب کمونیست ایران، کومه له و رفیق صلاح مازوجی حمله ور شدند و با تکرار مجدد یکسری کلمات کلیشه ای سعی در تبرئه افرادی خاص از رهبری سازمانهای زحمتکشان و فرصتی برای ابراز نفرت همیشگی خود از کمونیزم و رهبران جنبش کمونیستی ایران شدند. آنچه از نوشته حضرات در تبرئه افراد رهبری و سازمان مطبوعشان در این موضوع خاص می توان برداشت کرد، نه ندامت و عذرخواهیست، بلکه سعی در به انحراف کشاندن اذهان عمومی و گل آلود کردن آب با قصد ماهیگیریست و ادامه همان پروژه شکست خورده ایست که می خواهد سر کومه له کمونیست را زیر آب کند همچنین در گوشه و کنار نیز با داستان سرایی مشغول شاخ و شانه کشیدن هستند.

بر اساس عملکرد و پراکتیک چندین ساله سازمانهای زحمتکشان و بعداز انشعابشان از کومه له و اقرار و اعترافات شماری از اعضای این سازمانها به آسانی می توان دریافت که این سازمان تا چه اندازه ظرفیت سرکوب مخالفان خود را به شیوه های مختلف از جمله ترور را در خود دارد.

سازمانهای زحمتکشان که زمانی خواب سبقت از احزاب دمکرات و پژاک را در رهبری و عملدار بودن پرچم ناسیونالیستی از نوع کردی در کردستان در سر می پروراندند علاوه بر تمامی شعارهای رنگیشان در جذب انسانهای شریف، طی سالها تلاش برای همگرایی با اصلاح طلبان حکومتی، مذاکرات پشت پرده با ماموران وزارت اطلاعات رژیم در سلیمانیه، سفرهای متعدد رهبران به آمریکا و سرگردانیشان در لابی های وزارتخانه های این کشور، دریافت کمک مالی از آمریکا و عربستان، به امید تکرار پروژه آمریکا از نوع کردستان عراق برای ایجاد یک حکومت عشیره ای از نوع طالبانی و بارزانی، از سوی دیگر همکاری و نشست با احزاب پان ایرانی و سلطنت طلب، همزمان و در کنار این تلاشها لحظه ای از سرکوب، تهدید، مرعوب و حمله نظامی بر علیه مخالفین خود دست برنداشتند، اکنون ورشکستگانی سیاسی هستند که در گرداب سیاستهایشان غوطه ورنند و به هر ترفند و دستاویزی چنگ می زنند.

سازمانهای زحمتکشان که تاب تحمل این شکستهای پی در پی را ندارد و همچنین نمی تواند شکست سیاستها و پایه های لرزانش را از دید جامعه کردستان و خصوصا هواداران معدودش پنهان دارد، در شرایطی که محفلیسم، باند و باند بازی، قدرت طلبی، فساد مالی و اخلاقی به جزئی از فرهنگ حاکم بر این سازمانها تبدیل شده است، تمامی این مسائل خود دلیلیست بر بی اتوریته شدن و بی اعتباری رهبران در سطح عمومی و داخلی، بعد از افشاگریهای اخیر در خصوص طرح ترور مخالفین سیاسی، رهبری سازمان زحمتکشان با همکاری فالانژهایشان با در دست داشتن پرچم ناسیونالیسم و کوردایتی، دست و پا زدن هایشان در منجلاب تناقض گویی، کتمان و تحریف واقعیت، بدون انتقاد از گذشته چندساله خود، با ادعاهایی پوچ و عبث تحت عنوان اتحاد مجدد کومه‌له‌ها به تکاپو افتاده اند تا شاید از درز و سوراخ سوزنی به تشکیلات کومه‌له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران رخنه کنند و با تبلیغات مسموم سعی دارند جای پای در ذهن پوسیده خود و پروژه زیر آب کردن کومه‌له کمونیست و رادیکال و پروژه الماس فریب خود را به پیش ببرند، غافل از اینکه این شمشیری کهنه و تکرار سیاستی شکست خورده است و آدرس را اشتباهی آمده اند.

ئهی ئهوانه‌ی بۆ ئاوه‌دانی سه‌رچاوه‌ن

ئهی ئهوانه‌ی قالمبوی کار و جئی متمانه‌ی رهنجده‌رانن،

زانئیان چۆن ئه‌و باله‌ له ناو لئزوه‌رژدی میژوی چهن‌دین ساله‌ی رابردوودا، له ئانقه‌ست نه‌زمی کۆنی سه‌رمایه‌دا

له ملامانه‌ی هه‌ر دو بالی بۆرژوازی ژوور و ده‌ر دا،

چه‌نده‌ها گیانی به‌خت کرد تا ئه‌و ره‌چه‌ پر له وه‌یشومه‌ی ته‌خت کرد،

کۆمه‌له‌ هه‌ر گیز نامری و بالی حیزبی کمۆنیسته

کۆمه‌له‌ هه‌ر گیز نامری و بالی حیزبی کمۆنیسته

ناسۆ. سه‌مامی

ژانویه ۲۰۱۹

بختیار پیر خضری

حرفهای جوانمیر ماراویی بعنوان یک شاهد عینی و مسئول پذیرش وقت سازمان زحمتکشان کردستان ایران در باره نقشه ترور رفقا محمد راستی و صالح سرداری توسط سازمان زحمتکشان و همچنین طرح حمله نظامی به اردوگاه کومله حزب کمونیست ایران برای از بین بردن تمام اردوگاه و خلع سلاح کردن این حزب. ایشان به چند مورد دیگر هم اشاره میکند که قابل تامل است.

نکته ای که بسیار قابل توجه است شهامت و صد البته ابراز کردن صریح و روشن این کادرهای سابق این سازمان ها در رابطه با احساس مسئولیت در قبال مردم کردستان و امنیت جامعه است. همچنین اینکه در آینده کردستان بعد از جمهوری اسلامی، این نوع افکار غیر انسانی مثل ترور و ارباب مخالفین که خود شاهدش بوده اند دوباره تکرار نشود، اینکه آینده کردستان سیاه نشود و امنیت کامل، آزادی بیان و حق فعالیت تشکل ها و احزاب مختلف بدون عدم احساس امنیت وجود داشته باشد، اینکه مثل مسئولین اتحادیه میهنی در سلیمانیه که اسلحه را روی شقیقه یک شهروند میگذارند که در فیس بوک یک مسئول را نقد کرده است، تکرار نشود، اینکه روزنامه نگاران برای نوشتن ربوده و کشته نشوند، اینکه ثروت و سامان جامعه به جیب احزاب نرود، اینکه جنگ و خونریزی نباشد و مردم کردستان بدون ترس از فلان حزب مسلح، حق انتخاب سیاسی خودشان را داشته باشند.

دید بخش قابل توجهی از فرماندهان و رهبری سابق این سازمان ها که به اروپا رفته اند و در محیطی بازتر و انسانی تر و بدون اینکه ترس اسلحه و تهدید و تحقیر و بایکوت بالای سرشان باشد، تغییر زیادی کرده است. این انسانها حتما زمینه این را داشته اند و جنبشی از جنس دیگری بوده اند که تغییر کرده اند والا کم نیستند رهبران این سازمان ها که در اروپا زندگی میکنند اما همچنان با همان طرز فکر و سیستم اردوگاه زندگی میکنند و شب و روز در فای مجازی مخالفین خود را تهدید میکنند.

دید این انسانهای شریف نسبت به پدیده های به غایت غیر انسانی مثل ترور و ارباب مخالف سیاسی، نسبت به سیستم ارباب و رعیتی بگ زاده هایی مثل عبدالله مهتدی، تحقیر و بایکوت کردن پیشمرگه ها در این سازمان های قوم گرا، نسبت به احساس مسئولیت در قبال جامعه و مردم کردستان که از یک طرف تحت ستم حکومت ها بوده اند و از طرف دیگر هم قربانی سیاست های احزاب قوم گرا در زد و بند با حکومت ها و نسبت به حقوق زنان و کودکان که همیشه پایمال شده است و نسبت به پدیده های دیگری مثل حفظ محیط زیست و حتی مهربان بودن با حیوانات و بسیاری مسائل دیگر تغییر ملموسی کرده است که خود نشانه خوبی برای آینده جامعه کردستان امن است.

این افراد مسئول و با شهامت به صراحت میگویند اینگونه طرحهای ترور و جنگی مثل جنگ تحمیلی حزب دمکرات رو به کمونیستهای کردستان که در کومله و حزب کمونیست ایران متشکل بودند روی داد و هیچگاه از مردم و خانواده های جان باخته این عزیزان معذرت خواهی نکردند، نباید به هیچ وجه تکرار شود. و یا به قول خود ناسیونالیست ها جنگ برادر کشی که در کردستان عراق صورت گرفت و هزاران پیشمرگه از هر دو طرف کشته شدند در کردستان ایران هم تکرار نشود.

همچنانکه شورش خراسانه دیشب خودش در لایو میگفت انتظار نداشته است این افشاگری با این احساس مسئولیت و موج حمایت ها روبرو شود و اگر می دانست زودتر آن را بیان میکرد. شورش راهی را باز کرد که دیگران هم بعنوان شاهد پرده از این طرحها بردارند.

حمایت و دفاع از شورش دفاع از آینده کردستانی امن و بدور از خونریزی و ترور و ارباب است.

به امید و تلاش برای آینده ای روشن و بدور از هر گونه کشت و کشتار و تهدید و ترور در کل ایران!

بختیار پیرخضری

تاریخ: چند دقیقه مانده به سال ۲۰۱۹

علیه ترور و تروریزم

آکام بسیم

۳۱ دسامبر ۲۰۱۸

افشا شدن طرح ترور چند تن از رهبران حزب کمونیسم کارگری بار دیگر بحث بر سر روند آینده مبارزه سیاسی در کردستان را به میان آورده است. بنا به گزارشات مختلف که بر روی سوشیال مدیا انعکاس وسیعی داشته است، دفتر سیاسی سازمان زحمتکشان در سال ۲۰۰۵ دستور ترور چند تن از رهبران حزب کمونیست کارگری را به فردی (خراسانی) داده اند که ایشان از این امر سر باز زده است.

سابقه این سازمان در حمله به اردوگاه کومه له در کردستان عراق در سال های پس از انشعاب و درگیری ها و سرکوب درونی در جریان انشعابات امکان صحت این سخنان را بیشتر و بیشتر می کند. جدا از درستی یا نادرستی اظهارات "خراسانی"، یک امر روشن است و آن هم این است که این سازمان دچار بحران های گریبانگیر درونی است. جدایی دو شاخه از این سازمان و چند شاخه از دو شاخه زحمتکشان و به هم پیوستن دوباره آن ها آینه گویایی از بحران ناسیونالیسم کرد است. این وقایع حاکی از بی افقی سیاسی و بن بست استراتژیک سازمان مربوطه است.

سال ها دل به اصلاح طلبان حکومتی خوش کردند. این در حالی بود که دوم خردادی ها هیچی برای آن های در چننه نداشتند. دل به حمله نظامی آمریکا به ایران بعد از عراق خوش کردند، آن هم بر باد رفت. به پابوس جنبش سبز و میرحسین موسوی و منتظری رفتند*. این خواب هم بر نقش بر آب شد. همین بن بست استراتژیک و بی باوری به نیروی توده ها، آنان را به چنین روزی رسانده است. آشکار شدن این توطئه در این شرایط به شدت یافتن اختلافات داخلی درونی این حزب برمی گردد. قبلا هم عمر ایلخانی زاده توطئه سازمان زحمتکشان برای تسخیر اردوگاه کومه له-سازمان کردستان

حزب کمونیست ایران افشا کرده بود**.*. آن هم زمانی که اختلافاتشون به سطح انشعاب کشید. این امر مصداق این ضرب المثل است: زمانی که گاری به سربالایی می رسد اسب ها همدیگر را گاز میگیرند. چنین امری از بی افقی سیاسی و بن بست استراتژیک آن ها نشات می گیرد و تنها آینه بحران های درونی ای می تواند باشد که این سازمان بعد از انشعاب از کومه له-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران با آن دست به گریبان بوده است.

دامن زدن به فضای ترور و تروریسم در کردستان تنها به مبارزه برحق مردم کردستان علیه جمهوری اسلامی صدمه می زند. آزادی بدون قید و شرط سیاسی و آزادی عقیده پیش شرط هرگونه جامعه انسانی جهان امروز است. بدون آزادی بیان و عقید جامعه کردستان به منجلابی تبدیل خواهد شد که ما نمونه هایش را در عراق، سوریه، ایران، عربستان، ترکیه و دیگر کشورهای جهان سوم شاهدش هستیم.

در چند سال پیش نیز شاهد رویگردانی بدنه این سازمان از تشکیلاتش بوده ایم. ما شاهد این فجایع در کردستان عراق، ترکیه و حتی ایران بوده ایم. ناسیونالیسم کرد ظرفیت آن را دارد که فضای سیاسی جامعه را متشنج کند. آن ها بنا به ماهیت طبقاتی شان به به تغییر قدرت از بالا اعتقاد دارند. به هر دری می زنند تا در قدرت سیاسی شریک شوند. در چنین شرایطی کمونیست ها تنها نیروی پیگیر سیاسی هستند که می توانند آزادی بدون قید و شرط سیاسی متحقق کنند.

دشمنی ناسیونالیسم کرد با کمونیست ها در کردستان تاریخ دور و درازی دارد. زیاده خواهی حزب دموکرات در کردستان و عدم پایبندی این حزب به اصل "آزادی بی قید و شرط سیاسی و عقیده" جنگ ویرانگری را به کومه له تحمیل کرد. تجربه اخیر به اصطلاح "بهار عربی" در منطقه نشان می هد که اگر زمانی توده های مردم در میدان مبارزه حضور یابند، مبارزه شان حداقل با کمترین هزینه به پیش می رود. اما زمانی که میلیشیای نظامی قدرت را به دست می گیرند و توده های مردم از میدان مبارزه دور می شوند، دریای خون راه می افتد. سوریه، عراق و لیبی نمونه های بارز چنین تجربه ای هستند.

در کردستان ایران نیز ما دارای تجارب گران بهایی هستیم. تا زمانی که مردم کردستان در صحنه سیاسی حضور داشتند، حزب دموکرات نتوانست هیچ گونه جنگی را بر دیگر نیروهای سیاسی تحمیل کند. زمانی که حزب دموکرات پایگاه پیکار در مهاباد را به گلوله بست، توده های مردم این شهر به میدان آمدند و انزجار خود را از این حرکت ابراز داشتند. زمانی که جمهوری اسلامی یورش آورد و جامعه کردستان را میلیتاریزه نمود، حزب دموکرات جنگی خونین را به کومه له تحمیل نمود که به قیمت جان صدها فرزند کارگر و زحمتکش تمام شد.

خطر دیگری که در این میان فضای سیاسی کردستان را تهدید می کند، معرکه گیری و چاقوکشی شعبان بی مخ هایی است که رهبران سیاسی این جریان برای رسیدن به اهداف شان به کار می گیرند. بنا به گفته فرد مربوطه "بهرام رضایی" که کارنامه سیاهی در حمله به اردوگاه کومه له دارد، یکی از آمران وی برای عملی کردن طرح ترور رهبران حزب کمونیست کارگری بوده است. لمپنیسم سیاسی از این ظرفیت برخوردار است که به ابزار دست رهبران بی پرنسیپ احزاب ناسیونالیست بدل شود.

در چنین شرایطی هوشیاری توده های مردم کردستان و حضور آن ها به شیوه های ممکن (در شرایط سیاسی موجود) تنها ضامن خنثی کردن اقدامات تحریک آمیز جریانات ماجراجویی است که دست به هر حربه غیر انسانی می زنند تا در قدرت سیاسی شریک شوند. وظیفه کمونیست ها پیگیری به ثمر رساندن خواست "آزادای بدون قید و شرط سیاسی" است. تازه در این شرایط ما می توانیم دست اندرکار بنیاد نهادن پایه های جامعه ای انسانی باشیم. تنها با هوشیاری سیاسی می توانیم دست لمپنیسم سیاسی را از فعالین کمونیست کوتاه کنیم.

منابع

* برای اطلاعات بیشتر متن اطلاعیه "عبدالله مهتدی" به مناسبت مرگ منتظری بخوانید.

** برای اطلاعات بیشتر به مقاله عمر ایلخانی زاده تحت عنوان "چهند راستییه کی حاشاهه لته گر، مه سله حهت نه پاریزیه کی پیویست و به مه سله حهت" در نشریه حزب متبوع نمائید.

پلان ترور و حذف فیزیکی مخالفین سیاسی را شدیداً محکوم میکنیم

اردشیر نصراله بیگی - فرشید شگری

اطلاعیه

چند روز پیش در یک برنامه ی زنده ی فیس بوکی، توطئه ی ترور کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست توسط فردی به نام "شورش خراسانه" از پیشمرگان سابق "سازمان زحمتکشان"، افشاء شد. شورش خراسانه در آن برنامه اظهار داشت که در سال ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ میلادی، به وی مأموریت داده بودند تا رفیق رحمان حسین زاده، و تعدادی دیگر از کادرهای آن حزب را ترور کند، اما نامبرده از عمل به آن "امر تشکیلاتی" خودداری ورزید. طبق گفته های این شخص، دستور ترور رفیق رحمان حسین زاده و سایر رفقای وی در سلیمانیه، از سوی دفتر سیاسی وقت "سازمان زحمتکشان" صادر شده بود!

واقعیت غیر قابل انکار این است که قبلاً "سازمان زحمتکشان" برای ضربه زدن به مخالفین سیاسی خود به این نوع اقدامات شنیع و ضد انسانی دست برده است. به دنبال انشعاب "مهتدی - ایلخانی زاده" از کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران حدود هجده - نوزده سال پیش (سال ۲۰۰۰ میلادی)، برخی از رهبران این سازمان بویژه عبدالله مهتدی تصمیم گرفتند تا به اردوگاه کومه له حمله ی نظامی همه جانبه ایی ترتیب دهند و به خیال خام خود کارشان را با کمونیست های جامعه در حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان اش یکسره کنند، ولیکن گویا در همان موقع جمعی دیگر از رهبری این جریان با آن نقشه مخالفت کرده بودند. این موضوع بعد از انشعاب عمر ایلخانی زاده و همراهانش از "سازمان زحمتکشان" افشاء شد. با این وجود در آن زمان یعنی اوایل انشعاب این سازمان از حزب، طرح های محدودی

توسط " سازمان زحمتکشان " از جمله منفجر کردن محل نگهداری تسلیحات با فرستادن عواملی نفوذی به درون کومه له، و نیز خمپاره باران و آر پی جی باران اردوگاه و پایگاه هایمان، به اجراء درآمدند.

بی گمان، برملاء کردن سیاست های راست روانه، و پرده برداری از چهره ی واقعی جریانات بورژوا - ناسیونالیست همانند هر دو شاخه ی " سازمان زحمتکشان " مهتدی و ایلخانی زاده، وظیفه ایی بس خطیر و تعطیل ناپذیر است. از این گذشته، بایستی ضمن دفاع از آزادی های بدون قید و شرط سیاسی و ناروا شناختن و تقبیح صریح یکچنین اعمالی در برابر مخالفین سیاسی در هر جریانی، توطئه ی حذف فیزیکی و ترور کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در سال ۲۰۰۴ - ۲۰۰۵ آنهم نه فقط از جانب کمونیست ها و تک تک انسانهای آزادیخواه و مسئول، بلکه از طرف تمامی احزاب و سازمان های چپ و کمونیست به شدت محکوم گردد.

نهم دیماه ۱۳۹۷ خورشیدی

تحلیل درخشان از ماهیت باند تروریستی مهتدی

محمود قزوینی ۲۰۱۹/۱/۲

نبوغ و نبوغ سیاسی میخواهد تا انسان سمت و سوی پدیده ها و نیروها را در زمانی که نطفه میندند ببیند و عمیق و درست هم ببیند. نادر انسانهایی هستند که چنین عمیق میتوانند آینده را ببینند. منصور حکمت جزء چنین انسانهایی بود. تاریخ زندگی سیاسی او پر از چنین آینده نگریهایی عمیق بود که چیزی جز از شناخت عمیق او از پدیده های سیاسی و اجتماعی برنمیخواست. تحلیل او از گرایشات درون حزب کمونیست ایران با دقت ریاضی بوده است. او زمانی با دقت آن گرایشات را مورد تحلیل و ارزیابی قرار داده بود که همه گرایشات درون حزب کمونیست ایران خود را کمونیست و حتی کمونیست کارگری میدانستند. تحلیل او از حزب کمونیست کارگری و سرنوشتش در آخرین ماههای زندگیش، تحلیلی از محفل باقیمانده بهمن شفیق و رضا مقدم مو نمیزند.

تحلیلهای سیاسی او از سال ۵۷ در باره ماهیت رژیم جمهوری اسلامی ایران، در باره اقتصاد ایران، در باره جنبش کارگری، در باره تفاوتهای کمونیسم کارگری، در باره سرنوشت انقلاب اکتبر و شکست آن، در باره رابطه حزب و طبقه و به همراه مقابله فرهنگی با سنتها و اخلاقیات چپ رادیکال ایران صفحه بی نظیری در تاریخ کمونیسم ایران به جا گذاشته است.

مورد اخیر یعنی افشاء شدن دوباره ماهیت باند زحمتکشان مهتدی در ترور و آدمکشی و ظرفیت داعشی آنها، یکبار دیگر سرها را به طرف منصور حکمت و تحلیلی از باند زحمتکشان و نقش آن در آینده سیاسی کردستان و ایران برگردانده است. در زمان نطفه بستن این باند بسیاری از این "چپها" ضمن حمله به کمونیسم کارگری و برخوردش به باند زحمتکشان، مشغول مغازله با جریان مهتدی شده بودند. البته اگر سربه آمریکا بودن مهتدی و باندش نبود ابایی نداشتند تا آخر خط زیر

نام دفاع از "خلقها" با آنها بروند. امروز هم یکدماشان حداقل در همین فیسبوک عملیت تروریستی باند مهتدی بر علیه کمونیستها را محکوم نمیکنند.

به نظر من کسی که خود را نیروی سیاسی و اجتماعی و آزادیخواه میداند، کسی که خود را چپ و کمونیست و در صف طبقه کارگر و جنبش کارگری میداند، نمیتواند از کنار یک مسئله سیاسی مهم در جامعه یعنی ترور کمونیستها توسط یک باند ناسیونالیستی و یا حتی ترور مخالفان سیاسی در اپوزیسیون رد شود و خود را به ندیدن و نشنیدن بزند. آینده سیاسی روشن کارگران و مردم ایران از جمله به مقابله با چنین باندها و افشاء و منزوی کردن آنها وابسته است.

من همه احزاب و شخصیت‌های سیاسی و بخصوص احزاب و شخصیت‌های چپ را فرا میخوانم که باند مهتدی را به عنوان یک باند تروریستی محکوم کنند و توجه کارگران و مردم را به ماهیت چنین باندهای ناسیونالیستی و تأثیرات مخرب آنها بر آینده زندگی آنها جلب کنند.

متن سخنرانی منصور حکمت در سال ۲۰۰۱ زمانی که باند مهتدی در حال نطفه بستن بود.

بحران و انشعاب در کومه‌له

سخنرانی در انجمن مارکس لندن

۲۴ مارس ۲۰۰۱

متن پیاده شده از روی نوار سخنرانی

ترور و حذف فیزیکی محکوم است

۴ ژانویه ۲۰۱۹

متأسفم که چنین بدیهیاتی باز لازم به تکرار است!

چند روز پیش، با پخش یک ویدئو، مطرح شده که سالها پیش، مسئولانی از یک شاخه‌ی مسروقه‌ی کومه‌له، درصدد ترور و حذف فیزیکی مخالفانشان بوده‌اند! باز هم متأسفانه، نه تازه بود و نه غیرمنتظره! چنین اقدامات شنیعی که نتیجه‌ی جز رسوائی هم برای گردانندگانشان نداشته، سابقا هم روی داده و ظرفیت آلودگی گرایشهای ناسیونالیستی را، همچون موارد مشابه میان جریان‌های ناسیونالیستی کردستان هم سائو و همچنین حزب دمکرات، یک بار دیگر، به نمایش گذاشت.

آنچه میماند، رسواکردن بیشتر و فشار بیشتر بر این جریان‌هاست که اولاً ابعاد این ماجرا را روشنتر نمایند و مسئولان این رسوائیها را بیشتر افشا کرده به قضاوت جامعه بسپارند و ثانیاً به هواداران آنان، هشدار مجدد دهیم که ناسیونالیسم، به‌ویژه در شکل باندهای مسلح، چه ظرفیتهای شنیعی دارند برای حذف جنایتکارانه‌ی مخالفان سیاسی و حتی برای خود آنها (در

صورت هرگونه اندیشه‌ی آزادانه‌ی) همین خطر هست! از طرفی، هیچگونه خام اندیشی این هواداران، از نوع امید به هرگونه رهایی در پیروی از این جریانات رسوا، دیگر پذیرفته نیست و بهخصوص پس از این افشاگریهای اخیر، از شریک بودن آنان در این مسئولیت شرم آور، چیزی کم نمیکند!

دیماه ۹۷، ژانویه ی ۲۰۱۹

مصلح ریویوار

اطلاعیه شماره (۲) در دفاع از تاریخ کمونیسم و افشای نقشه ترور!

ناصر بابامیری

در اطلاعیه پیشین آمده بود: اطلاعیه حزب کمونیسم کارگری-حکمتیست در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۸ از نقشه ترور جمعی از کادر رهبری این حزب را از سوی کمیته رهبری وقت سازمان زحمتکشان در سال ۲۰۰۵ میلادی در کردستان عراق را با اتکاء به افشاگری "شورش خراسانه" یکی از کادرهای پیشین این سازمان پرده برداشت. این افشاگری نقشه ترور کادرهای رهبر حکمتیست تنها یک فاکتور از نقشه‌هایی است که این جریان در کارنامه چند ساله خود بر علیه مخالفان سیاسی و خصوصا به منظور ترور کمونیستها کشیده اند و دارا بوده. ماهیت این جریان دیگر سالهاست نه تنها برای احزاب کمونیستی خارج از کشور و فعالین کمونیست و آزادیخواه بلکه در داخل جامعه ایران میان بخش اعظم چپها و حتی بخش راستها و به طریق اولی نزد توده‌های آگاه کارگر و مردم زحمتکش کردستان نیز برملا شده. سازمان زحمتکشان و گرایشات اخویش در سطح جامعه پرونده چند ساله اشان نشان داده جریانی هستند در آینده تغییرات در ایران اگر به ذره شانسی بیابند ظرفیت و پتانسیل خون پاشیدن به این جامعه را دارند. نمیشود با حمله ور شدن به تاریخ حزب کمونیست ایران و پشت کردن به کومله که بر تارک تاریخ جنبش کمونیستی ایران در تند پیچهای تاریخی درخشیده و با لودگی هجوم بردن به احزاب کمونیسم کارگری که در این تاریخ مشترک و درخشان سهم بسزایی داشتند و تا کنون هم شرافتمندانه برغم تفاوتهای سیاسی در پیشبرد امر کمونیسم داشتند تاریخ را سازمان معلوم الحال شما زیر فرش کند. راه تبرئه شده شما یقینا این نیست. تنها راه تبرئه شدنتان حضورتان در پیشگاه دادگاه علنی کارگران و توده‌های مردمی است که چرا به خشونت و حذف و ترور متوسل شدید. نمونه بارز و غیر قابل انکار آن حملات مکرر طی سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۴ به مقرات و اردوگاه کومله-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بوده. از میان حملات ایذائی چند باره این سازمان که طی سالهای بعد از انشعاب علیه کومله انجام گرفته به یقین می توانم بگویم آخرین مورد از حملات ایذائی که به فرمان دفتر سیاسی وقت سازمان زحمتکشان و در راس آن شخص عبدالله مهتدی به مقرات و اردوگاه کومله-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران انجام گرفت یکی از عاملهایش زیر فشار مباحث نظری و سیاسی جمعی انسان کمونیست بود که آنزمان کادر این سازمان

بودیم. سازمان زحمتکشان و در راسشان مهتدی بیمناک بود وقتی طی چهار سال این گرایش را نتوانسته بود در نطفه خفه کند اینبار کمر به حذف آنان بست. البته ناگفته نماند در همین دوره بود که گرایش عمر ایلخانیزاده و کعبی هم حول یکسری اختلافات جزئی سیاسی و بیشتر مناقشات تشکیلاتی بر سر اداره امورات سازمانی و یک بند برنامه ای (مبنی بر اینکه باید تکلیف خودشان را به انقلابی بودند یکسره کنند و بند نافشان را با این دوکتورین برای همیشه ببرند، ولی جناح مهتدی گویا این بند برنامه را همچون شمشیر چوبین بر ای مصارف داخلی بر سر تشکیلاتش در هوا می چرخاند)، بعدها خود این جناح به اسم سازمان زحمتکشان-شاخه رفرم انشعاب نمود، در جولان بود. صد البته رهبری این گرایش هم به لحاظ استراتژی، سیاسی و نظری در این تاریخ جعلی بنام کومله نقش اساسی داشتند. رهبری این گرایش هم، نه کل بدنه، مثل شاخه مهتدی علیه مباحث ما بود. حتی قبل از برگزاری آخرین سیمینار سیاسی مهتدی که در گشت و گذار و پرسه زدن پشت درهای احزاب و سازمانها اروپایی و در کریدورهای نهادهای بین المللی بود، تا برای عضو ناظر کنگره انترناسیونالیست مورد قبول واقع شود، توسط گروه فشار دفتر سیاسی این سازمان در یک سیمیناری سیاسی هر چه را در چنته داشتند علیه ما بیرون ریختند. اما دیدند نمیشود با شگردهای منسوخ سفسطه گرانه به تقابل اختلافات استراتژیکی و سیاسی و حتی با پناه بردن به ابزارهای تهدید آمیز انسانهایی عزم جزم کرده علیه گرایش بشدت راست را عقب راند. چه لودگی هایی علیه ما طی ایندوره از عروج اختلافات سیاسی در سالن اجتماعات که ندیدم!! بعد از این سیمینار هیئت دفتر سیاسی وقت این سازمان جلسه ای در سطح محدود برای مرعوب کردن ما تشکیل داد. در این جلسه من سخنگوی جمع، و تعدادی دیگر متهم شدیم که برای حزب کمونیست ایران کار میکنیم و حتی بعضی را اتهام امنیتی زدند. صدالبته از این جمع اکنون شاهدانی خوشبختانه خارج از کشورند، می توانند شهادت دهند که چگونه همه این گرد و خاک بر پا کردند نه تنها موی از ما راست نکرد بلکه ما را مصمم تر نمود و آنها را بیشتر در انظار حتی تشکیلاتشان رسوا و ناتوان نشان داد. یعنی زمانی که همه راهها اعم از فضای پلیسی و متعقبا مباحث سیاسی و نظری لااقل در دو الی سه سیمینار در خلال سالهای ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ که بین ما و هیئت هفت نفره دفتر سیاسی وقت این سازمان (اعم از عبدالله مهتدی، عمر ایلخانیزاده، ابوبکر مدرسی، فاروق بابامیری، رضا کعبی، محمد شافعی و عبه دلیر) در گرفت، و دیدند قادر نیستند به این سادگیها جمع را به عقب بنشانند اینبار زمینه های حذف ما چیده شد. یعنی علاوه بر حملات ایدئائی طی سالهای ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۳ اینبار به عنوان آخرین هشدار سناریوی هجوم نظامی شبانگاهی علیه مقرات و اردوگاه کومله را روز بعد از اتمام سیمینار سیاسی، به امر هیئت دفتر سیاسی و در راس همه مهتدی عملی نمودند. ما نصف شبی که در حال خواب بودیم آنان نیروی عملیاتی را بسوی اردوگاه کومله گسیل داده بودند. ولی سپیده دم که از طریق پاسبخشها با خبر شدم اولین کارم این بود که با طیف رفقای کمونیست هماهنگی نمودم باید اطلاعیه افشاگری را همین امروز صادر کنیم. ما به انترنت سکرترایت که تحت کنترل رهبری بود دسترسی نداشتیم، میبایست یا از این ناحیه اقدام کنیم که جزو محالات بود یا بریم در شهر سلیمانیه چنین اقدامی انجام دهیم و خود این مستلزم هزینه های سنگین توطئه گرانه سازمانی بود که از هجوم و حملات به مقرات حتی کومله ابایی نداشت. بلاخره رضا کعبی دفتر وقت این سازمان از موضوع باخبر شد که ما عزم جزم کرده ایم این تحرک تروریستی را محکوم کنیم. نزد ما آمد که خواهشا اینکار رو نکنید، چرا که اذعان نمود دفتر سیاسی ما به کومله و دستگاه

امنیت سلیمانیه با حضور شاهدان عینی امضاء داده مبنی بر اینکه کومله سازمان ما را به دادگاه نکشاند مشروط به اینکه اگر دگر باره لوله تفنگی حتی بسوی مقرات و اردوگاه کومله نشان برود کل بساطمان را در منطقه تحت نفوذ اتحادیه میهنی برچینند. ما به این توافق که در یک سمت کومله طرف اصلی مورد هجوم واقع شده و دستگاه امنیت سلیمانیه بود و سمت دیگر باند زحمتکشان رضایت دادیم که از دادن اطلاعاتی انصراف دهیم. اما روز بعد از این جریان من بالشخصه تسویه حساب کردم و به سازمان کردستان حزب کمونیست ایران-کومله ملحق شدم. دیری نگذشت یکی یکی و دوتا دوتا جمعی دیگری از رفقا تسویه حساب کردند یا به کومله ملحق شدند یا برنامه رفتن به اروپا را در پیش گرفتند. البته هر بار طی سال ۲۰۰۰ الی ۲۰۰۴ که چنین اقدامی از سوی این سازمان معلوم الحال انجام گرفت ما فردی یا در اشکال جمعی در همان سطحی که شاخه کردستان حزب کمونیست ایران به عملیات ایذائی واکنش نشان داد، بنا به موقعیتی که آنزمان بر کردستان عراق حاکم بود، ما نیز به اعتراض در مقابل این سازمان حتی در کنگره بی واکنش نبوده و اقدام نمودیم. نمی توان گفت فشارهای وارده از سوی ما به این سازمان تنها فاکتور و عامل حملات ایذائی این سازمان علیه کومله بود، اما به یقین یکی از عاملهای اساسی حمله ایذائی خصوصا اخیر سال ۲۰۰۴ به کومله ناشی از این بود، بشدت اتوریته سیاسی و معنوی این جریان انشعابی و در راس آن مهتدی از سوی ما زیر سوال رفته بود. شرح این وقایع سیاسی را نمیشود در یک اطلاعیه گنجانند و مشروح بحث نمود. (در لینکی که در پانویست آمده می توانید تقابلات آنزمان را که طی نوشته ای در دو بخش رصد شده را مورد مطالعه قرار دهید). اما حتی به اعتراف محمد شافعی که در آندوره کار مسئولیت تشکیلات مخفی سازمانش را عهده دار بود و علیه ما مانورهای گشتاپویی میداد، آنبخش از تشکیلاتشان نیز صفوفشان به موجب همین تقابل استراتژیکی و سیاسی بشدت متشتت و انسجماشان را از دست داده بودند. یعنی در تقابل با مباحثی که من به عنوان سخنگوی جمعی انسان کمونیست در سیمینار سیاسی در افشای ماهیت واقعی این سازمان طرح نمودم.

مباحثی مبنی بر دفاع از تاریخچه کومله و افشای تاریخچه دستساز مهتدی. افشای آماج ضد کمونیستی این سازمان که در چوب حراج زدن به کمونیسم دست امثال قاسملوها را از پشت بسته بود. افشا کردن استفاده جعلی از نام کومله و طرح مصادره کردن دستاورد هزاران انسان انقلابی که تاریخ مبارزاتیشان با کمونیسم عجین بود در جامعه کردستان، افشای نقش عمل های ارتجاعی مصوبه های کنگره یک این سازمان، اعم از اتخاذ سیاست بسیج نمودن عوامفریبانه و دامن زدن به توهم پراکنی نسبت به جناح اصلاحات و خاتمچی ها میان توده مردم ستمدیده بطور اخص در کردستان و به تبع آن در ایران. با نام کومله گروگانگیری کردن و نقشه ترور کشیدن مخالفان سیاسی و از این سنگر خاک پاشیدن به چشم کارگران و توده های زحمتکش، و چند محور دیگر که در این سیمینار سیاسی یا بهتر است گفت در این مناظره سیاسی بین ما و آقای مهتدی صورت گرفت.

میدانم این سازمان مخوف که ظرفیتهای هر باند شارلاتانیسم را دارا بوده بزدل تر از آنند فایل تصویری و صوتی این مناظره سیاسی را که در آرشیو دارند علنی کنند که چگونه پته اشان را آندوره علنا روی آب انداختیم. مقاله ی که در سال ۲۰۰۳ در نقد حلقه به گوش مهتدی ابوبکر مدرسی نگارش شد فایلش هنوز موجود است. سیمیناری که برای جمع ما انسانهای کمونیست تنها ابزار و آخرین ابزار جهت افشا و بعدا تسویه با این جریان به عنوان باندی که میخواستند با سوء استفاده از نام

کومله و پیشینه تاریخی کومله و هزاران انسان کمونیست و مبارز در این حزب برای خود پشتوانه و اعتباری دست و پا کنند. شاید این سوال پیش بیاید که چگونه اقدام به ترور و حذف فیزیکی شما طی اینمدت انجام نشد. در بیان واقع اتوریته سیاسی و معنوی ما کمونیستها در میان جمعی زیادی از کادر و اعضاء و خصوصا در بدنه از یکایک دفتر سیاسیها اگر بیشتر نبوده باشد کمتر نبود. اتوریته سیاسی و اعتبار معنوی بدست آوردن میان انسانهای بسیار رزمنده و شریف که هر چه داشتند برای مبارزه در طبق اخلاص گذاشته بودند تنها به توانایی ما بستگی نداشت بلکه ارزشمندتر از آن برایشان این بود ما چه استراتژی و سیاستی را عملا نمایندگی میکردیم. کما اینکه در جامعه هم چنین است. برای این انسانهای رزمنده حائز اهمیت بود چقدر این عنصر آگاهی انقلابی ما در راستای تحکم مبارزاتی است که تاریخی از سنتهای کمونیستی را پشت سر داشته. این انسانها که اکثرا از خانواده های زحمتش جامعه کردستان یا بخشا از خانواده های کارگری بودند و بدلیل معین سیاسی به منظور مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی به این سازمان که به اسم کومله فعالیت می کرد ملحق شده بودند، بخشا محک سنجششان از کومله و کمونیسم پراتیک ما بود. این عاملی بسیار باز دارنده بود جهت اینکه این سازمان به حذف فیزیکی ما نتوانند به همین سادگی دست ببرند. دوم سطح اختلافات کما اینکه فوقا اشاره نمودم به دلیل اینکه به تشکیلات مخفی این سازمان هم سرایت کرده بود خود مانعی بود بشدت آنها را از دست زدن به عمل توطئه گران علیه ما محتاط کند. و آخرین مورد اختلافات درون دستگاه رهبری بر سر مسائل جزئی برنامه و سیاسی و بیشتر تشکیلاتی هم نوعی تشتت در میان آنان دامن زده بود را میشد چون فاکتوری جانبی در ایجاد ترس و نگرانی از افشای همدیگر در فردای اوج گیری اختلاف بر شمرد. ضمنا بایستی نکته مهم دیگری را هم متذکر شوم در کمیته مرکزی و میان کادرهای این سازمان هم انسانهایی بودند که در همان سالهای اول انشعاب وقتی ماهیت این باند سناریو سیاهی را دیدند بسیار شرافتمندانه بعد از اعتراضات به سیاست این سازمان اعم از حملات ایذائی علیه کومله و گروگانگیری ها مکرر و نقشهای ترور استعفا دادند و به اروپا بر گشتند.

ناصر بابامیری ۲۰۱۹.۱۲.۰۲

در رابطه با افشاکری اخیر علیه سازمان زحمتکشان

پویا محمدی

اخیراً پرده از یک طرح تروریستی سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی در بیش از ده سال پیش علیه شماری از اعضای رهبری حزب حکمتیست برداشته شده است. چنین اعمالی می باید که از سوی افکار عمومی و سازمانهای سیاسی شدیداً مورد محکومیت و تقبیح قرار گیرد. هرگونه سکوت در این میان در جهت تقویت اعمال جنایتکارانه و ضد مردمی در جامعه است. افکار عمومی و جریان چپ و کمونیستی سکوت در چنین شرایطی را نخواهند پذیرفت. کارنامه احزاب و جریانات بورژوازی و ناسیونالیستی و قوم پرست، مملو از چنین رویکردهایی است. از اعلان جنگ علیه یکدیگر، علیه سازمانها و احزاب چپ و کمونیست و سرکوب اعتراضات مردم گرفته تا توسل به خشونت و بکارگیری سلاح علیه مخالفین در صفوف خود.

افشاگری اخیر علیه سازمان زحمتکشان، موجی از انزجار و تنفر را در سطوح مختلف جامعه کردستان و نیز به درجاتی شرمساری و اسف را در صفوف هر دو سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی و عمرایلخانیزاده دامن زده است. شماری از احزاب و سازمانهای چپ و کمونیست رسماً به اعلام موضع پرداخته و یک بار دیگر توسل به خشونت و ترور علیه مخالفین سیاسی را محکوم نموده اند. در این میان یکی از اعضای رهبری سازمان مزبور که نام و مسؤولیتش در افشاگری اخیر مطرح شده است طی نوشته ای به تبرئه شخص خود می پردازد بدون اینکه توان آنرا داشته باشد که به تکذیب مستدل چنین عملی از سوی سازمان مطبوعش بپردازد و این به سهم خود نشان می دهد که سازمان زحمتکشان چنین رویکرد و ظرفیتهای ضد دموکراتیکی را در بطن خود دارد.

براساس مستندات و شواهد تاریخی، بخشی از جنایات و یا اعمال تروریستی مخفی، با اقرار و اعترافات و یا بازگویی هایی این چنین پس از مدتهای مدید، به صورت افشاء درآمدی است. مهم در این میان این است که طرف مورد دعوا به جای هرگونه تثبیت، تا چه اندازه مسؤولیت پذیر بوده و می تواند خطا و اشتباهات و یا جرایم مرتکب شده خود را برعهده بگیرد، به ندامت و عذرخواهی بپردازد و یا... در همین رابطه و به عنوان مثال، بعد از انشعاب در سازمان زحمتکشان بود که وجود طرح پیشنهادی عبدالله مهتدی در جلسه هیأت رهبری وقت سازمان زحمتکشان مبنی بر حمله نظامی به قرارگاه کومه له و به خیال خامشان قتل و عام کمونیستها؛ از سوی منشعبین افشا شد.

کومه له به سهم خود همواره مورد تهدید مستقیم جنگ طلبی های سازمان زحمتکشان بوده است، این فقط هوشیاری و سیاست مسؤلانه کومه له بوده که مانع بروز فاجعه می شده است.

دست بردن به اسلحه در مقابل مخالفین سیاسی ممنوع است. سالهاست که کومه له- سازمان کردستان حزب کمونیست بر طبق یک سیاست اصولی و مسؤلانه همواره در پی ایجاد التزامات عملی به منظور حاکم شدن چنین فرهنگی در روابط و مناسبات میان احزاب بورژوایی و ناسیونالیستی کردستان بوده است.

نمی توان از یک سو ادعای اتحاد عمل و هماهنگی در صفوف اپوزیسیون را داشت اما در عین حال چنین طرح و دسیسه های فاجعه باری را نیز در دستور گذاشت. تجارب و واقعیت های تاریخی این را به خوبی نشان می دهد که هیچ درجه از دیپلماسی، مسامحه و تعامل و یا امضاهای روی کاغذ نمی تواند کاملاً مانع بروز جنگ و درگیریهای مسلحانه از سوی احزاب و جریانات بورژوایی و ناسیونالیستی در مقابله با مخالفین و سایر احزاب باشد. این فقط آگاهگری و هوشیاری و کشاندن هر چه بیشتر توده های مردم به صحنه های سیاسی و مبارزاتی و اداری و رهبری جامعه است که می تواند بر چنین سرکشی هایی لگام زند.

جنبش انقلابی در جامعه کردستان و جریان کمونیستی و آزادیخواهی نیازمند مواضع به موقع و پرقدرت کومه له است.

پویا محمدی

۹ دیماه ۱۳۹۷

در مورد اتهام ترور منتسب به اشخاصی از سازمان زحمتکشان.

(متد نادادورانه دادستان نیست.)

سلام قادری

۳۱ دسامبر ۲۰۱۸

موجی که ادعای شخصی به اسم شورش خراسانه به راه انداخت بیشتر شبیه به فغان بر جنازه ای یک مقتول فرضی بود، تا محکوم کردن و حقیقت جویی از یک دستور و فرمان مجرمانه و ضد انسانی.

اولا شخص مورد نظر این ادعا را با تاخیری دوازده ساله مطرح می کند، یعنی فرض بر درستی ادعا ایشان نه از سر جرم گریزی و صدق بلکه به دلیل سهم خواهی و از گود تشکیلاتی پرت شدن ادعایش را امروز و با این تاخیر مطرح می کند.

دوما ایشان هیچ سند و مدرکی جز یک ادعای خشک و خالی ارائه نمی کند که حتی با مراجعه به عادلترین دادگاه بشود حقیقت را با استناد به ان روشن کرد. کما اینکه همین هفته گذشته یکی از اعضای کومه له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کذبیاتی را در مورد زندانی کردن پیشمرگی در اردوگاه کومله مطرح کرد که با متد برخوردی که با ادعای خراسانه برخورد شد، اگر به ان هم برخورد همانگونه می بود، مینواست صدها انسان سیاسی را با ادعای کذب به جان هم بیندازد و کومله را به بدنامی بی اساس و مضحکی روبرو کند.

سوما شخص شورش خراسانه از اشخاص مشخصی نام می برد رضا کعبی و بهرام رضایی و ادعا می کند که فاروق بابا میری با شنیدن ماجرا متعجب شده و او را وادار به بازگویی دوباره ی جزئیات می کند.

اما انگونه که در این اشفته فغان، و وا رحمانا، برخورد شد اصل آنچه خراسانه مطرح می کند به اندازه ی خود مسیر ناحقی که حقیقت طلبان پیشه میکنند فاجعه نیست.

با توجه به اهمیت و و سابقه ی سازمان زحمتکشان، پیگیری قضیه، در یک دادگاه، یا از طریق یک کمیته حقیقت یاب بسیار عادلانه تر از قضاوت این چینی و تنها با استناد به ادعا ی متاخر و بدون سند و مدرک یک شخص است. مطمئنا نه جریان حکمتیست و نه شاخه های دیگر کمونیسم کارگری و نه اشخاص دیگری که با شتاب و وا مصیبتا کردند، چنین متدی را برای برخورد به ادعای اینچینی، چنین اشخاصی در مورد خود و جریان خودبر نمی تابند.

نهایتا فکر میکنم استراتژی و سیاست هر دو جناح سازمان زحمتکشان بسیار مسئله تر از ان است که به چنین مورد اثبات نشده ای برای محکومیت این سازمان و عملکرد و مشی سیاسی رهبریش نیازی باشد. جریانی که رهایی جامعه کردستان را مجزا از تحولی بنیادین در ایران و ان را در کریدورهای وزارت خارجه ی دولت امریکا دنبال میکند، که تمام تاریخش تاریخ خیانت به جنبشهای حق طلبانه و انقلابی گوشه کنار دنیاست، بر فرض که اصلا و در این مورد مشخص نخواست باشد که طرح ترور کسی را جرا کند، به عبارتی دیگر استراتژی و سیاست جنایت پذیرانه ی این جریان تراژدی و مشکل است، نه

اتهامی که هیچ معلوم نیست که کذب نباشد و حتی بر فرض کذب نبودن اشخاصی از رهبری این جریان را متهم می کند، نه کل جریان را.

بنده به شخصه مطلقاً با استراتژی و سیاست راست روانه ی جناحین هر دو سازمان زحمتکشان مسئله دارم و ان را بیگانه با تاریخ مبارزه ی کمونیستی و سرفرازانه ی کومله می دانم، اما ادعای خراسانه را اتهامی می بینم که بدون پیشداوری و غرض ورزی سیاسی باید پیگیری شود. برخورد و متد نادادورانه نمی تواند داد را بستاند، بلکه بنیان بیدادگاه دیگری را بنا می نهد.

سلام قادری

توطئه ترور مخالفین سیاسی محکوم است

صلاح مازوجی

افشا شدن نقشه و توطئه ترور تعدادی از کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری - حکمتیست از جانب دفتر سیاسی "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" در سال ۲۰۰۵ بار دیگر به همگان نشان داد که رهبری سازمان زحمتکشان چه پتانسیل و ظرفیت هایی را در درون خود برای ترور و حذف فیزیکی مخالفین سیاسی پرورانده است. در این تردیدی نیست که هر انسان آزاده نقشه رهبری سازمان زحمتکشان برای ترور مخالفین سیاسی را محکوم می کند.

سازمان زحمتکشان که با امید بستن به باز کردن باب دیالوگ با دوم خردادی ها و اصلاح طلبان حکومتی و با دل بستن به تکرار سناریویی که احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق را به قدرت رساند شکل گرفت و مذاکرات پنهانی با هیئت های اداره اطلاعات جمهوری اسلامی، روز شماری کردن برای حمله آمریکا به ایران و تکرار تجربه خونبار عراق در ایران، پرسه زدن در کریدورهای کنگره و سنای آمریکا در راستای متوهم کردن مردم به حمایت قدرت های امپریالیستی، نشست و برخاست و همکاری با سلطنت طلبان شوونیست و محسن سازگاراها و ... را در کارنامه داشت، در اوج درماندگی و استیصال سیاسی انجام عملیات های ایذائی و سپس حمله به اردوگاه کومه له و ترور مخالفین سیاسی را در سر پروراند. رهبری این جریان حتی به جریان انشعابی از صفوف خود در تابستان ۲۰۰۷ رحم نکرد و پروسه جدائی را با تهدید و نزاع و ضرب و شتم مخالفین همراه کرد. سازمان زحمتکشان با این کارنامه ای که دارد در صف راست ترین بخش اپوزیسیون بورژوازی ایران جا خوش کرده است. دو شاخه سازمان زحمتکشان به هیچ مقطعی از تاریخ کومه له و حزب کمونیست ایران ربطی ندارند و مردم کردستان با آگاهی از کارنامه و عملکرد این جریان ها اجازه ندادند که آنها محبوبیت و سابقه فعالیت کمونیستی کومه له را به دستمایه سیاسی فعالیت های راست روانه خود تبدیل کنند. کومه له و حزب کمونیست ایران همانطور که تاریخا نشان داده اند قاطعانه از آزادی های بی قید و شرط سیاسی دفاع کرده و توطئه ترور مخالفین سیاسی را به شدت محکوم می کنند. باید با کار آگاهگرانه و سازمانگرانه تلاش کرد که کارگران و زحمتکشان و مردم رنج دیده کردستان با حضور فعال در صحنه سیاسی جامعه، دست این جریان ها را از دخالتگری در تعیین سرنوشت خود کوتاه و کوتاهتر کنند.

حباب ترکیده در افشای طرح یک ترور.

ناصر زمانی

در طی این چند روز اخیر پرده از یک سناریوی سیاه و سخیف برداشته شد. در ادامه برنامه های زنده ایی در شبکه ی مجازی فیس بوک توسط فردی به نام بختیار بلوری تحت عنوان آسیب شناسی جنگ داخلی در کردستان، ما بین حزب دمکرات کردستان ایران و سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومه له، این سناریو توسط شخصی به نام شورش خراسانه از پیشمرگه های قدیمی سازمان زحمتکشان کردستان ایران در سال ۲۰۰۵ به رهبری مهتدی- ایلخانی زاده، افشا شد. در این سناریو و طبق گفته های شورش خراسانه، طی یک طرح از قبل آماده شده توسط دفتر سیاسی سازمان زحمتکشان، از طرف بهرام رضایی پیشنهاد عملی کردن این طرح به شورش خراسانه داده میشود. این ماموریت در واقع ترور رهبران حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست از جمله رفیق رحمان حسین زاده بوده است. آنچه باعث به عملی درآوردن این ماموریت تروریستی بوده در واقع افشا گریهای سیاسی آن دوران از کودتای خزنده ی انشعابیون از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومه له، به رهبری مهتدی- ایلخانی زاده بوده است. به علت مخالفت و سر باز زدن از عملی کردن این طرح شوم توسط شورش خراسانه و عصبانی شدن بهرام رضایی بابت امتناع از این عملیات تروریستی سخیف، شورش خراسانه به پیش ۲ تن دیگر از رهبری این سازمان احضار میشود این افراد به اقرار خود شورش آقایان رضا کعبی و صباح امینی (صبح ماموخ) با سرزنش کردن شورش در جهت امتناع کردن از این تصمیم دفتر سیاسی او را مورد سرزنش قرار میدهند. در نهایت فاروق بابامیری از رهبری همین سازمان متوجه این سناریو شده که به گفته ی خود شورش گویا ایشان از این عملیات از قبل طراحی شده بی خبر بوده است این در حالی است که طبق ادعای شورش، هم بهرام رضایی و هم رضا کعبی به این امر اقرار نموده اند که این تصمیم دفتر سیاسی سازمان زحمتکشان است. جدا از اینکه چرا بعد از این همه سال به مسئله حالا اقرار شده و چه هدفی احتمالن دنبال میکند اما از واقعیت برنامه ریز کردن یک عمل شنیع و تروریستی توسط کسانی در رهبری سازمان زحمتکشان نمی کاهد. این دقیقن زنگ خطری است که تقریبین ۲۰ سال پیش یه صدا درآمده و از همان روز اول انشعاب این طیف از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومه له، بارها و بارها پرده از چهره ی کریه همچون سناریوهای، توسط طیف زیادی از کمونیست ها برداشته شد.

جوابیه ای که از طرف هر دو بال زحمتکشان به این ادعا از طرف شورش خراسانه داده شده است حتا اعضای تشکیلات خودشان را راضی نمیکند و باید اذعان داشت که رضا کعبی با رفع اتهامی که در طی نوشته ای انتشار داده است تقریبین میتوان گفت فقط یک ذکر مصیبت است با یک بیوگرافی از خود و بس و ربطی به اصل این افشاگری ندارد. و به یک معنای دیگر غیر ضمنی طرح این ترور را فقط از خود مبرا دانسته و توپ را به زمین دیگرانی که نامی از آنها در این طرح برده شده است، انداخته است و دقیقن این سناریو سیاه را در طرح ریزی یک ترور، در سازمان زحمتکشان را منکر نشده است.

سازمان زحمتکشان با هر دو بالش ربطی به جنبش انقلابی کردستان ندارند. با گذشت نزدیک به بیست سال از جدایی، هنوز که هنوز است به عنوان یک نیرو که بخواهند با نام کومه له مبارزه کنند مشروعیت تشکیلاتی و سیاسی در میان مردم کردستان نه تنها ندارند بلکه در طرح سناریوهای سیاه، کارنامه ی پُر واضحی در تاریخ خود به ثبت رسانده اند. به باور من سازمان زحمتکشان مهتدی- ایلخانی زاده حتا به عنوان یک جریان ناسیونالیست در تعاریف عُرف سیاسی امروز هم قابل تعریف نیست و این تمام رهبری این جریان در بر میگیرد اما در بدنه ی این جریان کماکان انسان های شریفی وجود دارند که باید با کار آگاه گرانه ی ما کمونیست ها، بتوانیم این نیرو و پتانسیل صادق را نجات دهیم تا به عنوان ابزاری جهت عملی کردن سناریوهای سیاه و سخیف بکار گرفته نشوند.

بر همین مبنا وظیفه تمام انسان های کمونیست است که طرح ترور رهبران و کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست را قوین محکوم کنند و در افشای ماهیت جریانات بورژوا- ناسیونالیست و همچنین چهره کریه این نوع اقدامات سخیف تروریستی را به مردم آگاه و فهیم کردستان بی اما و اگر نشان دهند، در غیر این صورت در آینده ی کردستان موی دماغ هر جریان پیشرو و رادیکال در دل جامعه کردستان خواهند شد.

ناصر زمانی ۲۹/۱۲/۲۰۱۸

چند کلمه خطاب به رضا کعبی

این چند کلمه از سر توهم به ایشان و به طریق اولاً جریان مطبوعش نیست. ماهیت این جریان خیلی وقتها از بدو تشکیل و دزدیدن نام کومله، مواضع و رفتارشان تا کنون برای ما و خیلیها روشن است و امروز با بر ملا شدن تروریسم این جریان فکر نکنم بجز هوادارانش شک و شبهه ای از ماهیت ناسیونالیستی و ارتجاعیش برای کسی باقی گذاشته باشد. اما عکس العمل رضا کعبی به بر ملا شدن طرح ترور رفقای ما توسط باند زحمتکشان ظاهراً مثل دبیرخانه جریانش و بقیه دست اندرکاران این سناریو سیاه، گستاخانه و بی پرنسیپانه نیست، خود را از هرگونه دخالت در این توطئه ها مبرا دانسته و ادعا کرده همیشه خواهان فضای سالم و دیالوک و گفتگو با مخالفین سیاسی بوده و از برخورد عجولانه و حمله همسنگران قدیمی به ایشان تعجب کرده است. خیلی خوب. رضا تا جایی که من حضور ذهن دارم از بدو سر هم بندی و دست ساز این جریان، ایشان در رهبری آن بوده و هنگام طرح ترور رفقای ما عضو دفتر سیاسی بوده و فرض بر اینست که رضا از خیلی از این کثافتکاری ها از طرح ترور که یکی دو تا نیستند تا طرح حمله به مقرات کومله و نابودی و ترور رهبران آن مطلع، اگر نه مستقیم در آن دست داشته است. غیر از شورش و بقیه که شاهدان یکی پس از دیگری دارند رو می شوند، شاهد معتبر و در دسترس رفقا صالح سرداری و محمد راستی هستند که آن زمان طرح ترور آنها در سلیمانیه ریخته شد که خوشبختانه با هوشیاری و کمک اطرافیان این نقشه اجرا نشد. من از رضا کعبی انتظاری ندارم، ایشان از نظر من تا کنون مجرم سیاسی

است و فرض بر این است در این توطئه ها دست داشته است. ”گفته که این اتهامات تا جایی که به من بر می گردد روا نمیدانم.“ یعنی چه؟، بقیه چه؟. رضا کعبی یک راه دارد برای روشن شدن افکار عمومی از این خرابکاری ها و توطئه ها لازم است هر اطلاعاتی در این زمینه دارد بر ملا کند و خود را از این منجلاب نجات دهد. در غیر این صورت مجرم سیاسی و شریک جرم باند مهتدی و شرکایش است. ما بهر حال از این توطئه ها نمیگذریم و سازمان زحمتکشان را به عنوان باند خرابکار و عامل ترور کمونیستها و آزادیخواهان در انظار جامعه افشا و ترد خواهیم کرد. من همینجا به کسانی که به هر دلیلی با این جریان هستند، بهتر است صف خود را از آنان جدا کنند. این به نفع جنبش آزادیخواهی در کردستان است

سعید یگانه

۳.۱.۲۰۱۹

سیاست توطئه، نفرت و ترور “سازمان زحمتکشان” را باید ناکام کرد!

ناصر مرادی

عبداله مهتدی و شرکایش زمانیکه یقین پیدا کردند که با طرح توطئه، کودتا و گروکشی علیه کنگره قانونی کومه له پیشرفتی حاصل نخواهند کرد، با سرقت نام کومه له برای فروش و بده بستن یک سازمان قوم پرست و فالانژ بمنظور بکارگیری و استفاده در سناریو سازیهای قومی را شروع کرده و در این راه جانفشانیهای زیادی از خود نشان دادند. اما در این مسیر هم به سرازیری افتادند و با شروع جنگ و دعوای شدید درونی و خشونت و تهدید همدیگر نتیجه این ناکامی را به ثبت رساندند و نهایتاً باز با شکست مواجه شدند. در ادامه این شو مضحک عبدالله مهتدی و سازمان زحمتکشان با راه اندازی یک باند فالانژیست و با رواج تعصبات کور قوم پرستانه و اعلام آمادگی برای بکارگرفته شدن در طرحهای سناریو سیاه دولت آمریکا و قدرتهای ارتجاعی منطقه باز هم راه به جایی نبردند. تحرکات و سیاستهای مخرب این سازمان و رهبران با سد محکم سنت چپ و کمونیستی در جامعه کردستان روبرو شد. نتیجتاً مهتدی و سازمانش ناچار شدند که مستقیم و بی پرده با فعال کردن فالانژیسم در هیئت قوم پرستی و نفرت قومی باند های متعصب، نفرت از کمونیسم، چپ و آزادیخواهی و برابری طلبی را به فرهنگ در سازمان متبوعشان تبدیل کنند و به هر نوع سنت و فرهنگ چپ و کمونیستی در جامعه کردستان کوهی از لجن پرتاب کنند. جلسات مباحث و مشورتهایشان را به بهمرسانی جهالت کور و قومپرستی اختصاص دادند تا بلکه به زعم خود بتوانند جلوی رشد و پیشروی کارگر و کمونیست در جامعه را بگیرند. اما بمرور متوجه شدند، تلاش و زحماتشان در نفرت کور از کمونیسم و کمونیستها و منصور حکمت و خاک پاشیدن در چشم جامعه و انسانهایی که سره را از ناسره تشخیص میدهند کار ساده ایی نیست. لذا طرح مانور در اطراف اردوگاههای کومه له (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) و بکارگیری اسلحه و شلیک آرپی جی به مقرهای کومه له و ترور حکمتیستها را در دستور قرار دادند. افشاگری یک به یک افرادی که قبلاً عضو و کادر این جماعت بوده اند و در مقابل دستور فرماندهان و رهبران سیاسی این سازمان ایستاده و اوامرشان را اجرا نکرده اند، پرده از مخوف بودن و ماهیت سیاسی سازمان زحمتکشان و

رهبران بر میدارد. این طرح و برنامه ریزیها نشان میدهد که سران این سازمان و سیاستگزارانش بانیان پاشیدن تخم نفرت قومی در آینده جامعه و مهیا کردن میدان و فضای ارباب و خون پاشیدن به فردای جامعه کردستان و چپ و کمونیسم و آزادیخواه آن جامعه است. مردم کردستان و احزاب سیاسی لازم است با هوشیاری کامل، ضمن تقبیح و محکوم کردن طرح های تروریستی سازمان زحمتکشان، در مقابل چنین سازمانهای دست ساز احزاب عشیره ای کردستان عراق که با کمک های مالی سازمان سیا، پنتاگون و وزارت خارجه آمریکا و هیئت های حاکمه شیوخ مرتجع منطقه میتوانند، خطرناک باشند، بایستند. مردم شرافتمند و احزاب مسئول در مقابل جامعه باید خطر وجود گروه و سکت های قومی مسلح مشابه جبهه رهایی بخش کوسوو با نام کومه له را از سر خود و مردم کردستان ایران به صفر برسانند. در کردستان ایران قدرت و نفوذ کلام کمونیستها انکار ناپذیر است. در کردستان ایران بقول فاتح شیخ "کمونیستها توانستند جلو یکه تازی ناسیونالیسم کرد و احزابش را بگیرند". این نفوذ کلام و آگاهی را باید به قدرت بلامنازع و برگشت ناپذیر کمونیستها، کارگران و مردم آزادیخواه تبدیل کرد. باید چهره حقیر عبدالله مهددی را چه با نام امین صادقی و چه در کنار نوریزاده و پمپئو یا در معیت پاسدار سازگار جهت برنامه ریزی قدرت خیالی، افشا و طرد کرد تا جامعه از شر تعصبات کور، نفرت قومی و خشونت و ترور و ازهم پاشیدگی مدنیت آن مصون بماند.

انکار جرم، جرم محسوب می شود

سیوان کریمی

نکاتی در مورد افشای طرح ترور رهبری حزب حکمتیست

سرانجام پس از گذشت چندین روز، سه نفر از افراد نامبرده در افشاگری شورش خوراسانه با دادن بیانیه هایی موضع خود را در این باره اعلام کردند.

در هر دادگاه عادلانه و نا عادلانه ای، شاهد زنده، بهترین مدرک است. نمی دانم چرا عده ای کماکان دنبال مدرک می گردند. بدترین شکل برخورد به این قضا، سرزنش شورش برای این افشاگری و این تحلیل است که این امر "کمک به جمهوری اسلامی" است. برعکس، لاپوشانی چنین طرحهایی کمک به جمهوری اسلامی است. حداقل جمهوری اسلامی می داند که یک جریان سیاسی طرحهای آنها را به پیش می برد، بدون آنکه خود را درگیر آن کند. دوباره باید از این جماعت پرسید: "افشای این طرح ها به جمهوری اسلامی کمک می کند یا حذف فیزیکی این رهبران کمونیست؟"

برائت نامه رضا کعبی به وضوح نشان می دهد که چنین تصمیمی در سطح رهبری وقت سازمان زحمتکشان بوده است. (از متن: من این ادعا را در مورد خودم رد می کنم). این تنها جمله ای است که در این دو بند وجود دارد. بقیه فقط مقدمه و موخره است. موخره ای که تاریخا و اثباتا و سیر وقوع حوادث در ۱۵ سال جدایی پس از ۲۰۰۰ کاملاً رد می شود. تمام اعضای دفتر سیاسی سابق سازمان زحمتکشان موظف هستند در این مورد اظهار نظر صریح خود را انجام بدهند. طرح ترور

رفقا صالح سرداری و محمد راستی که قبلتر صورت گرفت، توسط اعضای سابق کمیته مرکزی این حزب تایید شد و با صراحت کاملا و شرافت سیاسی خود این قضیه را تایید کردند. رهبری وقت باید در قبال این مسائل پاسخگو باشد. دیگر زمان "آغا و رعیتی" نیست که هر کاری را دلشان بخواهد انجام دهند و به کسی پاسخگو نباشند.

وقتی شخصی حقیقی این ادعا را مطرح می کند، یک سند زنده است. در کجای تاریخ برای ترور از نامه و فایل صوتی و ... استفاده شده؟ به یک نفر دستور می دهند و آن شخص یا اجرا می کند یا نه. وقتی که این شخص زنده است، پس حرفهایش سند است. برخی از اعضای این احزاب فکر می کنند که فحش دادن و توهین یعنی نقد کوبنده و تیز. اطلاعیه شاخه مهتدی، و اشخاصی همچون هدایت قادری را نگاه کنید. اطلاعیه دو شخص دیگر درگیر در ماجرا (بهرام رضایی و صباح امینی) واقعا مضحک است. هیچ کدام از موارد یاد شده در این اطلاعیه نمی تواند دلیلی بر عدم وجود این طرح باشد. انکار نکردن حضور همزمان صباح امینی با رضا کعبی و بازخواست شورش، نشان می دهد اگر دارای پست تشکیلاتی هم نبوده باشند، از چنین طرحی و اجرای آن کاملا آگاه بوده اند.

به نیروهای اپوزیسیون ایران، رسانه ها و شخصیت های سیاسی

سکوت در مقابل سیاست ترور مخالفین، تأیید ضمنی آنست!

سیاوش دانشور

در این یادداشت تلاش شده است سوالاتی مقابل نیروهای مختلف اپوزیسیون ایران در قبال یک سیاست تروریستی و جنایتکارانه فارغ از روشهای مرسوم دیپلماتیک و تعارف سیاسی، گذاشته شود. در این هم کمترین تردیدی ندارم که بورژوازی ایران هر ادعائی داشته باشد، وقتی که ضرورتهای بنیادی سرمایه و منافع طبقه بورژوازی حکم کند، نمایندگان سیاسی اش هم آنطور عمل میکنند که در صد سال گذشته شاهد بوده ایم. با اینحال، نمیتوان از ادعاهائی که توسط این نیروها می شود، گذشت و اتفاقا در وضعیت کنونی سیاسی ایران و کیس ترور، بهترین زمان برای محک زدن این ادعاهاست. خطاب این یادداشت دو طیف متمایز چپ و راست است. بویژه اینروزها شاهد هستیم که نیروهای راست و برخی از چپ ها، در تلویزیونهای آمریکا خیلی تلاش میکنند "پرنسپهای مشترکی" برای "همزیستی سیاسی" جستجو کنند.

صورت مسئله

مسئله ای تکان دهنده و مهم یعنی تصمیم به ترور مخالفین سیاسی افشا شده است. جریانی بنام "سازمان زحمتکشان" که رهبری آنرا عبدالله مهتدی بعهده دارد، بنا به افشاگری کادرهای خودش، لاقلاً تاکنون در سه مورد، با تصمیم دفتر سیاسی اش، طرح ترور و نابودی فیزیکی و قتل عام کمونیست های مخالف خود را داشته است. حمله به اردوگاه حزب کمونیست ایران و قتل عام آنها، طرح ترور رحمان حسین زاده رئیس دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری- حکمتیست، طرح ترور صالح سرداری و محمد راستی از اعضای وقت کمیته مرکزی و دفتر سیاسی حزب، از جمله موارد تاکنونی این افشاگری

هاست. موارد دیگری هم وجود دارد از جمله تهاجم با چاقو به مخالفین شان در جلسه رسمی حزبی، تلاش برای نابود کردن آنها بطوری که سازمان "آسایش" که مسئول امنیتی در سلیمانیه است بعد از دو تا سه هفته حضور در اردوگاه آنها توانست توافقی ایجاد و مسئله را خاتمه دهد. اقدامات ریز و درشت از نشست و برخاست با عناصر جمهوری اسلامی و مذاکره با آنان و تقاضای علنی از آمریکا برای حمله نظامی به ایران را نیز در پرونده خود دارند. در این هم تردیدی نیست که همکاران دیروز و امروز این جریان از بسیاری موارد مطلع بودند اما منفعت و "ملاحظات سیاسی" شان حکم بر "ندیدن" آنها و سکوت داده است.

باید تاکید کرد که از نظر ما بعنوان کمونیست و انقلابی و مشخص تر بعنوان جنبش کمونیسم کارگری، جریان موسوم به "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" از بدو تشکیل اش یک جریان سیاسی نبود، اصولاً یک جریان سالم نبود، این نیرو بیشتر در چهارچوب دستجات دست ساز، متعلق به سناریوی سیاه، یک نیروی باند سیاهی و فالانژ بود که رکن اساسی آن ایجاد تعصب تند قومی و دامن زدن به نفرت ملی و اتکا به یک کاریزمای فردی تقلید شده از دوران عتیق بود. آقای مهتدی اگر لازم باشد "سوسیال دمکرات" است اگر ضروری شود توجمان و کارادبیج کردستان است و اگر منفعت ایجاد کند میتواند یک ناسیونال فاشیست باشد. صورت ظاهر ادعای سیاسی فرعی است، هدف و کارکرد چنین نیرو یا نیروهائی اساسی است. این جریان براساس یک کودتا و گردنه بگیری علیه کنگره قانونی و رسمی سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، کومله، شکل گرفت و هدفش ایجاد شعبه اتحادیه میهنی طالبانی در کردستان ایران بود. جریانی که با سرقت نام کومله، میخواست تاریخ پرافتخار و جانباختگان راه مبارزه کمونیستی کومله را مصادره کند تا با آن بتواند جریانی ناسیونالیستی فالانژ، که ظرفیت هر کاری از جمله پاکسازی قومی و ترور مخالفین سیاسی را دارد، بسازد. جریان ما و مشخصاً منصور حکمت در تحلیل چرایی شکلگیری این جریان و اهدافش، همه اقداماتی که بعدتر آنها به آن مبادرت کردند را یک به یک تحلیل و تبیین کرده بود. ارزیابی وی امروز صد در صد ثابت شده است. این چند جمله اشاره شد که گفته باشیم تا به ما مربوط میشود، ما سر سوزنی به این جریان توهم نداشتیم.

موضع سیاسی تان چیست؟

نیروهای اپوزیسیون راست ایران که در انواع کنفرانسها جمع میشوند، از نمایندگان رضا پهلوی تا عناصر سپاه پاسداران، جمهوریخواهان، سازمان اکثریت و بعدتر حزب چپ، عناصر جنبش ملی اسلامی و شخصیتهای متفرقه ناسیونالیست و گروههای سیاسی، که همراه با عبدالله مهتدی و فرقه های دست ساز دیگر "کنفرانس آلترناتیو" راه می اندازید!

ما توهمی به اهداف و سیاستهای شما نداریم، ترکیب سیاسی تان عمدتاً همچنس عبدالله مهتدی و جریان تروریستی باند زحمتکشان است. اما ادعای دمکراسی و حقوق بشرتان گوش فلک را کر کرده است. ما سوال و توقعی از عناصر جمهوری اسلامی که به اپوزیسیون قاجاق شدند، نداریم. سوال از نیروهای راست اپوزیسیون است که همکار جریانی تروریستی هستند. سوال از رادیو آمریکا و بی بی سی و امثالهم است که تلاش میکنند آقای مهتدی را بعنوان "رهبر کردها" و "رهبر کومله" به مردم بفروشید، موضع سیاسی روشن تان در قبال سیاست تروریستی این جریان و سازمانی که طرح ترور

مخالفین را در بالاترین ارگان رهبری اش میریزد چیست؟ آیا آنرا تأیید میکنید؟ آیا آنرا محکوم میکنید؟ اگر قصد سکوت و مماشات دارید، آیا نمیتوان بسادگی نتیجه گرفت که شماها اصولاً استفاده از ابزار ترور علیه مخالف سیاسی را در دستورتان دارید؟ اگر نه، بعد از افشای این واقعیات، هنوز با تروریستها در یک ائتلاف شرکت می کنید؟ در رسانه ها به آنها تریبون می دهید؟ اینها را شماها باید بسیار شفاف روشن کنید و گرنه در هر جلسه سیاسی و در هر فرصتی این سوالات و همراهی با تروریسم در مقابلتان قرار خواهد گرفت و بعنوان شرکای تروریسم علنی و آشکار معرفی خواهید شد.

آقای شهرام همایون، حزب مشروطه ایران و نیروهای متفرقه راست که هر روز در برنامه های تلویزیونی میخواهید این تصویر را از خودتان به مردم ایران بدهید که ”باید نیروهای اپوزیسیون همدیگر را تحمل کنند و در کنار هم کار کنند“ بسیار خوب، نمایندگان شماها در کنفرانس های مختلف با تروریست ها چکار می کنند؟ موضع تان در باره سیاست ترور مخالفین سیاسی چیست؟ چرا بیانیه ای در محکومیت اقدامات جنایتکارانه علیه مخالفین سیاسی منتشر نمی کنید؟ چرا به جامعه اعلام نمیکنید که مخالف ترور هستند و راساً تعهد خود را اعلام نمی کنید و تروریسم را محکوم نمی کنید؟

سکوت آقای ایلخانی زاده معنا دار است!

تا امروز دوم ژانویه من اظهار نظری از آقای عمر ایلخانی زاده ندیدم. بنظر ایشان برسر یک دو راهی سرنوشت ساز قرار گرفته است. اول، در تاریخ مورد بحث خود ایشان همراه با عبدالله مهتدی عضو رهبری و دفتر سیاسی سازمان زحمتکشان بودند و کسی ادعای ”بی اطلاعی“ را از ایشان قبول نمیکند. دوم، در جریان انشعاب ایشان و تبدیل زحمتکشان به دو شاخه، خود وی و دوستانشان از ”الطاف“ چاقوکشانه و تهدیدهای از این دست مُستفیض شدند. اسناد آن موجودند. سوم و مهمتر، ایشان با طرح حمله به اردوگاه کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و قتل عام آنها مخالفت کردند و اینرا شخصا بعد از جدائی شان کتبا اعلام کردند. کسانی که دنبال ”سند“ میگردند، سخنان ایشان یکی از اسناد است که زحمتکشان قصد داشته برای اینکه ”یک کومله“ وجود داشته باشد و فردا در شهرها این دعوا گسترده تر دنبال نشود، به اردوگاه کومله حمله نظامی شود و رهبری و کادرهای آن قتل عام شوند. چهارم، سکوت شان در مورد طرح های تروریستی سازمان زحمتکشان علیه کادرهای کمونیسم کارگری در همین دوره است که بنا به همنظری سیاسی شان با عبدالله مهتدی سوال برانگیز است. آیا با اینموارد موافق بودند؟ اگر نه چرا توضیح نمیدهند؟ پنجم، در میان بودن نام رضا کعبی نفر دوم زحمتکشان و همکار نزدیک ایشان ظاهراً مسئله را حادثر کرده است. بنظر میرسد اگر اسمی از رضا کعبی برده نمیشد، موضعگیری سیاسی و اظهار نظر را برای وی ساده تر میکرد. اما سکوت در اینمورد و ضدیت با کمونیسم کارگری در اینجا ابدأ کمکی به ایشان نمیکند. آقای ایلخانی زاده میتواند همان مخالفت اصولی و درست شان را با طرح حمله نظامی به دوستان تا دیروزش دستمایه خلاصی از این دو راهی سرنوشت ساز قرار دهد و با افشای تمام حقیقت و سیاستهای تروریستی این جریان، یکبار برای همیشه خود را از میراث شوم سازمان زحمتکشان خلاص کند. گره زدن سرنوشت سیاسی سازمان متبوع ایشان به سیاستهای مشترک دیروز، شاید بدرد دیپلماسی درونی و تقابل با کمونیست ها بخورد اما حتی در کوتاه مدت دردی از تناقضات خردکننده پیشاروی سازمان ایشان دوا نمیکند. به هر حال، صلاح مملکت خویش خسروان دانند!

نیروهای کمونیست و سوسیالیست و آزادیخواه!

در گذشته و ملاحظات سیاسی و منافع سازمانی و مرزبندی‌ها با کمونیسم کارگری اگر باعث شدند که به جریانی مانند زحمتکشان برخورد لازم نشود، و بعضا سیاست همکاری و دیالوگ با آن اتخاذ شود، امروز وضعیت تماما فرق کرده است. سیاست "نه سیخ بسوزد و نه کباب" در شرایطی که مبارزه سیاسی و طبقاتی قطبی میشود، بدترین سیاست بویژه برای کمونیست هاست. خوشبختانه تاکنون تعدادی از جریانات و سازمانهای سیاسی این اقدام تروریستی را محکوم کردند. جریانات دیگری برای موضعگیری نیازمند مدارک بیشتر هستند اما تردید ندارند که سیاست ترور مخالفین سیاسی اقدام و سیاستی تماما جنایتکارانه است.

آیا وقت آن نرسیده است که نیروهائی از جنس زحمتکشان را جریان سیاسی، حزب سیاسی، نیروی سیاسی ننماید و همانطور که واقعا هستند، نیروئی باند سیاهی نامید؟ آیا وقت آن نرسیده که نیروئی که حاضر است "سیاست کثیف" را مبنای کار و هویت خود قرار دهد، و تاکنون نمونه‌های "درخشانی" از آن را بدست داده است، طرد و منزوی کرد و جلوی ضرر آنرا پیشاپیش برای اردوی آزادیخواهی و کارگری گرفت؟ اگر اپوزیسیون ایران به میدان و جولانگاه نیروهای تروریستی بدل شود، اول نیروهائی که قلع و قمع میشوند، کمونیست‌ها و کارگران پیشرو هستند و بدنبال چهارچوب سیاست را جریانات آوانتوریست و تروریست و ضد جامعه تعیین خواهند کرد. هر کسی هر "مرزی" با ما و افراد و نیروهای تاکنون سیبل ترور باند زحمتکشان دارد، بجای خود، اینها و ملاحظات خرد و رقابت‌های فردی و حقیر نمی‌تواند یک ذره از خطر و اهمیت تقابل قاطع با این جریان برای آینده ایران کم کند. غیر مصون بودن جامعه در قبال این نوع فالانژیسم قومی و تروریسم کور، میتواند فجایعی ببار بیاورد که بعدتر تقابل با آن بسیار دیر باشد. امروز باید هر نیروئی مستقلا یا بطور جمعی مسئولیت سیاسی اش را بعهده بگیرد و نقش اش را ایفا کند.

رفقای کومله و حزب کمونیست ایران

مواضع شما در این ماجرا، دقیقا به این دلیل که سیاست تروریستی با نام "کومله" پیش میرود، به سهم خود تعیین کننده است. موضعگیری رفیق صلاح مازوجی و تعداد دیگری از رفقای حکا روشن و مربوط است. اطلاعیه کومله اما در را باز گذاشته است و بنظر میرسد راه حل این موضوع را دیپلماسی و مذاکره میدانند و پیشنهاد "کمیته حقیقت یاب"، با اینکه در مواردی میتوان از آن استفاده کرد، اما در این مورد معین و با توجه به اطلاعات و اسناد غیر قابل انکار خود این رفقا، بیشتر در خدمت ایجاد بالانس سیاسی و ساکت کردن مخالفین درونی است. اینجا قصد نقد اطلاعیه کومله را ندارم چرا که نفس موضعگیری و محکومیت را در قیاس با سکوت فعلا مهمتر میدانم. نکته من، و فکر کنم انتظار بسیاری دیگر که این واقعه را دنبال میکنند، اینست که آیا وقت آن نرسیده که هر نوع همکاری و دیالوگ سیاسی با زحمتکشانی‌ها را کنار گذاشت و آنرا در چهارچوب "جنبش انقلابی کردستان" توجیه نکرد؟ کومله ای که هدف قتل عام همین‌ها بوده است و شما بیشتر از بقیه با رفتارهای تحریک آمیز و تحرکات نظامی آنها علیه فعالین و اردوگاه کومله آشنائی دارید، هر زمان هر ملاحظه ای که

داشتید، امروز که این جریان رسماً در کمپ ترامپ و پنتاگون است و حاضر است ابتدا شماها را بعنوان کومله نابود کند تا خودش صاحب "کومله" شود، آیا نباید بسیار قاطع و روشن و بدون تفسیر هر نوع همکاری با این نیرو را کنار بگذارید، آنرا بعنوان جریان سیاسی برسمیت نشناسید، و اصولاً استفاده نامشروع از نام کومله را توسط این جریان با صدای بلند اعلام کنید؟ آیا بیتفاوتی به سازماندهی ترور و تخریب بنام کومله خود ضربه مهلک به کومله نیست؟ به نظر زمان تعیین تکلیف برسر نام کومله رسیده است و سیر تاریخ واقعی زحمتکشان حکم میکند که اجازه نداد هر سیاست ارتجاعی و ناروا به نام کومله کمونیست ثبت شود.

دوم ژانویه ۲۰۱۹

صمد. لندن. دسامبر ۲۰۱۸

اخیراً رضا کعبی طی نوشته‌ای تلاش نموده است تا خود را از توطئه کثیف قتل و ترور رهبران حزب کمونیست کارگری-حکمتیست جدا نماید. اقدام اخیر رضا کعبی ضمن آنکه تلویحاً طراحی و اقدام برای عملی نمودن آن عمل شنیع و جنایتکارانه را تایید میکند، آشکارا پتانسیل بسیار بالای رهبران جریان سازمان زحمتکشان در حذف فیزیکی مخالفین سیاسی خود را به نمایش میگذارد. البته چنین مسئله‌ای کاملاً در انطباق با سیاست و استراتژی این جریان در نزدیکی با هارترین جناحهای امپریالیستی در کاخ سفید و همچنین در میان اپوزیسیون بورژوازی ایران میباشد.

آنچه این گروه از کادرها و نیروهای کومله دیروز و سازمان زحمتکشان امروز را به این وضعیت سخیف و چندان آور گرفتار کرده است همانا پشت کردن آنان به آرمان زحمتکشان با امید به یافتن جای پای در ارکانهای قدرت به هر قیمت و بهایی بود. پروسه جدایی و شکل‌گیری و سپس "ادامه" فعالیت نظامی و سیاسی این گروه سرشار از افت و خیزهایی است که هیچ نشانه‌ای از یک نیروی سیاسی بالغ، با پرنسیپ و باورمند به بنیانهای فعالیت سالم و شفاف سیاسی و مبارزاتی ندارد. ضربه زدن به کمپ نیروهای چپ و کمونیست و حذف فیزیکی رهبران آنان تنها بخشی از اقدامات این گروه بوده است که کماکان با ادامه رویکرد و سیاستهای تاکنونی آنان و عدم اذعان صریح بدانچه انجام داده اند تداوم خواهد یافت.

اگر چه چنین نیرویی هیچ آینده جدی‌ای در صف آرائیهای آتی در کردستان نخواهد داشت، هدر دادن انرژی و دادن آدرس غلط به برخی نیروهای جوان که قصد مبارزه با نظام حاکم در ایران را دارند آن موردی است که بایستی مورد توجه قرار داد. حق فعالیت آزاد و بدون مزاحمت در یک محیط سالم سیاسی و اجتماعی حق همگان است. چنین حقی اما با آنچه رهبری جریان زحمتکشان انجام داده و کماکان در انکار آن پافشاری میکند در تناقض است. ایجاد، گسترش و تضمین چنین فضایی بایستی از اولویتهای سیاسی و تشکیلاتی همه نیروهای اپوزیسیون در کردستان باشد. جریاناتی مانند زحمتکشان مهتدی-ایلخانی زاده بایستی از طرف این اپوزیسیون تحت فشار قرار گرفته و تا روشن نمودن کامل ماجرای چنین طرحهایی از هرگونه همکاری و همراهی طرد شوند.

برخی نیروهایی که در بدنه جریان زحمتکشان با این امید واهی که به مبارزه با رژیم مشغولند و برای یک زندگی بهتر مبارزه میکنند ناگذیر خواهند شد در آینده تکلیف خود را با رهبری این جریان و سیاستهای ضد منافع مردم کارگر و زحمتکش آن روشن کنند. چگونه میتوان علیرغم هر اختلاف "سیاسی و تشکیلاتی" با دیگر نیروهای سیاسی اقدام به حذف فیزیکی کسانی نمود که تمام عمر خود را صرف مبارزه با رژیمهای حاکم بر ایران و در دفاع از منافع مردم کارگر و زحمتکش نموده اند؟ چگونه میتوان هم با اصلاح طلبان و نیروهای درون رژیم جمهوری اسلامی نشست و برخاست نمود و چانه زد و هم مدافع سرنگونی تمامیت رژیم؟ همراهی و همخوانی و دستمال انداختن در پیشگاه هارترین گرایشات موجود در کاخ سفید چه سنخیتی با منافع مردم زحمتکش کردستان دارد؟ چنین مواردی و صدها مورد مشابه دیگر آن سئوالاتی است که نیروهای جوان کردستان بایستی قبل از روی آوری به مبارزه سیاسی با جریانهای موجود در اپوزیسیون کرد بدانها پاسخ گفته و بدانها بطور ویژه توجه نمایند.

صمد. لندن. دسامبر ۲۰۱۸

چند نکته راجع به اطلاعیه کومله در مورد افشای توطئه تروریستی باند زحمتکشان

سمکو نوری

۱ ژانویه ۲۰۱۹

قبل از هرچیز نفس محکومیت توطئه تروریستی در این اطلاعیه ولو با اکراه که اینجا اشاره شده خوب و قابل دفاع است، راستش تنها همین. البته همین هم در این شرایط کافی میباشد، اما خروجی این اطلاعیه به جایی وصل است که ماحصلی جز اعلام همسویی با همین باندها ندارد در نتیجه صرفا یک امید واهی است. اینکه اطلاعیه جناح ناسیونالیست درون کومله تحت فشار افکار عمومی صادر شد، ارزیابی درستی است اما بدیهی است که اطلاعیه مذکور بخش زیادی از آن ضربه و فشار ناشی از بدنه این موجودیت سیاسی را در کوتاه مدت به "خوبی" گرفته، و از طرفی دیگر برای باند مهتدی و شرکاء سیگنالی جهت درک حال و روز امروزشان فرستاده اند و با توجه به عکس العمل فالانژیسم سازمان یافته باند مهتدی و همپیمانانش در جناح ناسیونالیست کومله، کسی که "باید" این چراغ سبز را ببیند، دیده است، میزان حمله به نوشته صلاح مازوجی را با اطلاعیه همپیمانان مهتدی در کومله، لطفا مقایسه شود.

اگر بشود گفت دستاورد، اما دستاوردهای فشار افکار عمومی بر شرکاء مهتدی در کومله و حزب کمونیست ایران عبارت است از، ۱: اعتراف و تاکید بر تلاش برای تدارک لشکر کشی نظامی به اردوگاه کومله، ۲: گرچه با زبان دیپلماتیک و دوپهلوی اما به دلیل روشن بودن موضوع اطلاعیه در انظار عمومی، این اطلاعیه به حساب محکومیت عمل تروریستی باند مهتدی، برغم میل جناح ناسیونالیست کومله در اذهان متبادر و ثبت میشود، گرچه همانطور در اطلاعیه با کلمه "آزپیش" به این مسئله

میپردازد و این عنصر را نیز حمل میکند که به جریانی غیر از باند مهتدی این را میگوید. امید بستن به این عکس العمل شرکاء مهتدی که در کومله لانه کرده اند، بی پایه و اساس است، چون بورژوازی بی پرنسیب تر از این حرفهاست و سر پیچ بعدی با یک چرخش قلم زیر هر چیزی میزنند.

نگاهی گذرا به اطلاعیه

پس از چند روز سکوت در ارتباط با افشاگری "شورش خراسانه" در خصوص توطئه تروریستی به قصد ترور تعدادی از رهبران حزب کمونیست کارگری - حکمتیست، کومله اطلاعیه ای منتشر کرد. احيانا تعلل جناح مسلط در کومله در خصوص این اطلاعیه به جهت حسابگرهای مربوط به موازین دیپلماسی بوده باشد، لذا از آنجهت که تکلیف سیاسی این جناح روشن است، به این خاطر انتظار تعجیل در دادن اطلاعیه فاقد اهمیت است و هیچ معادله ای را برهم نمیزد. اطلاعیه کومله به شیوه تلگرافی و دریافت پیام از طریق علایم مورش، از سر رفع تکلیف و البته تحت فشار فضای عمومی به مسائلی اشاره میکند و همزمان در لابلای کلمات مسائلی با ضریب هوشی پایین تزییق شده که دست آخر مگر صرفا از نگاه "منتظران" چنین اطلاعیه ای وگرنه از نگاه عموم جامعه و صف آزادیخواه و برابری طلب بی تخفیف در مقابل بورژوازی رنگارنگ چیزی دستگیر کسی نمیشود. در نگاه نخست، این اطلاعیه چند خطی از طرف خط مسلط درون کومله، تنها بی اهمیتی موضوع مطرح شده برغم ادعای آنها بر اهمیت موضوع را به روشنی به نمایش میگذارد. اما محتوای اطلاعیه هم چیز تازه ای نبوده و همان سیاست کومله در خصوص احزاب و اپوزسیون در کردستان است که معرف همگان میباشد. اطلاعیه کومله همزمان که بر اهمیت این مسئله، توطئه های تروریستی انگشت میگذارد اما خود در چند خط این مسئله مهم را ختم به "دیالوگ و گفتگو و تقویت روحیه نقد و روشنگری" میکند.

"معلوم" نیست چرا توطئه یک باند مزاحم مانند زحمتکشان، که طبق اذعان همین اطلاعیه در صدد لشکرکشی نظامی به کومله نیز بوده اند، با دیالوگ و گفتگو درمان میشود. باید به این جناح مسلط در کومله گفت موضوع دیالوگ و دیپلماسی نیست موضوع، توطئه تروریستی یک باند فالانژ علیه کمونیستهاست، لطفا در این خصوص نظر بدهید. آیا خط مسلط ناسیونالیستی در کومله با وجود روابط حسنه با این باندها و احيانا تامین تعهد فی مابین برای خودشان، از تکرار این توطئه ها علیه بقیه مطمئن هستند، که در این اطلاعیه اینگونه اعلام کرده اند که: "ما همواره اعلام کرده ایم که برای اجتناب از رویارویی های مسلحانه، لازم و ضروری است که همه نیروهای سیاسی موجود در کردستان به روشنی و بطور اکید به سیاست عدم استفاده از اسلحه در پیشبرد اختلافات سیاسی متعهد شوند و پایبندی بدون چون و چرای خود به این امر را به جامعه کردستان اعلام نمایند." بخشی از اطلاعیه کومله. اگر امضای تعهدنامه و اعلام علنی و با صدای بلند، پایبندی که منظور نظر اطلاعیه کومله است، که از کانال دیالوگ با این باندها هم تامین میشود، صرفا برای خودیها نباشد که خیالشان راحت باشد، در این صورت جناح ناسیونالیست کومله را به قرائت اطلاعیه باند مهتدی در این خصوص جلب میکنم تا هم نتیجه روابط حسنه و رعایت موازین همجواری خودیها با همدیگر و هم در قبال "غیر خودیها"، کمونیستها و همچنین پایبندی این باند خلافکار و بزدل مهتدی را نظاره کنند.

از سویی دیگر جناح ناسیونالیست درون کومله که تاریخاً روابط حسنه ای از زمان جنینی این باند توطئه گر تاکنون باهمدیگر داشته اند، چرا مورد سوء قصد نظامی همین باند قرار گرفتند و چرا این روابط دیپلوماتیک چندین دهه، رهبری این باند را ملزم به رعایت لاقبل حس هم سرنوشتی با خود آنها نکرده است؟! ایا اطلاعیه نویس کومله حمله خونین داخلی میان باندهای مهتدی- ایلخانی زاده که منجر به زد و خورد شدید میان آنها در آستانه جدایی شد، که تا مدتی نیروهای نظامی اتحادیه میهنی مقراتشان را برای برقراری "نظم عمومی"، بخوانید تقسیم قدرت، قرق کرده بودند، را بعنوان پیشینه این باند نادیده میگیرند و باز تاکید میکند که درمان این "دردها" دیالوگ و گفتگو و پایبندی و تعهد از راه دیپلوماسی است؟؟ این که تئوری جناب مهتدی است که در تلویزیون آیت الله بی بی سی اعلام کرد. خوب به نظر هر عقل سلیمی، پایبندی این باندها باید به محک چند دهه دیپلوماسی میان شما و آنها زده شود و بس. این اطلاعیه، اطلاعیه نیست، رفع تکلیف و از سر باز کردن این "غائله دردسر ساز" برای روابط حسنه دیگر است، در نتیجه وقت خواننده این تکستها را با این سوراخهای اطلاعیه شرکاء مهتدی درون کومله را نمیگیرم.

نکته آخر اینکه در این اطلاعیه آمده است: "جنبش انقلابی کردستان نباید جای عرض اندام تروریستها و اقدامات تروریستی باشد". آیا با وجود ه مسرنوشتی سیاسی با این باندها که هر روز یک توطئه تروریستی آنها در فضای مجازی برملا میشود، "جنبش انقلابی کردستان" تنها جایی برای تروریستها نیست؟ اگر این تروریستها، ناسیونالیستها باشند چی؟. اگر شما آنقدر در مقابل تروریستها قاطع هستید چرا از در بیرونشان میکنید و از پنجره واردشان میکنید، بهتر نیست به جای خوش و بش و بند و بست پنهانی، بدون لکنت زبان، آنها را به جامعه معرفی کنید تا حال روزی که دارند بدتر از امروز شود؟ اگر در گفتن اینکه "جنبش انقلابی کردستان" نباید جای عرض اندام تروریستها باشد جدی هستید و مسئله توطئه تروریستی اخیر برای شما محرز نیست و "از پیش" آن را محکوم میکنید، تدارک برای حمله نظامی به اردوگاه کومله، تیراندازی و دسیسه های دیگر که محرز است و شاهدان آن زنده هستند و نمرده اند، چرا نتنها به عرض اندام آنها کمک میکنید بلکه سخنگوی آنها هستید؟ مگر نگفتیم اینها همان وظیفه ای را به عهده خواهند گرفت که "جبهه النصره و حشد الشعبی" به عهده گرفته اند، چرا جامعه را از وجود چنین جانوران سیاسی که از آنها بعنوان "حزب و سازمان سیاسی و اپوزسیون" اسم میبرید، آگاه نمیکنید تا دستشان از سر جامعه کردستان کوتاه شود؟

۲۰۱۹/۱/۱

چند کلمه در رابطه با اطلاعیه رضا کعبی

سوران

۳۰ دسامبر ۲۰۱۸

تمام اطلاعیه رضا کعبی در این جمله خلاصه شده است: من این اتهامات را در باره خودم قویا رد میکنم

این جمله بالا ... یعنی اتهامات را در مورد افراد دیگر و تشکیلات مربوطه رد نمیکنند ... در حالیکه رضا کعبی از رهبران این جریان بوده و به کل اطلاعات آن سازمان دسترسی داشته است و قطعاً میتواند از جانب تشکیلاتش کل این اتهامات را رد کند ...

ولی فقط بسنده کردن به رد شخصی این اتهامات در مورد خودش ... شک و گمانها را زیاد میکند که رضا نمیخواهد مسئولیت کردار دیگران را به عهده بگیرد و در این اطلاعیه مسائلی را مسکوت باقی میگذارد.

سوال اینجاست: چرا رضا کعبی اتهامات را در مورد سازمانش رد نمیکند؟؟

نه به تروریسم

نه به سازمانهای تروریستی و باند مهتدی و ایلخانی زاده

زمانی که به این دار دسته های عبدالله مهتدی و عمر ایلخانی زاده که با زور و قلدری و با پشتیبانی اتحادیه میهنی و با جمع آوری طیف لمپن و غیر سیاسی درون حزب کمونیست ایران بیش از ۵۰ درصد اموال و داراییهای کومه‌له و حزب کمونیست ایران را مصادره کردند ... گفته میشد لات و لمپن و چاقو کش و باند سیاهی ... خیلی از این سازمانهای سیاسی به جای افشاگری علیه این گردنه بگیرها ... کمونیستهای کارگری را سرزنش میکردند که شیوه برخوردتان به جناب مهتدی و ایلخانی زاده درست نیست ... این در حالی بود که این دارو دسته های مسلح روی اردوگاه حزب کمونیست ایران و کومه‌له عملیات ایدایی میکردند ... برای نابودی کامل این حزب نقشه میریختند ... اعضای این حزب را در سلیمانیه گیر آورده و کتک کاری میکردند ... بر علیه کمونیزم کارگری در سلیمانیه برای آسایش اتحادیه میهنی جاسوسی میکردند و اخیرا هم معلوم شده است که میخواسته اند چند نفر از اعضای حزب حکمتیست را ترور کنند .

دیگر مجاز نیست که احزاب و سازمانها و شخصیتهای اپوزسیون در مقابل این دارو دسته های مسلح و باند سیاهی سکوت کنند ... دیگر مجاز نیست به اسم کرد و کردستان و مسئله ملی دست اینها را گرفت و با کاک عبدالله عبدالله کردن برایشان آبرو خرید ... دیگر مجاز نیست اینها را بلوک سیاسی خطاب کرد ... سکوت در مقابل این دارو دسته ها و افشا نکردن آنها و تلاش نکردن برای منزوی کردنشان ... بزرگترین خیانت به مردم کردستان خواهد بود.

در مورد طرح ترور سه تن از رهبران حزب کمونیست کارگری – حکمتیست

عبدل گلپریان

وارد چند و چون ماجرا و پروسه آن نمیشوم چرا که به اندازه کافی در این مورد حرف زده شده، نیروها و احزاب سیاسی چپ و کمونیست قاطعانه آنرا محکوم کرده و نوشته های مختلفی هم بر سر آن انتشار یافته است. سر راست وارد واکنش رضا کعبی در برخورد به این مسئله و در یادداشتی که انتشار داده است میشوم.

یادداشت براءت رضا کعبی را بدقت خواندم. چند نکته در این نامه قابل تامل است.

رضا کعبی در این یادداشت که در صفحه فیسبوک خود منتشر کرده است، ده بار از خودش با بکار گیری ”من“، در این یادداشت براءت نامه استفاده کرده است بدون اینکه یکبار به این اشاره کند و بگوید ”آنها“ یعنی آن دو نفر دیگر که شورش خراسانه از آنان نیز اسم برده است دفاع کند. علاوه بر این از آنجا که شورش خراسانه سه نفر را نام میبرد که در چهارچوب اتخاذ تصمیم یک جمع در پلنوم مرکزیشان چنین طرحی را روی میز گذاشته اند، باز هم رضا کعبی از صحت یا ناروا بودن این طرح توسط سازمانش در این نشست حرفی بمیان نمی آورد. تمام براءت جویی رضا کعبی از خودش بعنوان یک فرد است که معتقد است در آن دست نداشته است. جملاتی برگرفته از یادداشت رضا کعبی در دفاع از خود که ده بار نوشته است ”من“ که هر ده مورد را داخل گیومه گذاشته ام دقت کنید.

زندگی سیاسی ”من“ با آنها معنی پیدا نموده است.....

در روزهای گذشته اتهاماتی به ”من“ وارد شده است

تا جایی که به ”من“ برمیگردد.....

”من“ در بیان اختلافات سیاسی.....

”من“ بر اتحاد و رفاقت و نزدیکی

همه پیشمرگانی که با ”من“ همسنگر بوده میدانند.....

”من“ نه تنها در هیجانی ترین مباحث سیاسی.....

”من“ این اتهامات را در باره خودم قویا رد میکنم.....

”من“ معتقدم مردم کردستان.....

”من“ در مبارزه سیاسی، خودم را به حفظ چنین.....

فرض را بر صحت آنچه که او نوشته است میگذارم و اصلا فرض را بر این نمیگیرم که شورش خراسانه اسامی فقط (بهرام رضایی و صباح امینی) را برده باشد، آیا رضا کعبی در دستور قرار دادن این طرح در پلنوم سازمان مهتدی را تایید یا تکذیب میکند؟

چرا در یادداشت رضا کعبی سر سوزنی در رد این طرح توسط طراحان و انتخاب دستوردهندگان دیگر دفاعیاتی وجود ندارد؟!

اعاده حیثیت رضا کعبی از خودش زمانی میتواند موضوعیت داشته باشد که واقعیت مسئله را آنگونه که شورش بیان کرده است برملا سازد و دستکم برای افکار عمومی روشن سازد که چنین طرحی توسط مهتدی و شرکایش در آن جلسه مطرح شده است اما او یعنی (رضا) نه دخالتی داشته و نه با آن همسو بوده است. امیدوارم رضا کعبی صادقانه و شرافتمندانه این حقایق را برای دیگران روشن کند و اگر به آنچه که در نامه اش نوشته و باور دارد، خود را از آن منجلا بپوشد.

جنبه حقوقی

کسانی میگویند که شورش باید سند و مدرک رو کند. آنانی که دنبال سند و مدرک هستند، چه بخواهند و چه نخواهند دارند به چشم دیگران خاک می پاشند و ذره ای امور حقوقی و قضایی را نمیشناسند. در امر حقوق و کار قضایی در تمام دنیا هیچ مدرک و سندی نمیتواند جای شاهد زنده را پر کند. آیا مدرکی محکم تر از وجود شاهد یا شاهدانی زنده را با اسم و رسم خود میتوان نشان داد.

جنبه سیاسی

با و بدون دخالت و ایفای نقش رضا کعبی در اجرای این پروژه بغایت کثیف، کوتاه این را اشاره کنم که رجوع مهتدی و تیمش برای دست بردن به چنین روش زشت و سخیفی، قبل از هر چیز نشاندهنده ورشکستگی جریانات قوم پرست است. دست بردن به حذف فیزیکی مخالفین و یا هر انسان دیگری ابدًا در دایره هیچ گونه اختلاف سیاسی، صندلی و پست و مقام و غیره هم نمیگنجد بلکه اسم این روش یعنی جنایت تمام عیار از سوی باندها و شبکه های مزدور.

این گونه تلاشها را مهتدی و دارودسته اش در بارگاه طالبانی و بارزانی که زمانی در آغوش جمهوری اسلامی به آنان دیکته شده بود آموزش دیده اند تا در مقطع ورشکستگی سیاسی شان از گزینه ترور گرفته تا اجرای عملیات ایزانی بر مقرات کومه له، آنرا اتخاذ کنند.

در خاتمه خطاب به آنانی که به امید بقول خودشان ”برای مبارزه علیه جمهوری اسلامی“ در صفوف این جریان باند سیاهی حضور دارند میگویم که اکنون دیگر با آشکار شدن ماهیت یک شبکه تروریستی نباید شبه ای وجود داشته باشد و صف خود را از این جماعت جدا کنید.

دوم خطابیم به رسانه های موجود در کردستان عراق است که تحت هیچ عنوانی نباید به شبکه ها و باندهای تروریست تریبون داد. وظیفه رسانه های واقعی که امر خود را خدمت به اهداف انسانی میدانند این است که این جریانات کانگستر و باند سیاهی را باید هر چه بیشتر افشا و رسوا کرد.

عبدل گلپریان

۱۴ دی ۹۷

درباره اطلاعیه دبیرخانه کمیته مرکزی کومله

اشکان دژبند

بعد از سکوت چند روزه، یه اطلاعیه رسمی از دبیرخانه کمیته مرکزی کومله برای محکومیت نقشه سازمان زحمتکشان در رابطه با ترور کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، صادر شد که اقدامی درست بود و مایه رضایت اعضا، و دوستداران و هواداران حزب کمونیست ایران و کومه له شد. اما شخص ملاحظاتی به مضمون این اطلاعیه دارم. تو این اطلاعیه میخوانیم □ به دلیل اهمیت موضوع، ضروری است یک کمیته حقیقت یاب این مسئله را پیگیری و واقعیت آنچه را قرار بوده است اتفاق بیفتد، مستند کند و به اطلاع افکار عمومی برساند."

سوال اینه چرا کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران خودش رو مؤظف میدونه به اعضای دفتر سیاسی اون موقع سازمان زحمتکشان که امروز این سازمان به دو تشکیلات تبدیل شده، دفتر سیاسیشونم دیگه اون ترکیب سابق نیست، توصیه کنه که کمیته ای حقیقت یاب تشکیل بشه و موضوع نقشه ترور مخالفین سیاسی را پیگیری کنه و واقعیت رو به اطلاع افکار عمومی برسونه؟! □

اگه بنا به ماهیت و سابقه سیاه سازمان زحمتکشان در مورد برخوردهای ضد انسانی رهبران وقت این جریان به حزب کمونیست ایران و کومله و حتا صفوف خودشون توهمی ندارین و میدونین اونا چه خصائلی دارن و چه پتانسیل بالایی برای زیر پا نهادن ابتدایی ترین حقوق انسانها دارن، لزومیم نداره توصیه کنید تا برای روشن شدن موضوع بخواید تا یک کمیته حقیقت یاب درست کنن. این در حالیه که در سطور بعدی همین پاراگراف توطئه برای حذف مخالفین سیاسی رو محکوم می کنید. تو این اطلاعیه تناقض آشکاری میون عمل محکوم کردن با قبول یا باور به واقعیت طرح ترور با برجستگی خودنمایی میکنه و اطلاعیه با فاکتور گرفتن از عملکرد این جریان در گذشته به نحوی میخواد روابط دیپلماتیک کومله با هر دو شاخه زحمتکشان به ویژه تشکیلات ایلخانی زاده - کعبی دچار خدشه ایی نشه.

اطلاعیه میگه □ جنبش انقلابی کردستان نباید جای عرض اندام تروریستها و اقدامات تروریستی باشد."

شاید تو به نگاه این جمله ایرادی نداشته باشی ولی آگه کمی روی اون مکث کنیم میبینیم که به سازمان زحمتکشان امتیاز دادن. به عبارت دیگه در این اطلاعیه این جریان و احتمالان جریانات دیگه رو نیرویی در جنبش انقلابی کردستان فرض گرفتن که به نظر من کاملن اشتباهه و این نوع شناسنامه سازی برای سازمانها و احزاب بورژوازی به زیان همین جنبش انقلابی کردستانه که اساسن معمارش گرایش سوسیالیستی جامعه ست.

در ثانی، با اونکه نقشه ترور کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست در کردستان عراق طراحی شده و در مورد سازمان زحمتکشان افشاگری کردن اما شایسته بود توی این اطلاعیه که به زبان فارسی توی شبکه های اجتماعی بطور وسیعی منتشر شده، تروریسم و اقدامات تروریستی رو توی سراسر کشور محکوم میگردن.

۴.۱.۲۰۱۹

تکاپوی ناسیونالیست ها برای بستن دهان ها بیفایده است!

باید بساط تبهکاران برچیده شود!

افشاگری ها علیه دو باند تبهکار، با نامی مصادره شده، همچنان ادامه دارند. افشاگران در حال افزایش اند و هر یک با نمونه تازه تری از کتافتکاری های دیروز و پریروز این باندها، به میدان می آید!

جوانان رسته از قفس، جسارت یافته اند تا آسرار و نگفته های بازهم بیشتری از این باندها را فاش کنند.

اینجا جسارت شان را از خودآگاهی خویش و بیداری وجدان خود و از حمایت و پشتیبانی های انسانهای جانبدار کشف توطئه های کثیف و مخالفان ترور و جنایت، گرفته اند. باید بیشتر حمایت شوند!

از آنسو، نوچه های سران این باندها و ناسیونالیست های رنگارنگ صف کشیده اند تا به این جوانان و حامیان شان بتازند و آنها را از میدان افشاگری بدر کنند و متهمان را از زیر آوار اتهامات سنگین شان بیرون کشند و از مهلکه برهانند!

مردم منصف و بی غرض، امیدوار بودند متهمانی که بحرف خواهند آمد بتوانند براءت خود را اثبات کنند، اما متأسفانه جز مشتی کلی گویی با ترجیع بند "من نبودم من نبودم" نتوانسته اند نفس توطئه را رد نمایند و صرفاً کوشیده اند تا بلکه با حاشیه پردازیهایی، گریبان خود را خلاص کنند.

اینانی که بحرف آمده اند اگر روی تشخیص و قضاوت افکارعمومی حساب می کردند و واقعاً ریگی در کفش نداشتند، می توانستند بجای پیچ و تاب دادنهای موضوع و طفره رفتن های بیفایده، از بود و نبود نفس توطئه و ظرف اصلی تصمیم گیریها و آمران اصلی توطئه ها می گفتند و بدینگونه بار اتهام خود را هم سبکتر کنند.

بهر رو، هرچه باشد دیوار ترس و توهم اعضای سابق این "احزاب" فرو ریخته است و هر روز شاهدهی به شواهد کردارهای تروریستی این باندها اضافه می شود و دیر یا زود نگفته های بیشتری گفته خواهند شد و پشت پرده ها هم، بتمامی بیرون خواهند زد.

باید چنان فشاری به "احزاب" متهم به توطئه گری، وارد آورد؛ که مجبور شوند در گاو صندوق های "حزب" شان را بگشایند و همه اسناد و اوراق سری را روی میز بگذارند.

باید کاری کرد که بساط و دفتر و دستک تبهکارانی که کار و پیشه ای جز بند و بست و سوداگری رذیلانه ندارند، برچیده شوند.

مطمئناً با وجود اوضاع و احوال پیش آمده، جوانانِ اغفال شده بیشتری (که اساساً از خیل کارگران و زحمتکشان اند و از جهنم جمهوری اسلامی گریخته اند)، برسر دوراهی ماندن و رفتن اند و لابد آنقدر تشخیص دارند که دریابند در چه منجلابی گرفتار آمده اند و چکار باید بکنند.

باید کاری کرد که این فریب خوردگانِ قربانی، از چنین قفس هایی رهایی یابند.

باید کاری کرد که قربانیان، راه انسانی خود را بیابند و زندگی شرافتمندانه شان را از سر گیرند.

و باید کاری کرد که از این پس هیچ جوان دیگری طعمه این تبهکاران نشود و جوانی و غرور و حیثیتش برباد نرود و خونش وثیقه معامله و بده و بستانهای سران این باندها با این دولت و آن دولت نشود و ریخته نگردد و پدر و مادر و بستگانشان داغ مرگ شان را نبینند.

این، رسالت انسان های آگاه و دلسوز است که:

به داد این جوانان برسند، ماهیت باندهای تبهکار را برای شان روشن کنند، تهدید فردا روز میدانند این باندها را علیه مردم تصویر نمایند و آنها را از مرگی که برایشان پیش خرید کرده اند برحذر دارند!

عطا خلقی ۱ ژانویه ۲۰۱۹

جمال بزرگپور

کار آگاهگرانه برای یک جریان سیاسی و جدی بر اساس بیان حقایق بنا میشود. زیرا که بیان حقیقت در جهت تقویت مبارزه محرومان و ستمدیدگان جامعه است، از اینرو اغراقگویی، بزرگ کردن رویدادها و مسائل کوچک با انگیزه های سیاسی و یا بدتر از آن شخصی، پخش شایعات و اطلاعات نادرست در کار آگاهگرانه یک جریان جدی سیاسی جایی ندارد. عبارت پردازیهای کم محتوی، تعریف از خودهای سبکسرانه، رواج دادن خوشباوری و خوشبینیهای بدون زمینه، شعار دادنها و وعده دادنهای بیپایه؛ در این عرصه از فعالیت برای یک جریان سیاسی و متین جایگاهی ندارند.

۵ ژانویه ۲۰۱۹

همایون گدازگر

پاراگراف مه آلود و گرد غبار آمیز زیر را جمال بزرگپور در فضای مجازی رها کرده است. و لابد انتظار دارد که عوام الناس از آن سر در بیاورند. البته ظاهرا عده ای سعی کرده اند از آن سر در بیاورند. از سرو کول هم بالا رفتن جماعت سازمان زحمتکشان برای "لایک زدن" به این کتیبه پر معنا از این جمله اند و انصافا هم حق دارند دستاوردهای این مغلطه گویی را برای خود جمع آوری کنند.

اما همه اینها مهم نیستند، این پاراگراف هم بعد از مدتی در عمق بیکران اقیانوس دنیای مجازی دفن خواهد شد. روشن است منظور این کلمات قصار که معنای زمینی آنها حتی خواص هم نمیفهمند و مخاطب ادعاهای درشت آنها باید در هوا و ملکوت جستجو کرد، اشاره به بحث های اخیر در مورد طرح ترور مخالفین سیاسی و بخصوص افشای طرح ترور رهبران حزب حکمتیست از طرف سازمان زحمتکشان عبدالله مهتدی دارد که جمال بزرگپور از بر خورد شفاف و روشن به آن می گریزد.

ای کاش برای ماروشن می کرد چه کسی حقیقت را بیان نمی کند؟ چه کسی اغراق گویی کرده و مسائل کوچک را با انگیزه های سیاسی و شخصی بزرگ کرده است؟ چه کسی شایعه پخش کرده و از خود تعریف کرده است و غیره؟ در حالیکه کومه له این اقدام تروریستی را محکوم کرده است، این ابهام گویی آنها از طرف یکی از اعضای رهبری آن چه معنایی می تواند داشته باشد؟ جمال بزرگپور اگر طرفدار "کار آگاهگرانه بر اساس حقیقت" است، پرداختن به آن را برای چه زمانی گذاشته است؟ مگر کومه له اولین هدف و قربانی حمله مسلحانه سازمان زحمتکشان نبود؟ چرا از سازمان و حزبش دفاع نمی کند؟

سازمان زحمتکشان هیچ حقانیتی در ربودن نام کومه له نداشته و ندارد. زیرا هیچکدام از سنت های مبارزاتی، مصوبات کنگره و جلسات قانونی آن را نه تنها قبول ندارد، بلکه در مقابل آنها ایستاده است. اینها آن زمان و تا امروز هم فقط اسم

کومه له را برای بند و بست با اصلاح طلبان حکومتی و بده و بستان با احزاب ناسیونالیست و دولتهای مرتجع منطقه می خواستند و گرنه اجتماعاً صاحب هیچکدام از سنت های اجتماعی و تشکیلاتی کومه له نیستند.

در مقابل کارکرد و عملکرد تاکنونی این سازمان حاکی از برخورد سرکوبگرانه و توطئه آمیز در مقابل مخالفین درونی و بیرونی و تبلیغ هیستریک در صفوف خود علیه چپ و سابقه کمونیستی کومه له بوده است . اطلاعات کاک جمال در این موارد از خیلی ها بیش تر است . پس این نان قرض دادن ها قرار است در آینده به چه مناسباتی کمک بکند ؟ آیا پایانی برای توهم این رفقا قابل تصور است ؟

۷ ژانویه ۲۰۱۹

اطلاعیه در مورد طرح ترور رهبران حزب حکمتیست از سوی سازمان زحمتکشان

رحمت فاتحی

شورش خوراسانه عضو سابق سازمان زحمتکشان در برنامه زنده فیسبوک افشا کرد که سال ۲۰۰۵ ، تعدادی از رهبران باند زحمتکشان (بهرام رضایی - رضا کعبی) به رهبری عبدالله مهتدی از او خواسته اند که اعضای رهبری وقت حزب حکمتیست را ترور کند. شورش به تندی این دستور سازمان را رد می کند. این موضوع از سوی رفیق جوامیر مارابی کادر سابق این جریان با جزئیات بیشتری مورد تأیید قرار گرفته است. حزب حکمتیست نیز در اطلاعیه ای ضمن تأیید این موضوع به شدت آن را محکوم کرد. افشاگری این انسان های دلسوز در کنار سابقه جریان زحمتکشان موجب شده است چنین طرحهای جنایتکارانه از سوی افراد کثیری محکوم شود.

من در آن دوران عضو دفتر سیاسی حزب حکمتیست و نماینده حزب در کردستان عراق بودم و بویژه در سلیمانیه حضوری طولانی داشتم. ضمن محکوم کردن این طرحهای شنیع، نظر خودم را به طور خلاصه عنوان می کنم.

تردیدی نیست که صحبت های رفقا شورش و جوامیر و گزارشاتی که در آن دوران به دست ما می رسید، طرح ترور رهبران حزب حکمتیست از سوی سران وقت سازمان زحمتکشان و بویژه شخص عبدالله مهتدی طراحی شده بود که خوشبختانه به علت هشیاری ما و کمک دوستانمان اجرا نشدند، اما در وجود این طرح و توطئه ها نباید تردید کرد.

اطلاعیه سازمان زحمتکشان و متعاقباً یادداشت های کسانیکه متهم به اجرای طرح مزبور هستند، این حقیقت را تأیید می کند. افرادی که متهم به انجام این طرح جنایتکارانه هستند، هر کدام با نوشته کوتاهی نقش خود در این طرح شنیع را انکار کرده اند. از جمله رضا کعبی. باید گفت که متأسفانه اطلاعیه رضا کعبی به اصل این طرح جنایی نمی پردازد و حتی آن را محکوم نمی کند. در واقع نوشته رضا کعبی چون خاطرات شخصی است که مناسب برنامه های رادیویی و تلویزیونی و " یاد جانبختگان " سازمان متبوع است نه جوابی مسئولانه به این همه انسان دلسوز که خواهان روشن شدن موضوع هستند.

یادداشت بهرام رضایی و صباح امینی نیز در واقع فحش نامه ای علیه کمونیست ها و کمونیسم کارگری است و ارزش بررسی ندارد.

در صحبت‌های رفیق جوامیر مارابی که به طور مکتوب و ویدیوی زنده در فیسبوک موجود است با احساس مسئولیت و شجاعانه جزئیات بیشتری از این طرح جنایتکارانه و موارد دیگری عنوان کرده است و نشان می دهد که این باند برای نیل به اهداف خود اقدامات جنایی بسیاری انجام داده اند که از جمله می توان به حمله به مقر سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومله اشاره کرد که نیازی به تکرار نمی بینم.

این رفقا (جوامیر و شورش) باید بدانند که بسیار شجاعانه و مسئولانه پرده از این اقدامات جنایی برداشته اند که هم از حمایت و پشتیبانی هزاران نفر برخوردارند و هم نقش مؤثری در قطع سیاست تروریستی و جنایتکارانه باند زحمتکشان و هر جریانی که ترور و از بین بردن مخالفان را در آینده کردستان به بخشی از سیاست‌های خود تبدیل کنند، دارد.

در صحبت‌های جوامیر عنوان شده است که از میان رهبری وقت سازمان زحمتکشان و از جمله کاک محمد شافعی، کاک بهمن علیار و کاک عمر ایلخانی زاده مخالف ترور بودند. ضمن اینکه من تردیدی در صحبت‌های این رفیق ندارم و مطمئن هستم که این افراد مخالف ترور بودند، اما تا زمانیکه این افراد به طور رسمی در مورد سیاست ترور مخالفان و محکوم نمودن این اقدامات صحبت نکرده اند، این جنایات عملاً به نام آنان نیز ثبت شده است. من به سهم خودم از آنان تقاضا می کنم شجاعت به خرج دهند و حرف بزنند. به این طریق هم وجدان خود را راحت می کنند و هم مردم آنان را می بخشند.

متهم در مقام شاکی!

عبدل گلپریان

روز دوشنبه هفتم ژانویه باند مهتدی بیانیه ای انتشار داد و در این بیانیه ضمن تاختن به حزب کمونیست ایران و سازمان کردستان این حزب (کومه له) و کمونیسم کارگری، با بکار بردن ادبیاتی که تنها ویژه این جریان است، از موضع شاکی ظاهر شده و بعنوان نیرویی که گویا در مقطع خروجشان از سازمان کردستان حزب کمونیست ایران کومه له "مورد استقبال مردم کردستان قرار گرفته اند" معرفی کرده است و با طفره رفتن از طرح ترور رهبران حزب حکمتیست مدعی شد که خود قربانی تروریسم است و میخواهد از مجاری قانونی اتهاماتی را که به آنان وارد شده است پیگیری کند.

باند عبدالله مهتدی با انتشار این نوع بیانیه ها میکوشد از اقدامات کثیفی که در دستور داشته و اخیرا به همت دو تن از کادرهای سابق شان که با احساس مسئولیت آنها برملا کردند اندکی برای خود آبرو بخرد.

کارنامه سازمان عبدالله مهتدی کاملاً روشن است. از اینکه نتوانستند و قادر نشدند اردوگاه کومه له را به خون بکشند و طرح ترور رهبران حزب حکمتیست هم برایشان نقش بر آب شد، از فرط ناتوانی در رد این اقدامات، مدال شاکلی بر سینه خود آویزان کرده اند.

دفاعیات باند مهتدی در بیانیه اش و مبرا دانستن عناصر دست اندرکار این طرح کثیف کمترین تردیدی باقی نگذاشته است که این جریان قابلیت هر گونه حرکت زشت و ضد انسانی را در خود نهفته دارد.

آنان بجای توضیح و روشن کردن اصل قضیه طرح ترور، نه تنها پرخاشگرانه با حملات تند علیه این و آن جواب میدهند گویی حتی عذاب وجدان هم برایشان معنی ندارد.

در بخشی از این بیانیه ضمن حملات تندی که به حزب کمونیست ایران و کومه له شده است، آنان را همسو با کمونیسم کارگری نام برده اند. بیانیه مهتدی همان کلماتی را امروز بطرف کومه له پرتاپ میکند که پیشتر استادان مهتدی (جلال طالبانی و شیخ عزالدین حسینی) در مقطع تشکیل حزب علیه بنیانگذاران تشکیل حزب کمونیست ایران نثار میکردند. مهتدی و تیمش خوب میدانند که کومه له و حزب کمونیست ایران بر بستر افق و سیاستهای کارگری و کمونیستی اش محبوبیت دارد. باند مهتدی در مقطع انشعابش از کومه له فقط بخاطر مصادره و محبوبیت این نام حاضر بود دهها نفر را در اردوگاه بخاک و خون بکشد.

آنانکه طی این سالها نام کومه له را بعنوان پناهگاهی برای بده و بستانهای منطقه ای تصرف کردند، نشان دادند که قائم بذات با اسم و نشان دیگری کسی برایشان تره هم خورد نخواهد کرد. آن دوران بسر آمده است که این دارودسته برای مرعوب نمودن مخالفین خود در کومه له خطاب به آنان میگفتند، شما کمونیسم کارگری هستید و مخالفان جریان مهتدی نیز با مباحثات و در پاسخ به این حملات بدرست آنان را دنبالچه دو خرداد، سازمان اسلامی خبات و مشتاقان نشست با وزارت اطلاعات معرفی میکردند.

ماهیت این جریان امروز دیگر برای همه روشن است اما سئوالی که مطرح است این میباشد که هر دو حزب دمکرات کردستان و سازمان عمر ایلخانی زاده چه موضعی در قبال این مسئله اتخاذ کرده اند. سکوت، مماشات و دیپلوماسی پاسخ به این مسئله نیست. این احزاب و سازمانها لازم است موضع روشن خود را بیان کنند. یک شاخص متضمن و متعهد به آزادی فعالیت سیاسی و سالم در میان احزاب و نیروهای سیاسی، چه امروز و چه در تحولات سیاسی پیش رو در ایران و کردستان داشتن موضع روشن در محکومیت هر گونه اقدام تروریستی و عدم بکارگیری از اسلحه علیه نیروهای سیاسی دیگر است.

احزاب و سازمانهای کمونیست و مردم کردستان تضمین خواهند کرد که نگذارند جریانات و نیروهای قومی و باند سیاهی به جامعه خون بپاشند.

عبدل گلپریان

۸ ژانویه ۲۰۱۹

فرار رو به جلو باند فالانژیستی مهدی از ترس حقایق برملا شده!

ناصر بابامیری

اطلاعیه منتشر شده از سوی سازمان زحمتکشان کردستان ایران در پاسخگوی به حزب کمونیست ایران و کومله با این ادبیات بشدت مستهجن که معرف تمام قد خود این باند است اصلا غیر منتظره نیست. این اطلاعیه تنها گوشه ای بسیار کوچک از سند هویتی این باند است. سندی هویتی در واکنش به اقدام بجای حزب کمونیست ایران و کومله و دیگر احزاب، کمونیستها و آزادیخواهان بوده که توطئه ترور مخالفان سیاسی از سوی رهبری وقت این سازمان در سال ۲۰۰۵ توسط "شورش خراسانه" کادرسابق آنان ماموریت ترور جمعی از کادرهای رهبری حکمتیستها را افشاء کرده، بشدت محکوم نموده اند.

اتفاقا این هجوم و لجن پراکنی ها به کمونیسم و بطور اخص حکا و کومله از سوی سازمان زحمتکشان شاخه مهدی بیشتر بیانگر فرار رو به جلو از ترس حقایق برملا شده است. ترس از شاهدان زنده. البته اگر غیر از اینرا شاهد بودیم غیر معمول بود. هر سازمان و باند مخوفی که بنیادش بر توطئه بنیاد نهاد شده باشد وقتی دستش رو میشود و در مقابل هزاران شاهد کمونیست و انسان آزاده قرار میگیرد دقیقا به همین حال و روزی می افتد که اکنون سازمان زحمتکشان مهدی گریبانگیر آن شده. از همه جوارح و منافذ این اطلاعیه و به عبارتی دقیقتر نویسندگان آن، نفرت از کمونیسم بیرون می ریزد.

هر باند با ویژگیهای فالانژیستی سازمان زحمتکشان که شیفت کرده به جناحی از حاکمیت و یکدوره بلندگوی اصلاحات رژیم بوده. هر باندی فالانژیستی که به قدمت موجودیتشان در حال نشست پشت درهای بسته با کادرهای وزارت اطلاعات این رژیم البته با وساطت اتحادیه میهنی حزب مادر بوده تا از این سنگر معامله گرانه در همسویی با رژیم ایران سر مبارزه چندین دهه کارگران و اقشار زحمتکش در این جامعه را زیر آب کنند. حتی در دست بوسی امثال محسن سازگارا و موسوی ها و روحانیها که از معماران و موسسین سپاه پاسداران و رژیم اسلامی بودند برای پیشبرد توطئه هایشان درنگ نکردند. هر باندی با ویژگیهای این سازمان که بعد از سرخوردگی از جا خوش کردن میان شکاف در حاکمیت وقتی سرش به سنگ میخورد اما همان سیاست سودا گرانه را از مسیر دیگری تعقیب میکند.

هر باند دست بوس لابیگرانی نظیر نوری زاده ها که خود مهره چاکرمنش سلطنت طلبان و مشروطه خواهان بوده و لابیهای مجاهدین خلقی تا متعاقبا از این مسیر راهی بیابد جهت نائل شدن به در یوزگی پشت در هیئتهای حاکمه غربی و توفیق دست بوسی پمپئو رئیس اسبق سازمان سیای آمریکا، تا در اگر قطعی شدن پروژه رژیم چنج سهمی برایشان در آینده تحولات در ایران به کمک دولتهای مرتجع منطقه اعم از عربستان و دیگر شرکایشان قائل باشند. هر باندی که در جهت پیشبرد اهداف فوق بی محابا عملیات ایدائی و نقشه ترور چند باره علیه احزاب کمونیستی سازمان دهد و به اجرا درآورد که اعتبار و پیشینه مبارزاتی و سنتهای کمونیستیشان کم و بیش با سراسر جامعه ایران بنوعی عجین شده. اینها تنها گوشه ای از سند هویتی باند زحمتکشان است.

سازمانی که بعد از انشعاب از کومله و حکا این همه ویژگیها را یکجا در خود جای داده روشن است همه پتانسیلهای یک باند را نیز دارا بوده و هست به عنوان یک باند سناریو سیاه با سایر همپالگی هایشان در دیگر بخشهای جامعه ایران مخاطراتی باشند که اگر در معادلات سیاسی آتی ایران قادر به دخالتگری باشند به جامعه نیز خون بپاشند.

جای خود دارد دوباره از همه آزادیخواهان در داخل کشور و همه احزاب و سازمانهای اپوزسیون درخواست نمود در افشا و منزوی کردن این سازمان درنگ و کوتاهی نکند.

۰۸.۰۱.۲۰۱۹

در باره تحرکات ضد کمونیستی باند فالانژیستی عبدالله مهدی و شرکا!

مهرنوش موسوی

با افشا شدن طرح ترور کمونیستها، ضرب و شتم مخالفین و مردم، از سوی کادرهای بریده این جریان، بار دیگر حقانیت این ارزیابی مهم ثابت شد که در کردستان یک جریان خطرناک سیاسی سر برآورده است. این جریان از حاشیه جنبش ناسیونالیستی خرد خرد خود را متشکل و روی قوم پرستی دست راستی ترین رگه های این جنبش، یک باند خطرناک را دور هم گرد آورده است.

به اعتقاد من این افشاگریها در عین حال نشان داد که جنبش کمونیستی ایران و کل چپ و کل آزادیخواهی این خطر را دست کم گرفته است. نفس جوابهایی که این جریان همین مدت به جامعه داد، نشان میدهد که ما حقیقتن با یک جریانی شبیه ارتش آزادیبخش کوزوو مواجهیم که به خاطر قوم پرستی، خانه های مردم را سوزانده، به زنها تجاوز میکردند. اگر به اطلاعیه هایشان دقت کنید می بینید حتی ککشان نگزیده که دارند در حضور مردم به تروریست بودن، به خشونت متهم میشوند. کنه دفاعیاتشان خمیرمایه وجودیشان هست. شانه بالا انداخته میگویند بله ما ضد کمونیستیم. تبصره این ضدیت با کمونیسم برای رد گم کردن این است که ما ضد کمونیسم بخصوصی هستیم. آنها هم ضد کمونیسم کارگری! دو نکته در این دفاعیه به نظر من میرسد.

۱. اینکه اینها ضد کمونیسم کارگری اند. اختلاف سیاسی نیست. اینطوری نیست که یارو منشویک یا حزب توده تشریف دارد. این جریان ضدیتش را با کمونیسم، ارتقا داده به سرپا کردن یک جریان کوکلس کلان دست راستی با شلوار کوردی و جامانه. والا هر کسی محق هست این یا آن نحله فکری، حزب و سازمان را قبول داشته یا نداشته باشد. ولی وقتی نقشه میریزند کمونیستها را ترور کنند، وقتی با لگد درخانه کادر صفوف خودش را میشکنند، یارو را زیر مشت و لگد میگیرند، اختلاف عقیده اش را بیان نکرده، دارد جرم میکند. دارد ترور سازمان میدهد. والا حزب مشروطه هم یک جریان راست است و مخالف کمونیستها، این یک تفاوت بزرگ است. بالاخره طرفدار تیم بارسا هم در بازی با رئال مادرید به تیم مقابلش بد و بیراه میگوید. ولی فرق دارد با هولیگنهایی که تیغ روی صورت طرفدار تیم مخالف میکشند. نارنجک پرت میکنند. این

اختلاف نظر نیست، طرح ترور ریختن، یک جرم است. هیچ دادگاهی از کسی که جرم کرده نمیپرسد، راستی روزی که به فلان زن تجاوز کردی، نظرت راجع به فمینیسم چه بود! ...دادگاه نمیپرسد. اما اگر مجرمی را به دادگاه کشاندند که متهم به زن کشی است و او شروع به ابراز دشمنی با زنان کرد، به فمینیسم بد و بیراه گفت، دیگر با یک مجرم معمولی روبرو نیستیم. والا وسط دفاع از خودش به زنها فحش نمیداد. این فری روی ضدیتش با زن که ایدئولوژیکی است، خشونت سازمان داده است. در مقابل چنین جریانی نباید رفت در باره تاریخ فمینیسم گپ و گفت کرد، باید گفت آقا شما مجرمی! همین. اداره پلیس از هیچ کدام ما نمیپرسد نظرم آن در باره بحران اقتصادی چیست وقتی چراغ قرمز رد میکنیم. ترور، یک اکت جنایتکارانه است. اقدام به ترور هم جرم جنایتکارانه است. اطلاعیه های این جریان میخواهد خودش را قاطی بحث بکند، تا نفس جواب به "نظراتش" وی را قاچاقی در اپوزیسیون نگه دارد. آنها که از آسیاب افتاد با آنهایی که شل دادند وارد مذاکره و هالپرکه و دلمه خوردن میشود. به نظر من تفاوت هست بین بحث با افشاگری. این جریان را باید افشا کرد. رسوا کرد. باید اعضا متوهم این جریان را به ایفای نقش و مسئولیت قانع و وادار کرد. باید کل اپوزیسیون را آورد پای بایکوت این باند. باید مردم را علیهشان در کوردستان بسیج کرد. باید پای مردم را وسط کشید.

۲. اینکه این جریان "فقط" دشمن کمونیسم کارگری است، هم یک دروغ بیشرمانه است. هم یک تاکتیک ابلهانه! دروغ است چون در سال ۲۰۰۵ که به مقرر حزب کمونیست ایران حمله مسلحانه کردند، حزب کمونیست کارگری مثل الان حزبی جداگانه بود. عدم به عهده گرفتن مسئولیت اجتماعی اصلن جزو خصیصه باندهای فالانژیستی است. چون میزنند و در میروند. مهم نیست برایشان جامعه چه فکری میکند. یارو تمام دنیایش خلاصه شده به یک اردوگاه و خودش را از دنیا قیچی کرده است. اصلن نمیداند جامعه خوردنی است یا پوشیدنی. پلاتفرم درست کرده، در کریدورهای دول غربی و ارتجاع منطقه رفت و آمد میکند تا از بالای سر جامعه ورود کند، قرار نیست جنبش اجتماعی بسیج کند. قرار نیست روی دوش جنبشی به قدرت برسد. همچون جریانی نه التزام اخلاقی میشناسد. نه قراردادهای سیاسی و نه کپی رایت. بزن و برو!

تاکتیک ابلهانه ای است، چون چشم امیدش به صدا کردن یک نوری ته تونل است. امیدش این است روی پروژه دشمنی چند ساله اختلاف ایجاد کند و فرار کند.

این جریان بلکل ضد کمونیسم، ضد سوسیالیسم و هرگونه آزادیخواهی است. افتخار رهبرش این شده همه جا بزند که اصلن هیچوقت در زندگی کمونیست نبوده، لابد گول خورده است. اینقدر که شما این جریان را در تصویر ضدیت با کمونیسم و سوسیالیسم می بینی در ضدیت با جمهوری اسلامی نمی بینی. تازه جریان برادرش سازمان آقای ایلخانی زاده هم دست کمی ندارد. رفتند تئوری آوردند که کوردستان مریخ ایران است. نه چپ دارد، نه راست دارد. فقط یک جنبش ملی دارد و بس! برای اینکه کارگر یقه شان را نگیرد، هنوز جرئت نمیکنند بگویند بابا ما کمونیست نیستیم! والا از بیرون شما نگاه کنید معلوم نیست کو آن پز سوسیالیستی که به خودتان میگیرید؟ کجاست؟ اگر مارکسیست هستید، پلاتفرم و برنامه پیشکش، کو تحرک و مبارزه روزمره سوسیالیستی شماها؟ کومله در سال ۵۸ به این معروف بود که برای حقوق کارگر علیه سرمایه داری و نظام میجنگد. این عکسهای را که من گذاشتم نگاه کنید. یارو در روستای دور افتاده سنندج ایستاده،

پشت سرش بنری که روی دیوار آبادی هست انترناسیونالیسم پرولتری و سوسیالیسمه! تمام اینها را زیر گرفتند. تاریخ سوسیالیسم را در کردستان خط زده اند، یک مشت تواب در لباس کوردی میچرخند، افتخارشان شده این غبغبها و شکمها را جلو بدهند، در صندلی دسته چوبی ایتالیایی جابجا شده و تقلید مام جلال کنند! همین! آنوقت جامعه که دارد راه خودش را میرود، سوسیالیسمی که هزار برابر شفافتر و پر قدرت تر از سال ۵۸ تریب حرکت کردستان هست همه جا را فتح کرده، اینها در فکر رویاهای عشیرتی خودشان واسه دولتمرد شدند. آنهم نه یکی و نه دو تا، هر کسی روی صندلی جابجا شده، وهم ورش داشته که نسخه عراقی کردستان باعث راندن ماشین پورشه در سلیمانیه میشود، درست در حالیکه کارگر کورد عراق از بیکاری یا کولبری میکند یا گریه!

اینها فقط ایدئولوژی عوض نکردند. طبقه عوض کردند. قشر عوض کردند. علت اینکه به اسم قدیمی آویزان هستند این است که میدانند این که الان هستند را احدی نمیخرد!

اینها دشمن کل جنبش ضد کاپیتالیستی اند. اینها عقبه ارتجاع هستند برای سرکوب! اینها بهتر از هر کسی میدانند کومله در کردستان یعنی سوسیالیسم به لهجه و زبان کوردی!

۳. با به قدرت رسیدن اسلام در خاورمیانه، کل ارتجاع کاپیتالیستی دارای یک جنبش ضد کمونیستی هار شد. هیچ جنبشی در چهل سال اخیر در دنیا اینقدر کمونیست نکشته که اسلام کشته، اینقدر فعال حق زن نکشته که اینها کشتند. کلیه جنبشهای حقوق مدنی را به خون کشیده است. الان که اسلام سیاسی در ایران زیر ضرب مردم است، به اعتقاد من کاندید بعدی سازماندهی ایدئولوژیکی ارتجاع ضد کارگری و ضد کمونیستی در ایران ناسیونالیسم است. جنبش ناسیونالیستی است. عبدالله مهتدی سیاستهای عین حزب دمکرات است. چرا پس کنار حزب دمکرات یک شعبه ضد کمونیستی فالانژیستی باز کرده است؟ به نظر من برای رقابت. برای اینکه اگر تقی به توقی خورد، از مرزها بریزند در خانه زنان سنندج را بشکنند. سندیکای کارگری سقز را به آتش بکشند. مردم را روی قوم پرستی به جان هم بیندازند. کاری که هم مسلکانشان در کوزوو کردند. فرق حزب دمکرات با باند مهتدی این است که این دومی ضد کمونیست بودنش را به یک خصلت ناسیونالیستی ارتقا داده طوری که در محیط پیرامونش الان یک کورد با غیرت کسی است که بیشتر به کمونیسم فحش میدهد، بیشتر و داغتر هیستری ضد منصور حکمت دارد. شما از کنار حزب دمکرات رد بشوید طرف میگوید خودمختاری میخواهم! فدرالیسم میخواهم، زبان کوردی باید فلان بشود. ولی از کنار عبدالله مهتدی رد بشوید میگوید برو بگو در کردستان هیچ وقت ما کمونیسم نداشتیم! نه من، نه تو، همه را خط بزن! بقیه هم دارند واقع این کار را میکنند. خیلیها دارند خط میزنند. اشتراک پلاتفرم سیاسی شده که کی چقدر زیادتیر به منصور حکمت فحش میدهد! این شده خمیره تاریخ مشترک درست کردن. به نظر من باند عبدالله مهتدی منظره ضد کمونیسم آتی جامعه کردستان و ایران هست، اگر از الان جلوی گرفته نشود. بقیه هم که رفتند تئوری آوردند که کردستان اصلن نه ناسیونالیسم دارد، نه کمونیسم، پاک کن دستشان هست. منتهی روزمره با حرف و عمل خودشان فقط در حال پاک کردن طرف چیند!

این پلاتفرم نمیگیرد. مال هر کسی هست نمیگیرد. زیر لوای فحش دادن به کمونیسم کارگری و حکمت نمیشود عرق ملی را باد زد. جامعه امروز کوردستان شهری است. کارگری است. مدرن و زنانه است. این روش فکر و این لایف استایل طالبانی اوجلانی نمیگیرد. بالاخره جنبشهای اجتماعی هم دیالکتیکشان تغییر است. رویای اوجلانی کردن کوردستان با طالبانیها در کوردستان عراق مرد. جلو دستشان زن را سنگسار میکنند. زیر حکومت اینها زن وضعش بدتر شد. حقوق کارگر کمتر و فراندوم مردم را قشنگ بالا کشیدند. این رویا عملی شد و شکست خورد. شخصیتهای امروز جامعه کوردستان کسانی اند در تصویر شریف باجور، دو چرخه اش دستش، موهای بلندش را به باد داده، موزیک میزند. کوردستان شده کارخانه درست کردن فعال کارگری، درست در حالیکه احزاب ناسیونالیستی و قومی نه در دوره مصدق، عقبتر، در دوران قاجار مانده اند. میخواهند لاشه شان را بکنند سرمایه سازماندهی یک ارتجاع هار علیه کارگر و کمونیسم.

خیلی راحت: نمیذاریم!

۸ ژانویه ۲۰۱۹

دست و پا زندهای لمپنیزم از روی در یوزگی سیاسی

آسو سهامی

بدنبال افشای توطئه ترور شماری از کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری-حکمتیست از جانب دفتر سیاسی سازمان غیر انقلابی زحمتکشان کردستان ایران در سال ۲۰۰۵ میلادی. این طرح و توطئه از سوی شمار زیادی از احزاب و سازمانها و همچنین افراد و شخصیتهای چپ و کمونیست محکوم و مورد نقد جدی قرار گرفت. همین موضعگیری های درست و بجا باعث انزجار هر چه بیشتر جامعه کردستان و مجامع سیاسی از این سازمان شد. بدنبال این موضعگیری ها، فالانژهای این سازمان که به ناروا اسم حزب کومله را روی خودش گذاشته است در حالیکه هیچ ربطی به طبقه کارگر و زحمتکشان ندارند، در نوشته های خود در فضای حقیقی و مجازی برای اثبات سرسپردگی خود و بیعتی دوباره با بیت رهبری این سازمان و در راس آن کمیته مرکزیشان به جای ابراز تاسف و ندامت از تروریزم شروع به فحاشی و تهدید دوباره مخالفین سیاسی خود کردند. انگار اطلاعیه دبیرخانه کومه له-سازمان کردستان حزب کمونیست ایران بیش از پیش این حضرات را عصبانی کرده تا جایی که لمپنیزم غالب در تشکیلاتشان شروع به تهدیدی دوباره کرده است. دبیرخانه کومه له - سازمان کردستان حزب کمونیست ایران، ضمن محکوم کردن توطئه گریهای سازمان زحمتکشان، بر ضرورت یک کمیته حقیقت یاب پافشاری و خواهان روشننگری برای افکار عمومی شده است. سازمان زحمتکشان در اطلاعیه ای که بر علیه کومه له و حزب کمونیست ایران منتشر کرده است، دوباره و به طرز فحاشی حزب کمونیست ایران را به حمله نظامی و ترور تهدید کرده است و با ادبیاتی که تنها در شان چنین سازمانی است اقدام به یاوه گویی کرده است، انگار پیشنهاد کومه له - سازمان کردستان

حزب کمونیست ایران برای تشکیل یک کمیته حقیقت یاب به مذاق آقایان و فالانژهایشان خوش نیامده و با نسبت دادن این پیشنهاد به حزب حکمتیست می خواهند با شانتاژهای خود جلوی افشای جنایتهای خود را بگیرند. سازمان زحمتکشان بهتر از هرکس می داند که ایجاد کمیته حقیقت یاب پته آنان را روی آب می اندازد و واقعیتها و جنایات بیشتر این سازمان را رو به افکار عمومی کردستان آشکار می کند. ایجاد کمیته حقیقت یاب در واقع موضوع جدیدی نیست، در زمان جنگ تحمیلی حزب دمکرات به کومه له و قتل عام پیشمرگان کومه له در اورامانات، کومه له برای روشنگری خواهان تشکیل کمیته حقیقت یاب شد. این کمیته که متشکل از حزب دمکرات، دفتر ماموستا شیخ عزالدین، اتحادیه میهنی و کومه له بود، ضمن تحقیقی گسترده و آشکار شدن قضیه، حزب دمکرات را مقصر دانست و آنرا محکوم کرد.

سازمان زحمتکشان در ادامه اطلاعیه خود با مظلوم نمایی و اشاره به دو مورد بمب گذاری در اردوگاه های خود، می خواهد فضا را متشنج کرده و از زیر قبول جنایات خود شانه خالی کند، غافل از اینکه جامعه کردستان خوب می تواند ترور و تروریزم را تشخیص دهد. سازمان زحمتکشان با کنایه به انشعابشان از کومه له اشاره می کند و بر طرح دفتر سیاسی این سازمان مبنی بر حمله نظامی به اردوگاه های کومه له و حزب کمونیست ایران، تاکید دوباره می کند و از سر نگرفتن طرحشان در قتل عام کمونیست ها خود را سرزنش می کند. سازمان زحمتکشان که در منجلاب سیاستهای غلط خود دست و پا می زند به هر طرح و توطئه ای دست زده و می زند تا شاید بتواند راه خلاصی بیابد.

ما تمامی افراد و هواداران این سازمان که از روی سادگی یا دل پاکی فریب رهبران این سازمان را خورده اند می خواهیم با ترک صفوف این سازمان، بیش از این گوشت دم توپ رهبرانشان نشوند و خود را قربانی سیاستهای آنان نکنند، در غیر اینصورت در فردا روز باید در دادگاه مردمی جوابگوی جنایتهای این سازمان و رهبرانشان باشند.

ما همچنین مردم کردستان و تمامی احزاب و سازمانهای کمونیست و آزادیخواه را فرا می خوانیم که در برابر تهدیدات مستقیم و غیر مستقیم سازمان زحمتکشان، موضعگیری کنند و این سازمان را مسئول هر گونه عملیات نظامی و تروری بر علیه کومه له و حزب کمونیست ایران بدانند.

آسو سهامی

هفتم ژانویه ۲۰۱۹

خود را منحل کنید! (در مورد سیاست ترور مخالفین سازمان زحمتکشان)

حمید شعبانی

افشاگری های اخیر در مورد کشتن اعضا و کادرهای حزب حکمتیست توسط سازمان زحمتکشان، (باید منتظر شد و دید که موارد دیگر کدامند) علیرغم انکارهای تعدادی از وابستگان شان، نشان داد که خط و جهت سیاسی یک سازمان چه

نقش کلیدی ای در شکل دادن به فرهنگ و شیوه های تربیتی یک تشکل در تنظیم رابطه اش با دیگران و با صف خودش دارد.

سیاست این سازمان از روز اول تولد شان امید به اصلاح طلبان درون و بیرون رژیم بود ، دوم خردادیها را دیدند از شعف مست شدند، به آمریکا چشم دوختند و به انتظار بمب و حمله نظامی روز شماردند ، هنوز هم چنین اند. و شاید رو به قبله بن سلمان هم ایستاده دعا کردند.

مذاکرات پنهانی با اطلاعات رژیم را در کارنامه دارند.

جنبش سبز را مهمتر از جنبش مشروطه خواندند.

قصد حمله نظامی به اردوگاه کومله کردند، و روی آنها اسلحه کشیده، عملیات ایدایی کردند. مخالفین را کتک زدند، و خنجر زدن از پشت بخشی از اخلاقیات شان است.

در این مورد به کتاب احمد ترجان، که خودش آنوقت عضو ک.م. بوده مراجعه کنید که عبدالله مهتدی چگونه برای کودتای حزبی قبل از انشعاب از حدکا تلاش کرده است.

.....

اینها چون اهل کار سازماندهی و خود مدیریتی مردمی نیستند، پس میبایست نام کومله را می قاپیدند.

شهید خوری میگردند و تا به امروز هم ادامه داشته است. عکس جانباختگان کومله را زینت بخش مقرها ایشان کردند ، و هر از چند گاه یکی دو یاد نامه " شهیدان " را بیرون می کشند تا بی کفایتی سیاسی شان را لاپوشانی کنند و درعین حال از نام و محبوبیت آنها وجه و منزلت دست و پا کرده و مظلوم نمایی کنند. پشت سر هم برای " رهبر کرد " بارزانی پیام تبریک و شادباش روانه میکنند.

ناهمخوانی اینها با روند پیشرفت جامعه، به روز نبودنشان به لحاظ سیاسی، اجتماعی ، فرهنگی و داشتن تحلیل های الک دولکی ، و به خاطر درماندگی سیاسی به شدت بی اعتماد به نفس اند.

به همین خاطر شنیدن و ابراز وجود دیگران برایشان کابوس میشود. و آن را افشاگری و تهدید علیه خود می دانند.

و در نتیجه، رهبری این جریان به سیاست تهدید ، کتک کاری ، شانناژ و ترور مخالفین روی میآورد. این رهبری سعی میکند افراد تازه وارد درون خودش را برای اجرای این توطئه ها بفریبد و تا این حد برایش مهم و حیاتی میشود که در پلنوم سازمانی اش آن را به رای میگذارد. تنفر پراکنی علیه چپ در آموزشگاه پیشمرگان بر افشای جمهوری اسلامی ایران می چربد.

لومپنیزم را تشویق میکند ، به آدمهای لاف زن ، بی اخلاق و بد دهن دل میدهند و قلوبه میگیرند و نسبت به غیر خودیها دائما تخم نفرت می کارند.

مردم آزاری میکند. به زنان جوان داخل تشکیلات دست درازی میکنند ، و نماینده اخلاقیات فاسد و ضد زن هستند.

بیرون انداختن خر (الاغ) و اخراج چند مخالف خود را(که به زعمشان کمونیست بوده اند) یکجا شمارش میکند..و این را در سلف سرویس علنی گفته اند و همچون مزاح گویی تشویق می شود.

و اما مهتدی آب از سرش گذشته است.او برای رهبر شدن به هر جا میرود.

برای کشتن رفقای دیروز لشکر کشی میکند، (به شرطی که خودش حضور نداشته باشد)

نزد پمپئو باشد یا بن سلمان ، بارزانی یا سازگارا او دنبال الماس رهبری است .

او قابل اعتماد نیست، راحت دروغ میگوید و زیر سند و مدرک میزند. و گذشته مستند را انکار میکند .

چند نکته خطاب به بدنه شریف و صادق حزب دمکرات!

امروز در شرایط نبود چهره شناخته شده ای چون قاسملو و در شرایطی که آمریکا در فکر تدارک آلترناتیو است مهتدی سعی میکند خود را کاندید مناسب قلم بزند.

بدنه حزب دمکرات باید این را بدانند و به رهبری خود این را گوشزد کنند که مهتدی جای اعتماد نیست. و باید او را طرد کنند. و نگذارند دخالت‌های مهتدی سرنوشت آنها را به بازی بکشد و روز حسابرسی و یا ناکامی ، از زیر همه چیز در برود. در کومله و ح.ک.ا چنین کرد. شرایط دیگری پیش بیاید که برای قدرت گیری لازم باشد چرخش دیگر میزند و از زیر موضع گیری های امروز هم در می رود.

عبدلله مهتدی آدم بی رحم و خالی از هرنوع سمپاتی و دلسوزی انسانی است .

چندی قبل او در کنفرانسی در نروژ، به لزوم تشکیل نیروی مسلح برای کنار زدن نیروی آشوبگر در فردای سرنگونی جمهوری اسلامی اشاره کرده است. این تدارک نیرو برای سرکوب مخالفین است.

واقعیت این چند دهه نشان داد که این نوع سیاست کردن چگونه آدمها را فاسد میکند. کسی به خیر مهتدی امیدی نیست. او بیمار گونه دنبال قدرت ، رهبر شدن و پول است .

برای تقابل با این ششلول بندها در فردای پس از جمهوری اسلامی باید از همین امروز برنامه داشت و مردم را در جریان گذاشت.

از طریق سیاست " تمام قدرت به شورا ها" باید حق تسلیح در اختیار مردم باشد و نه احزاب و به این صورت خطر تبدیل شدن جامعه کردستان ایران به حکومت اقلیم در عراق را منتفی کرد. و گرنه اینها با سازمان دادن نیروهای لومپن و حشد اشعبی کوردی ، زبان ها و قلمها را به شکنجه میبرند. و وضعیت کردستان عراق را کپی کرده و در آنجا، از کرمانشاه تا اشنویه و نرده اجرا میکنند ، رانت و ترور و خود کشاندن (خودکشی) زنان را نرم جامعه میکنند و برای این دلار آمریکایی و دینار عربستانی خرج میکنند. اگر توان بسیج سیاسی ندارند ولی میتوانند بسیج اجتماعی کنند.

اینها در عرصه سیاسی بازنده آند نمیتوانند با استدلال سیاسی مردم را دور خود بسیج کنند. ولی با پول و تهییج کردن و نفرت پراکنی امکان بسیج اجتماعی گله های لومپن را دارند.

در مورد شاخه دیگر سازمان زحمتکشان!

میماند و دید آیا رهبری آن شاخه دیگر سازمان زحمتکشان تا کجا و تا چه زمانی میخواهد در این مسیر برود و از همان چشمه آب بخورد که مهتدی پیشتر دستان اش را در آن شسته است.

چند دهه اخیر نشان داد که این ها به مرور زمان "بدتر" شده اند. و سنت های جریان مهتدی را پیش گرفته اند و به ترور و حذف فیزیکی رو آورده اند، فرض این است که در آغاز گرفتار شدن و مبتلا شدن به این ویروس اند.

برای نه غلطیدن بیش تر تنه راه این است که اینها از ادامه رفتن در این منجلاب، بایستند و کنار بکشند.

سیاست و عملکرد تا امروزشان، به نام کومله به معنی انقلابیگری، سکولاریسم و عدالت خواهی اجتماعی شدیداً و عمیقاً طمه زده است.

انتخاب مناسب برای شاخه ایلخانی زاده این است که خود را منحل کند. و بیشتر از این کومله و ارزش و دستاوردهای آن را برای قدرت و پول حراج نکنند.

اگر قرار بر سر انتخاب بین کار سیاسی متشکل به قیمت کومله فروشی باشد، بهتر است منفرد و شرافتمند بود. و به این ارزشها گند نزد.

این نشانه ای عظیم و ارجمند از دوست داشتن مردم و سپاسگزاری از ارزشهای سیاسی - اجتماعی انسان مدار است.

۸ ژانویه ۲۰۱۹

سازمان زحمتکشان یک سازمان تبهکار و مافیایی است

محمد آسنگران

January 09, 2019

در مورد ماهیت و عملکرد سازمان زحمتکشان در کردستان تا کنون مطالب زیادی نوشته و منتشر شده است. از روز اول درست شدن این سازمان ما ماهیت آنرا آنطور که واقعا بود به جامعه معرفی کردیم. اکنون با گزارشات اخیر که از زبان کادرهای جدا شده از این سازمان منتشر شده است صحت ارزیابی ما بیش از پیش عیان شده است. در همان روزها و

ماه‌های اول جدا شدن سازمان زحمتکشان از کومله با انتشار سیاست ما در مورد ماهیت فالانژیسم و قوم پرستی این جریان کم نبودند کسانی که فکر میکردند اختلاف ما با آنها رقابت حزبی و یا اغراق آمیز است.

اکنون که کادرهای جدا شده از آنها یکی بعد از دیگری اخبار و گزارشات درونی این سازمان را علنی میکنند همگان متوجه شدند که سازمان زحمتکشان به رهبری مهتدی دهها طرح و برنامه برای ترور و کشتن مخالفین سیاسیشان در دست اجرا داشته و مواردی هم آنرا اجرا کرده اند.

از زبان یکی از کادرهای رهبریشان به اسم جوامیر مارابی که چند سالی است از آنها جدا شده است میشنویم که سازمان زحمتکشان در پلنوم رسمی خود طرح حمله به اردوگاه کومله سازمان کردستان حزب کمونیست ایران را داشته که میخواسته اند آنها را قتل عام کنند. دلیلشان هم این بوده است "از بین بردن آنها امروز با تلفات کمتری ممکن است و بهتر از این خواهد بود که بعدا دو کومله وجود داشته باشد و در داخل شهرها با هم درگیر بشویم." قصدشان این بوده است که یک کومله را نابود کنند تا فقط یک "کومله" آن هم سازمان زحمتکشان وجود داشته باشد. سازمان زحمتکشان ظاهرا مشق هایش را از روی دست جریانات تروریست و آدمکش نوشته و قصد پراتیک آنرا داشته است.

علیرغم اینکه همان دوره کسانی از درون سازمان زحمتکشان مخالف این سیاست بوده اند دست به جمع آوری امضا و طومار نویسی زده اند که همه افراد تشکیلاتشان را برای اجرای این طرح جنایتکارانه علیه کومله آماده کنند و صدای مخالفین را خفه نمایند.

همزمان با این سیاست طرح ترور کادرهای کمونیسم کارگری در کردستان عراق را داشته اند. اما مواردی با مخالفت افراد خودشان مواجه شده و مواردی هم طرحشان لو رفته است. این باند مافیایی تا جایی پیش رفته اند که با تطمیع، یکی از اعضای خودشان او را ناچار کرده اند که به عنوان جاسوس و خبر چین در سلیمانیه به کادرهای کمونیسم کارگری نزدیک بشود و راه اجرای ترور آنها را مهیا کند.

همه این موارد بعلاوه طرح ترور افرادی از خود این سازمان که خواسته اند از آنها جدا بشوند اکنون در میدیای اجتماعی علنی شده است. کادرهای قبلی این سازمان اخیرا با اسامی و تصویر حقیقی و حقوقی خود بر وجود چنین طرح هایی شهادت داده و آنرا افشا کرده اند.

با افشای این طرحها همه سازمانهای چپ و کمونیست جدی ایران سیاستهای جنایتکارانه و مافیایی این باند تبهکار را محکوم کرده و به جامعه هشدار داده اند. عکس العمل تا کنونی این باند تبهکار به رهبری عبدالله مهتدی در مقابل افشای سیاستهای آدم کشی اش این بوده است که از بنیاد وجود چنین سیاستی را منکر بشود. اما یکی از افراد رهبری شاخه جدا شده سازمان زحمتکشان به اسم رضا کعبی که اکنون با عبدالله مهتدی در رقابت هستند در پاسخ به افشاگریهای اخیر تلاش کرده است بگوید او چنین سیاستی نداشته است. اما در مورد کلیت این سیاست و طرحهای مافیایی و سیاستهای تروریستی سازمان مربوطه که او هم یکی از رهبران وقت این سازمان بوده است سکوت کرده است.

مسئله این است اکنون که این سیاستهای جنایتکارانه و تروریستی علیه مخالفین سیاسی این سازمان تبهکار و قومپرست افشا شده است و به اطلاع عموم رسیده است چه باید کرد؟

اولا همه سازمانهای اپوزیسیون راست و چپ ایران و همه احزاب کردستان عراق و ترکیه و سوریه اگر یک ذره به فضای سیاسی سالم و آزادی احزاب پایبند هستند باید این سیاست و روش حذف مخالفین سیاسی از راه دست بردن به اسلحه و اقدام به ترور را محکوم کنند. هر جریانی که نخواهد علیه سیاست تروریستی این سازمان موضع روشنی اتخاذ کند باید به عنوان جریانی غیر مسئول افشا بشود.

دوم اینکه هیچکس نباید و محق نیست این جریان تروریستی را به عنوان سازمان سیاسی برسمیت بشناسد. چنین جریانی جایی در میان احزاب سیاسی نباید داشته باشد.

باید فضای سیاسی کردستان آنچنان متمدنانه و آزاد منشانه باشد که هیچ جریان غیر مسئولی نتواند در مقابل مخالفین سیاسی دست به اسلحه ببرد و ترور و حذف مخالفین سیاسی باید خط قرمز همه جریانات باشد. در پایان باید مردم کردستان چنین جریاناتی را بشناسند و به دلیل سیاستهای ضد انسانی و تروریستی آنها افشا و ترد شوند.

ایسکرا ۹۷۰

جوابی کوتاه به جوایبه سازمان زحمتکشان کردستان ایران با یک برش از نوشته خودم تحت

عنوان: عبدالله مهتدی با یک نوستالژی سیاسی – تاریخ نخ نما

ناصر زمانی

باید به عبدالله مهتدی نیز یادآوری کرد، شما در دوران انشعاب کمونیسم کارگری یکی از فعالین موثر آن جریان در آن دوره بودید. این شما بودید که با شکل گیری گرایش کمونیسم کارگری و تشکیل کانون سه نفره کمونیسم کارگری عازم کردستان شدید و با برگزاری جلسات و قدم زدن با اعضا و کادرهای کومه له برای جذب نیرو برای گرایش کمونیسم کارگری سنگ تمام را گذاشتید. یعنی با آن بخش از عملکرد کمونیسم کارگری که شما از آن به عنوان خیانت نام می برید، خودتان هم همراه بودید. تنها زمانی که تمام ظرفیت های خودت را برای جلب نیرو برای گرایش کمونیسم کارگری به کار انداختید، اما شما را به کانون کمونیسم کارگری راه ندادند، از آنها فاصله گرفتید و با انشعاب این جریان همراه نشدید. بعد از آن عبدالله مهتدی به مدت ده سال در صفوف کومه له و حزب کمونیست ایران فعالیت کرد و سرانجام تحت تأثیر تحولات سیاسی بیرون از حزب، به قدرت رسیدن اصلاح طلبان حکومتی در ایران و امید بستن به دمکراتیزه شدن ایران تحت پرچم دوم خرداد و از طرف دیگر تحت تأثیر به قدرت رسیدن احزاب ناسیونالیست در کردستان عراق، به کمک یکی از این احزاب به شیوه ای کاملا نامشروع به لحاظ سیاسی و تشکیلاتی انشعاب از کومه له را سازمان داد. و در واقع از یک

قطب چپ به قطب راست سیاسی کاملن تغییر ریل و شیفت سیاسی نمود، شما در کنار احزاب بورژوا ناسیونالیست چه از نظر فکری و چه از نظر عملی انتخاب خود را کرده اید و در این زمینه از جمله با: سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی، ایجاد یک حکومت فدرالی و نظام دمکراسی رو به جامعه با شعار فدرالیسم کارنامه ای پُر واضحی دارید. مردم آگاه و پیشرو جامعه ی کردستان در طی نزدیک به ۲۰ سال کارنامه ی سیاه پشت سر شما را به خوبی می شناسند و میدانند که شما با کمونیست بودن، با اهداف سوسیالیزم و رادیکال بودن سر سازگاری ندارید. از جمله بر این امر آگاهند که شما کاسبکارانه و نامشروع چه به لحاظ سیاسی و تشکیلاتی چه از نظر اخلاقی از نام کومه له استفاده میکنید. روزی برای مسعود بارزانی و روزی در مراسم سالگرد تأسیس حزب آک پارتی اردوغان فاشیست شرکت می کنید و پیام لبیک می فرستید، در راهروهای سنای آمریکا برای حل مسئله ملی در کردستان سرگردان و با تجویز و پیشنهاد به احزاب کردستانی جهت مراجعه به سازمان سنای آمریکا همراه با دیگر احزاب بورژوا ناسیونالیست و شناسنامه دار، در جهت حل مسئله ی کُرد پیشقراول بوده و هستید. کمونیست بودن، جنبش کارگری، انقلاب توده‌های محروم و تحت ستم برای ایجاد شوراها در سیاست هایتان، میوه ی ممنوعه ی تحولات آینده ایران و کردستان معرفی می کنید. برای مرگ منتظری تسلیم میفرستید. با یک تاریخ سازی وارونه، از رفیق فواد مصطفی سلطانی یک چهره ی صرفن ناسیونالیست و طرفدار فدرالیسم به توده های مردم القا می کنید. با احزاب پان ایرانیست فاشیست- شوینیست و لیبرال -دمکرات سلطنت طلب و مشروطه خواه که حق تعیین سرنوشت برای مردم کردستان را خط قرمز سیاست های خود میدانند، با سرود ای ایران ای مرز پُر گُهر در یک صف قرار گرفته، تا جایی که از وجود پستانک های فریب از جمله با سردار مدحی ها و سازگاراها گوی سبقت را از اصلاح طلبان خارج کشور ربوده اید. ضدیت با فراخوان کومه له برای اعتصاب عمومی ۱۶ مرداد ۱۳۸۴ در کردستان را در کارنامه خود به ثبت رسانده اید. انجام عملیات ایزائی و نقشه ی حمله به اروگاه کومه له که در اوج درماندگی به علت مخالفت اکثریت اعضای کمیته مرکزی این سازمان را با شاهدان عینی در کارنامه ی خود به دوش می کشید. با از سرگذراندن یک دگردیسی تاریخی و عملی به قطب نیروهای ناسیونالیست منطقه پیوسته اید. شعار فدرالیسم و سیاست های سوداگرانه ی شما با شمشیر کهنه ی در غلاف پوشیده تحت عنوان ”در زیر چتر پلاتفرمی مشترک“ رنگ و لعابش را باخته است نمونه ی زنده ی این شعار در حکومت اقلیم کردستان عراق درس بزرگی برای مردم کردستان ایران است. بی گمان نیروهای پیشرو و انقلابی به احزاب و اشخاص اپورتونیست، اجازه نخواهند داد که تجربه ی کردستان عراق در ایران تکرار شود. با توجه به کارنامه ی شما در طی نزدیک به این بیست سال حتی در میان احزاب بورژوا ناسیونالیست هم قابل اعتماد نیستید. ما کمونیست ها قضاوت را به مردم آگاه و نیروهای پیشرو و رادیکال مردم کردستان خواهیم سپرد و این سوال را پیش روی همه قرار خواهیم داد و از عبدالله مهتدی میپرسیم با توجه به موارد برشمرده در بالا، چه کسی کارنامه پر از خیانت به جنبش انقلابی مردم کردستان به همراه خود در تاریخ به ثبت رسانده است؟

باید به عبدالله مهتدی و همفکرانش که در احزاب دیگر با سیگنال های سبز و چشمک زن، شاخک های مهتدی را به فعالیت در آورده اند یادآوری کرد، مستدل ترین سند در این رابطه در استراتژی حزب کمونیست ایران، مصوبه کنگره یازدهم، در بخش استراتژی ما در جنبش کردستان آمده است: ”استراتژی ما در جنبش کردستان برپایی انقلابی است که

نیروی محرکه آن را مردم کارگر و زحمتکش تشکیل می‌دهند. از نظر ما شرایط عینی جامعه گُردستان، نابرابریها و تضادهای حاد طبقاتی، ستم و سرکوب دولت مرکزی و سلب ابتدایی ترین آزادیها و حقوق مردم، سنتهای چند دهه مقاومت و مبارزه، نفوذ جریان رادیکال و چپ در این جامعه همه اینها زمینه های وقوع یک برآمد انقلابی را در گُردستان فراهم کرده اند. حزب کمونیست از طریق سازمان گُردستان خود (کومه له) با شرکت در تمامی لحظات این مبارزه تلاش میکند که رهبری رادیکال و سوسیالیستی این جنبش را تأمین و آن را به سمت پیروزی نهایی هدایت کند.

سازماندهی حرکت‌های اعتراضی، ایجاد تشکلهای توده ای و در راس آنها تشکلهای کارگری، گسترش عرصه های کار علنی و قانونی، حفظ ظرفیت نیروی مسلح، منزوی کردن سیاستها و روشهای لیبرالی و ناسیونالیستی، تحکیم موقعیت کومه له در مبارزه برای رفع ستم ملی، از جمله وظایفی هستند که در دوره کنونی خطوط اصلی استراتژی ما را تشکیل میدهند (خط تاکید از من است).

۷ ژانویه ۲۰۱۹

استخوان لای گلوی شان گیر کرده است

ایرج فرزاد

“کمیته مرکزی حزب کومه له!” اطلاعیه ای صادر کرده است در رد “اتهام” اقدامات تروریستی خود در سال ۲۰۰۵ علیه کادرهای کمونیسم کارگری.

نوشته اند: “اعلام می داریم که چنین بحثی هیچگاه در هیچ مرجع حزبی مطرح نشده است.” استدلالی است که کپی و نسخه برداری شده است. مگر هیچگاه رژیم اسلامی و وزارت اطلاعات اش اعلام کرده است که قتل های زنجیره ای را سازمان داده و در مرجعی به تصوب رساندند؟ مگر نگفتند که آن اقدامات کار “نیروهای خود سر” بود، همانطور که باند زحمتکشان نوشته اند: [“تنها منبع، استناد به سخنان شخصی “معلوم الحال” (منظور شورش خراسانه) است] که انجام ترورها به او سپرده شده بود؟ وزارت اطلاعات رژیم اسلامی، مامور خودسر را سر به نیست کرد، و اینها نوشته اند: ما پیش تر در مورد نیت آن شخص “معلوم الحال” هشدار” داده بودیم. هنوز جا پایشان چندان محکم نبود که آن “هشدار” را با “واجبی خور” کردن تداعی معانی کنند.

اینها هم باز چون جمهوری اسلامی در برابر فشار سنگینی که بخاطر افشاء آن توطئه های جنایتکارانه بر خود احساس میکنند، بازهم به همان انبان دست برده اند. جمهوری اسلامی در برابر فشار افکار عمومی بین المللی همیشه گفته است: “ما خود بزرگترین قربانی تروریسم هستیم.” عین جملات سازمان زحمتکشان هم این است: “ما خود قربانی بزرگ ترور و تروریسم بوده ایم”

اما در ورای این دست و پا زدنهای مذبحخانه، فشار سنگین تری دست و پای باند زحمتکشان جناب مهتدی را تماما بسته است: “میخواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند و موضوع کهنه ناروا بودن اطلاق نام کومله به حزب ما را دو باره زنده می کنند.”

معلوم است آن “اتهام” چندان “ناروا” هم نبود. چه، مشکل اینها فقط رومنائی از باند خود به عنوان یک کانون نفرت از کمونیسم نیست. مشکلشان این است که دوایر حکومت “اقلیم” کردستان عراق نیز آنان را “کومه له” نمیدانند. اخیرا تلویزیون “روادو” مصاحبه ای با جناب مهتدی داشته است که “تناقض” در نام کردی و فارسی سازمان متبوع را در مقابل او گرفته است: چرا در کردی اسم آنها “کومه له” زحمتکشان کردستان ایران” است و در فارسی “حزب کومه له کردستان”؟ عبدالله مهتدی به تته پته می افتد و هر پیچ و تاب که بخود میدهد نمیتواند پس از اینهمه سال، از این عملیات “نام ربائی” گریبان خود را خلاص کند. اگر سازمان زحمتکشان، “کومه له” را “بازسازی” کرده است، میبایست نام محکمه پسند کومه له در کنگره اول یعنی “سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران”، را برای ادامه مجاهدتهای تبری از کمونیسم انتخاب میکرد. اما، رو به دوایر و سازمانهای جاسوسی دولتهای غرب، که نمیخواهند پشتیبانیهایی از یک جریان با هر سابقه “چپ” و “انقلابی” را بدون بررسی “سوء پیشینه”ها اجرائی کنند و نیز رو به جریانات راست و سلطنت طلب و پان ایرانیست و ضد

کمونیست که کلمات "انقلابی" و "زحمتکشان" در وصف یک سازمان "کردستانی" ممکن بود با رگه ای از "خشونت و اسلحه"، "تروریسم" و "جدائی طلبی" تداعی شود، حذف شدند. تاریخ اختراع نام "حزب کومه له کردستان ایران"، حتی دوران اولیه مجاهدتهای اینها را در ایام "بازسازی" و تدارک ایجاد حزب نفرت از کمونیسم، نمیپوشاند. نام "حزب کومه له" بدون کلمات زحمتکشان و انقلابی، اختراع دوران اخیرتر است. میدانند که حتی پ.ک.ک بخاطر سابقه دست بردن به اسلحه در برابر دولت عضو ناتو، و یدک کشیدن حزب "کارگران" کردستان، علیرغم هر غلظت در ناسیونالیسم اش، هنوز "خودی" نیست. غرب تجربه مسلح کردن "مجاهدین افغان" را هم دارد که طالبان از آن سر برآورد. سران سازمان زحمتکشان با اختراع "حزب کومه له"، رو به این دوایر میخوانند نشان بدهند که در مقایسه با مجاهدان اسلامی افغان و حتی پ.ک.ک ناسیونالیست افراطی، دست آموزتر و وفادار تر خواهند بود. بنابراین برای خود اینها هم واضح است که نمیتوانند همزمان دو نام با دو کارکرد داشته باشند، یکی "درونی" خطاب به همه جریانات ناسیونالیست کرد در "چهار پارچه" برای مصادره تاریخ کومه له به نام خود و؛ دیگری "بیرونی" و برای تبری از تمام همان تاریخ و پیشینه و سنت سیاسی خطاب به دوایر رژیم چینج و دولتهای مرتجع حاشیه خلیج و راست اپوزیسیون ایران.

استخوان لای گلویشان گیر کرده است، چرا که به دلیل ریشه داشتن کمونیسم در درون "کومه له" در فعالترین دوران حیات سیاسی اش، یعنی از فاصله کنگره دوم کومه له در بهار سال ۱۳۶۰ تا کنگره سوم و تا پیوستن به حزب کمونیست ایران، و سر بلند بیرون آمدن در شکست یورش حزب دمکرات کردستان در یک تقابل نظامی توسط گردانها و پارتیزانهای کمونیست، سرهم بندی کردن یک باند تماما ضد کمونیست و کنترائی، چندان هم ساده نبوده است. نمونه اش اغلب کسانی چون همین شورش خراسانه، و دهها نفر دیگر که پس از مدتی صفوف باندهای زحمتکشان را ترک کرده اند. بسیاری از کسانی که به نحوی از انحاء در تاریخ کومه له بوده اند، حتی علیرغم همخوانی "صادقانه" با بازسازی کذائی یک کومه له تماما کردستانی و "جنبش کردستان"ی، یا تصفیه شدند و یا خود به تدریج کناره گیری کردند. نمونه اش محمد شافعی، بهمن علیار، و □ جدا شدن عده ای دیگر به نام "سازمان زحمتکشان کردستان" (عمر ایلخانی زاده، رضا کعبی و...) و سپس "روند سوسیالیستی کومه له" و جریانات بدون سازمان تحت عنوان "طیف کومه له".

کودتا برای ربودن نام کومه له، به این ترتیب، نه تنها از جانب سرچوخه های "بازسازی سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران" عملا شکست خورد، بلکه نیروهای "اقلیم" که موجودیت اردوگاهی اینها را از هر نظر تامین میکنند، اینها را به عنوان کومه له برسمیت نشناخته و به آنان مشروعیت نداده اند.

منزوی کردن تلاشها برای راه انداختن باندهای ضد کمونیست، باید ادامه یابد. بویژه اینکه هنگامی که شکست همه دسیسه ها و تباری ها برای ظاهر شدن به نام کومه له، با روی آوری به اقدامات تروریستی و توطئه های مافیائی قرار است جبران شود.

کومه له رسمی نباید در برابر تحریک تعلقات ناسیونالیستی، به موضع تدافعی بیافتد و مرعوب شود. جناب مهتدی بر این مساله سرمایه گذاری کرده است که "کرد و کردایه تی" و قومیت گرایی و قوم سازی در سناریوهای سیاه پس از فروپاشی رژیم اسلامی، در بورس است و دولتهائی مثل عربستان سر کیسه را شل کرده اند. یک تقابل صریح با وجه فالانژی ناسیونالیسم کرد، در عین حال تضمینی است که باریکه هائی از سنت های سوسیالیستی کومه له را در برابر انتخاب مردم کردستان قرار دهد.

آیا میتوان رگه سنت ضد ناسیونالیستی در تاریخ کومه له را "بازسازی" کرد؟ تعریف سازمان زحمتکشان به عنوان "خط راست" در "جنبش کردستان"، آوانس دادن به اینهاست. در این صف بندی رفتن به سنگر ناسیونالیسم "چپ" و سوسیالیسم کردی، واگذاری میدان به آنهاست. تنها یک راه سر راست برای بقاء کومه له کمونیست وجود دارد:

"بازسازی" سنتهای ضد ناسیونالیستی در دوران شکوفائی کومه له و در سیر پیشروی این سازمان در تعرض به بنیانهای سوسیالیسم خلقی دوران "سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران". راه میان بُر و بینابینی وجود ندارد. ناسیونالیسم، ناسیونالیسم است. کومه له رسمی در تلاشهای بیهوده برای نمایندگی "گرایش سوسیالیستی در جنبش کردستان" دست را به "زبانندگان" نام کومه له که بدون پسوند و پیشوند و آویزان کردن "وزنه" تفکر و سیاست غیر کردی و "بیگانه"، تماما خود را در چهارچوب تفکر و سیاست "جنبش کردستان شرقی" تعریف و نام "کومه له" را هم به اختراعات خود آویزان کرده اند، خواهد باخت.

آیا کومه له رسمی این اشتها و آمادگی را دارد و یا خود را از یک مصاف جدی بر سر شالوده شکل گیری و فلسفه وجودی خویش، کنار میکشد؟ من هنوز امیدوارم، اما سیر حرکت رهبری کومه له رسمی در تبری از نقش خود در پیوستن به مارکسیسم انقلابی؛ و در مقابل ارائه روایتی ناسیونالیسم پسند و "کردستانی" از عروج خود به عنوان یک سازمان سیاسی کمونیستی، اصلا امیدوار کننده نیست. من هنوز باریکه هائی از امید در وجودم هست که شاید رهبری کومه له از گام نهادن به راهی که سازمان زحمتکشان با پروژه شکست خورده بازسازی کدائی، به این پایان بدفرجام رساند، تجدید نظر کند. با شناختی که از وجنات این رهبری و تا کردن و مدارا با صفوف و بدنه تشکیلات کومه له دارم، این تعمق و بازبینی را بسیار سخت و گاه ناممکن میدانم، اما به باور من هنوز شدنی است، اگر حتی در صورت تداوم بی تفاوتی و لاقیدی رهبری، یک اراده کمونیستی و انقلابی در لایه کادری این جریان قدم پیش بگذارد و برای بدست گرفتن سرنوشت سیاسی کومه له، از خود مایه بگذارد.

۹ ژانویه ۲۰۱۹

iraj.farzad@gmail.com

ماهیت سیاسی سازمان زحمتکشان، رمز جدال بر سر نام "کومه‌له"

منصور حکمت

آیا این جماعت سازمان زحمتکشان نیروئی هستند؟ به نظر من از نظر اجتماعی نه اما از نظر نظامی و سیاسی آری. به نظر من راه انداختن باندهای فالانژ مسلحی که بر نفرت و کاریزمای رهبریش و بر تحریک بنا شده باشد، اصلا کاری ندارد. به ارتش رهائی بخش کوسوو نگاه کنید، به عبدالله اوجالان نگاه کنید، که تازه دارد خیلی اجتماعی تر کار میکند. عبدالله اوجالان پلاتفرمی که دارد در ترکیه نیروی مادی ندارد. جامعه ترکیه نمیداند بالاخره با این پدیده چکار کند. عبدالله اوجالان جوابگوی مسائل نیست اما این واقعیت مانع از آن نمیشود که اوجالان ده سال نیروی زیادی را پس و پیش کند و برود و بیاید. ارتش رهائی بخش کوسوو را اصلا سیا درست کرده است. اما الان نمیدانند در مقدونیه چطور از شرش خلاص شوند.

به نظر من سازمان زحمتکشان میتواند دو هزار، پنج هزار یا شش هزار نفر مسلح را جمع کند و موی دماغ هر آدم متمدنی در جامعه کردستان بشود، شورا تخته کنند، فلان چیز مالیده بگویند، زیر جُلکی با همتای فارسشان در تهران گاوبندی کنند و شرایطی را به مردم کردستان حقه کنند، تروریسم سیاسی و نظامی سازمان بدهند. اینطور نیست که چون از نظر اجتماعی چیزی نمیشوند، چون رهبری ناسیونالیسم گُرد را نمیخواهند بگیرند، چون طبقه کارگر کردستان با آنها نمیروند، در نتیجه محفلی مثل "بروسکه" هستند. نه، اینطور نیست. بنظر من دستکم گرفتن جریان سازمان زحمتکشان اشتباه است. چون آگاهانه میخواهد ناسیونالیسم را به یک سطح فالانژ ارتقا بدهد و میخواهد حزب نفرت علیه چپ درست کند.

حزب دمکرات با ما جنگ هم کرده است اما از روبرو که نگاهش میکنی میبینی که ممکن است در یک چهارچوب سیاسی تابع یک مقرراتی شود و مقررات بازی را قبول کند. اینها این طور نیستند. فالانژیسمی که در این تشکیلات هست خیلی برجسته است. نفرتش از چپ و تحریف تاریخش و بحث‌های اخلاقی-عاطفی که دارد میکند: "اخلاص"، "صداقت". حزب دمکرات ندیده ایم از اخلاص و صداقت و حرف بزند. میگوید موضع من این است. بحث اخلاص، بحث صداقت، بحث خیانت کلماتی است که بدرد پاکسازی قومی میخورند.

در نتیجه ما داریم در اینها "آرکان"ها، "توجمان"ها و "کارادزیچ"های آینده آن مملکت میبینیم. چقدر رشد میکند؟ بستگی دارد به اینکه بقیه ما چطور با آن برخورد میکنیم. به نظر من اگر اینها دارند رشد میکنند به این دلیل است که جریان کومه‌له، مطابق همان ایرادی که به آن میگیرند، نا فعال و خواب آلوده افتاده است.

چون سدّ اول در مقابل آنها کومه‌له است. کومه‌له است که باید هویت اینها را در جامعه نامشروع اعلام کنند. آنها هستند که باید بگویند کسی دور اینها نرود. در صورتی که میدان را داده‌اند دست اینها، و اینها را به حال خود گذاشته‌اند. حتی من و شما نمیتوانیم بفهمیم کدام اعلامیه دفتر نمایندگی کومه‌له مال کی است؟ اخبار کدام یک را میخواند؟ سخنرانی کدام یک از اینها باید برود؟ فلان جشن را کی گرفته؟ چون کومه‌له سرش را کرده زیر برف و فکر میکند "هیچ نیست"، "هیچ نیست"

میگذرد و قضیه شفا پیدا میکند و طرف مضمحل میشود، و طرف هم شروع کرده به عوام فریبانه‌ترین آشکال از اینها نیرو کندن و بازسازی کردن خود. واقعا با عوام فریبانه‌ترین شیوه. از تعریف کردن عده‌ای به اسم "طیف کومه‌له"، کسانی که خودشان در جلسات مختلف درباره عقب ماندگی سیاسی آنها حرف زده‌اند، تا شهید خوری. شروع کرده‌اند شهید شهید کردن و همه را بحساب خودش میگذارد. میخواهد تاریخچه آن سازمان را بخورد، افرادش را بخورد، محبت به آن را بخورد و غیره.

اینها نام خودشان را گذاشته‌اند کومه‌له. این یکی از سرقت‌های بزرگ سیاسی محسوب میشود. کومه‌له اسم تشکلی بود به اسم سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان ایران. این تشکیلات سه کنگره گرفت. کنگره اولش را نه نفر تشکیل دادند و کسانی که در جلسه انجمن مارکس درباره تاریخ شفاهی کومه‌له بودند یادشان هست که چه کنگره‌ای بود. اسنادش را ما داریم اگر بخواهند میتوانیم چاپ کنیم. کنگره دومش به اتحاد مبارزان کمونیست درود میفرستد و میگوید من چپ هستم و پوپولیسم را نقد میکند. کنگره سومش برنامه حزب کمونیست ایران را تصویب میکند و تصمیم میگیرد حزب را تشکیل بدهد. کدام یک از این کنگره‌ها وجود این سازمان را توجیه میکند؟ اینها طرفدار کدام کنگره سازمانیشان هستند؟ از اینها باید پرسید شما طرفدار کدام یک از کنگره‌های سازمان زحمتکشان هستید؟ هیچکدام؟ به چه اجازه‌ای این اسم را روی خودتان گذاشته‌اید؟ میتوانم من جگرکی بالای مغازه‌ام یک M بنویسم و بگویم این مک دونالد است؟! بالاخره حساب و کتاب و قانونی وجود دارد. سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان توسط کنگره هایش و نمایندگان و رهبران منتخب قانونیش به یک حزب پیوست. تازه در این مورد فراندم هم کرد و شما رأی نیاوردید. همه، از جمله خود شما، در آن حزب عضو شدند. مثل این است رفیقی که ما قبلا میشناختیم برود سرخود اتحاد مبارزان کمونیست را تشکیل بدهد. این سازمان معلوم است چه شد. از اینجا به آنجا رفت. نمیتوانی اسم خودت را داروین بگذاری و باقی تئوریش را بگوئی یا آرم کس دیگری را برداری، دست تو نیست. سازمان انقلابی زحمتکشان به حزب کمونیست ایران پیوست، قانونا، با پای خودشان و با رأی خودشان و مطابق پروسه‌های قانونی خودشان. این بالا کشیدن یک سازمان است. قبول داشتم اگر میگفتی که من ایده‌های آن سازمان را قبول دارم. اما ایده‌هایش را هم که قبول نداری. آن سازمان "از کنگره یک تا کنگره دو"، نوشته شعیب زکریائی، سند هویتی اش است و پوپولیسم رانقد کرده، گفته باید حزب تشکیل شود، به من ایراد گرفته چرا اکونومیستی مخالف تشکیل حزب هستیم... بنابراین معلوم است که فقط اسمش را میخواهند.

چرا اسمش را میخواهند؟ چون اگر فردا روزنامه کیهان بنویسد که سه تن به اسامی بابامیری، ایلخانی زاده و مهتدی سازمان دیگری تشکیل دادند، همه میگویند خوب که چی؟ چکار کنیم؟ مگر طاهر خالدی تشکیل نداده؟ مگر صد نفر دیگر از کومه‌له چیزهای دیگری را تشکیل نداده‌اند؟ طرف اسمش را میخواهد و رسماً در روز روشن سرقت مسلحانه میکند. اسم را میخواهد چون خودش کسی نیست. وگرنه چه سنتی را میخواهید بیدار کنید؟ به کدام سنت این کومه‌له دارید دست میبرید و از آن دفاع میکنید؟ دارد میگوید معروف کیلانه حق داشت، دارد میگوید جلال طالبانی حق داشت، دارد میگوید ماموستا شیخ عزالدین حق داشت، بعد بخودش میگوید کومه‌له. دارد به کومه‌له فحش میدهد اما میگوید من کومه‌له‌ام. کومه‌له نگفت جلال طالبانی حق داشت. کومه‌له نگفت معروف کیلانه حق داشت، کومه‌له وقتی زنده بود و آدمهایش کشته نشده بودند، که

الان نتوانند شهادت بدهند، اینها را نگفت. یک عده زیادی از چیزی که شما دارید خودتان را به آن میچسبانید رفته به اسم سوسیالیسم کشته شده و گفته است زنده با حزب کمونیست ایران! این دزدی است. و جالب است که کومه‌له نشسته است و میگوید اسم مهم نیست محتوایشان را باید نقد کرد!

اسم مهم نیست چیست؟ دارد بزرگترین هدیه تولدش را به او میدهد و میگوید بفرما اسم را هم میخواهی ببر و هر چقدر میخواهی با آن عوامفریبی کن. هر چقدر کسی معتقد باشد که اسم کومه‌له اسم معتبر و مهمی است، به همان درجه باید از کاری که اینها کرده‌اند منجز باشد، چه برسد به اینکه هنوز اسم خودش کومه‌له باشد. این دادن حربه به یک عده آدم ناسیونالیست است که فردا به اسم سازمانی که نقطه درخشانی در تاریخ چپ جامعه بوده، پاکسازی قومی سازمان بدهد، ملیت ما را در شناسنامه‌هایمان بنویسد، نفرت از چپ را دامن بزند، و در مدارس مزخرفات درس بدهد. تاریخی که از آن حرف میزند را که داریم میبینیم. میخواهد این را بنویسد و در درس تاریخ مدارس تدریس کند. داریم به چیزی نگاه میکنیم که فردا قرار است ارتش آزادیبخش کوسوو باشد. و میخواهد این کار را به اسم کومه‌له انجام دهد. مثل این است که ارتش آزادیبخش کوسوو اسم خودش را بگذارد حزب بلشویک. به نظر من این پروسه که ما در مقابل این جریان ایستاده‌ایم نه اهالی محل، که دقیقا خواب آلودگیشان آن چیزی بوده که ما بخاطر آن ترکشان کردیم، خجالت آور است. دقیقا بی تفاوتیشان به سیاست، به طبقات، به ایدئولوژی، به تئوری و به آرمانهای اجتماعی و سیاسی چیزی بود که ما گفتیم دیگر نمیتوانیم تحمل کنیم و آنها را ترک کردیم. این همان پدیده است که دارد به یک عده یک مائده آسمانی میدهد که در حالی که در غیاب این اسم یازده نفر را هم نمیتوانند دور خودشان جمع کنند، بروند کاسه بچرخانند و نیرو جمع کنند. دروغ بگویند و نیرو جمع کنند. و ما میدانیم اینها چرا نیرو جمع میکنند. ناسیونالیسم گُرد را دارند در یک سازمان فالانژ متشکل میکنند. جای تأسف است که کسانی که دیروز رفیق ما بودند و چپ بودند رهبر این ماجرا شده‌اند. اما این قبلا هم پیش آمده است و چیز عجیبی نیست. بعضی برای اینکه رهبر شوند حاضرند هر جایی بروند. نتوانست رهبر کومه‌له بشود، رهبر سازمان خودش شده. به هر حال باید این را در نظر بگیریم که اینها یک جریان فالانژ هستند و حقانیتی در مورد نام کومه‌له ندارند.

بخش کوردی

له قاودانی پیلانی تروری ره حمان حسین زاده و هاوریکانی

مه تنی پیاده کراوی قسه کانی شورش خوراسانه له برنامہ ی زیندوی ۷ دسامبری ۲۰۱۸

تیکستی من نه وه نه بو... له وانه رووی داوه. نه من بو خوم شاهد بووم. به لام تیکستکه له سه ر شتیکی دیکه بوو که مه ئمووریه تیکیان به من دا، نه من وه کوو پیشمه رگه ی کومه له بچم ره حمانی حسین پناه [حسین زاده] تیروور بکه م... به راستی نه مانده ناسی... له گه ل یه ک - دوو براده ر و ره فیککی دیکه ی که به راستی له یادم نه ماون. کاک بارامی ره زایی... دیاره نه مده ویست باسی بکه م، به لام که ئیشاره ت به وه کرد پیم باشه نه وه ی که نووسیم باسی بکه م. نه من به رپرسی نیزامی مه قه ری چوار بووم. کاک بارامی ره زایی بانگی کردم که تو کوریککی ئازای... به هه ر حال ئیمه ته سمیمان گرتوو که نه تو مه ئمووریه تیکت پی بدری. نه منیش زور خوشحال بووم. پیشتریش زور مه ئمووریه ت چوووم بو ئیران... به هه رحال بو روژهه لاتی کوردستان. ئیتر زور خوشحال بووم. به لام گوتی نه م مه ئمووریه تی ئیستا جیاوازه ... ده فته ری... له پرسگه ی سیاسی مه قه ری شار رووبه رووی حیزبی کومونیست. ده ره وه ی ئاوینه بوو... جوان جوان ل بیرمه.. ده رگایه کی ته خته بوو. دوو به دوو دانیشتین. گوتی بریاره ... قه راره .. مه ئمووریه تیکمان پی داوی که له گه ل چه ند پیشمه رگه بیگ نه تو به رپرسی نه وه بیت.. چه ک و چول و هه موو شتیکی له ئیختیارت بنین و به هه ر حال مه ئمووریه تیکمان پی داوی... وتم زور خوشحالم... نه دی باسی کرد .. مه ئمووریه ته که چیه؟ وتی له سلیمانی سی- چوار که س قسه به کاک عه بدولا نه لین و جنیومان پی نه ده ن... به هه ر حال زیاتر قسه که ی له سه ر نه وه بوو که جنیو به کاک عه بدولای مهتدی نه ده ن. نه دی نه وا گوتم شایه د مه قه ری جمهوری ئیسلامی بیت یان نه و شتانه ی که له وی بوون. گوتم کین؟ گوتی سی - چوار دانه ن. یه کیان ناوی ره حمانی حسین پناه [حسین زاده].. به شه ره فم نه مده ناسی... (به ریوه به ری به رنامه نه رپرسی؟ + حه سه نی ره حمان په نا به ناوی کا حه سه ن خه یر... ده فته ری سیاسی...؟) - نا... ره حمانی حسین پناه [حسین زاده] پیم وایه... ئیستا ناسیوومه ... نه خیره ن قسه یشم له گه ل کرد. گوتم شایه د نه گه ر روژیک مردم یان شتیکی ناوا... شتیکی رووی دا... به هه ر حال، شتیکی رووی داوه و بو شتیکی میژوویی... + نه ها ... به لی... به لی.. نه وه ی ره حمانی حسن زاده [حسین زاده] - گوتی نه وه ده بی تیرووری بکه ن. تیرووری بکه ن... به هه ر حال جنیو ده ده ن... به هه ر حال ل مه قه ریکدان ... مالیکیان گرتوو... به راستی که نه وه ی گوت، ئیستاش که بییری ده که وه ته واوی گیانم ده له رزی... یعنی بچی که سیکی حیزبیککی دیکه ی کوردی تیروور بکه ی! مه ئمووریه تی حیزبیک که به دلخوشیه وه شورشت بو کردوه.. خوت بو دانابی... ئیستا پیت بلین بچو نه ندامی حیزبیککی دیکه ی کوردی روژهه لات ... به هه ر حال گوتم، ناخر چون شتی وا ده بی؟ کاک بارام.. به راستی نه مه سیاسه تی کومه له یه؟! که وام گوت، یه کسه ر زانی نه وه خه ریکم شتی دیکه... ئیتر هه لبه زیه وه و گوتی پیشمه رگه ی کومه له ترسه نوکن... ده مزانی ئیوه... تیروور... به هه ر حال ده بی کارتان له سه ر بگری... زور له و قسانه... خوی زور تووره کردبوو... نه وانه... گوتم باشه کاک بارام ئیستا چه ند نیروم بو داده له روژهه لاتی کوردستان. نه و ناوانه م پی بلی ئیستا ده رومه وه.. من بو خوم ده یانناسم.. به لام چون ئیستا بروم له

سلیمانی نه ندایم حیضیکی.... دروسته... به لام نه وان دژی جمهوری ئیسلامین. ئاختر من بو نه و کاره بکه م؟! به هه ر حال گوتم نه وه بریاری کومه له یه یان بریاری خوته؟ کاک بارام گوتی، نه خیر! من چون له خومه وه شتی وا نه لیم! بریاری ده فته ری سیاسیه. گوتم پیم خوشه بزانه ده فته ری سیاسی چی نه لین... دوو روژی خایاند. له لایه ن کاک ره زا که عیبی بانگ کرام بو کومیتته ی چی... نه و ده م کومیتته ی چی بوون.. کاک ره زا بانگی کردم. بی نه وه ی من هیچ شتیک بلیم... کاک سه باح ماموخیشی له لا بوو. نه وه له که یان زور قسه ی له که ل نه کردم. زور به پیکه نین و مه سخه ره ... یه عنی من هه ر له وی نیم.. هه ر به شه ر نیم! زور قسه له م لا و له و لا و نه وانه.... گوتی شورش وادیاره تو نه و مه ئمووریه ته ت نه نجام نه داوه. به هه ر حال ته سمیمیکی خراپت گرت بی قسه ی بارامت کردوه... به لام نه وه بریاری ده فته ری سیاسیه. ده فته ری سیاسی له سه ره وه + یه عنی کاک ره زای که عیبی...؟ سالی چه ند، سالی چه ند بوو؟ - ۲۰۰۴ یان ۲۰۰۵. ده قیق نازانه ۲۰۰۴ یان ۲۰۰۵. به شه رافه تم قه سه م، به گوری شه هیدان نه وه ی که ده یلیم عه یینی واقعیتته... کاک ره زای که عیبی ل کومیتته ی چی به منی گوت.... بویه نه لیم با دوو روژی دیکه خه لکی دیکه نه چن خه لک بکوژن. دوو روژی دیکه که س نه بی به کویلله یان. یه عنی نه ویرن هیچ شتیک بلین. به خه لکی دیکه شیان نه و کارانه کردوه.... گوتی کاک ره زا... به هه ر حال نه وه بریاری ده فته ری سیاسیه له سه ره وه. ئیتر که وای گوت، هیچم پی نه ما و هاتمه ده ره وه... گوتی بریاری ده فته ری سیاسیه. من دوا ی نه وه شوینی که وتم. گوتم کاک فاروقی بابا میری دوا ی حه فته بیک بانگی کردم. به ماشین ل مه قه ری شار.... هاتن بو مه قه ری شار بو شوینم. چوومه کومیتته ی ناوه ندی. کاک فاروق، ئیحساسم کرد شتیک پییه. به بی نه وه ی من عه قلم پی شکا بی. به لام نه وه نده ی من بزانه نه و ناگاداری شته که نه بوو... به راستی... چون زور به تامه زرو و زور به ناراحه تی گوپی له قسه کانم گرت. شته کانی پی دوویات نه کردمه وه. گوتی نه وه ی که بیستوته... تکات لی نه که م نه وه م بو بگیریه وه... ئیتر نه وه ی بو گوگرانی نه لیم ره حمانی حسین پناه] حسین زاده] له که ل دوو ره فیقی دیکه ی که نه و ده م سالی ۲۰۰۵ مه قه ریان له شاری سلیمانی بوو، تیورر بکه م. به شه رافه تم قه سه م ئیستاش که بیری لی ده که مه وه ته وای گیانم ده له رزی. شه رم له خوم ده که م. له حیضیکدا بم. نه وه موو پیشمه رگه ی تازه له ناوچه گه رابوومه وه ... ئیستاش مه ئمووریه تیان پی داوم.... من نه و کاره م کردبا، ئیستا ره نجی بیست و سی ساله ی من چی ده بوو؟ چی جوابی بنه ماله ی نه و ئینسانه بده مه وه ؟ نه که ره عه قلم پی نه شکابا، بلیم کاک بارام من نه وه ناکه م.... باشه به چاوان مه ئمووریه تی دیکه..... کاک شورش، زور سوپاس بو نه و میژووویه ی تا ئیستا نه مانزانی.....

پیلانی تیرۆری حکمه تیسته کان، ته نیا پلانی تیرۆری به پرنز رحمان حسه بنزاده نه بوو. پلانی تیرۆری به پرنز ساله ح سهرداری و حه مە ی راستی زۆر جیدیتەر بوو. ئەو پلانه تا راده ی جیبه جی کردنی پلانه که چوه پیش. به خو شییوه چه ند رۆژ بهر له جیبه جی کردنی، پلانه که لهو چوو.

پلانه کهش به مشیوه بوو،

که سینگ به ناوی ریبوار شیروانی به پلان نزیك کرایه وه لهو به پرنزانه که به شیوه ی نیو مه خفی و نیوه عه له نی له ناوشاری سلیمانی مالیکیان به کری گرتوو و هات و چوی ده کردن. هه موو ناماده کارییان لهو ریگایه وه کرابوون. به خو شییوه لهو چوو.

حیزی کۆمۆنیست و کۆمۆنیسمی کریکاری چییان دهوی؟

هیرش و په لاماره هاوبه شه کانی ئەم دوایانه ی چه ند ئەندامیکی حیزی کۆمۆنیستی ئیران و کۆمۆنیسمی کریکاری دژی کۆمه له و خه باتی خه لکی کوردستان، چیرۆکی دهر د و نازاریکی هاوبه شی حیزبه کانیانه. نازاریک که دووانه ی هه رگیز دانه بر وایانه. له گه له دایکبوونیان یه خه ی پنگرتوون و به درێژی بوونیان له گه لیان ده بیت.

لیره دا باس له ئیدئۆلۆژییه کی تایبته و دیاریکراو نیه. ئەم نووسینه کورته هه لسه نگاندنی بیر و باوه ره چه پ و ئینسانیه کۆمۆنیستیه کان نیه. به لکه مه به ست دوو به ره مه ی نار ه سه نه که له داوینی ریک خراو یکی به ته وایی کوردستانی (کۆمه له) له دایک بوون و دواتریش به هه موو توانایانه وه، هه ولی ده سته به سردا گرتن و له کۆتاییشدا تواندنه وویان دا.

کێ بوون و چی بوون، پرساریکی تا ئیستاش وولامنه دراوه یه. واتا کیشه یه کی ماهیه تی و هه ویه تی. سهر کردایه تی ئەمدوو دیارده یه، تا ئیستا به ده یانجار هه ولی سه ره له نوی "خۆته عریف کردنه وویان" داوه به لام جگه له جیایی و لیکدا بران ده سکه و تیکیان نه بووه. سێ ده یه هه ولی بیسوودیان بۆ خۆدۆزینه وه و سه ره له نوی خۆ ته عریف کردنه وه، به شی هه ره کاریگه ری هیری چه پی ئیران و کوردستانی په ره م پارچه کرد. ئەم دوو په وته نه ک هه ر له گه له ئەو باله ی کۆمه له که سالی ۲۰۰۰ لییان جیا بووه کیشه و گرفتی جیددیان هه یه، به لکه ته نانه ت به هه موو توانایانه وه دژایه تی ئەو باله ش له کۆمه له ده که ن که ئیستاش له گه لیان ماوه. (مه به ست کۆمه له ریک خراوی کوردستانی حکا یه). تیری ئەوان روو له بنه ماله گه و ره که ی کۆمه له به تایه به تی و خه باتی رزگاریخوازانه ی گه لی کورد له کوردستان به گشتیه.

حیزی کۆمۆنیستی ئیران قهیراتیکی قولی ناوخیی یه خه ی پیگرتوه و ساله هایه نهیتوانیوه رپی دهر بازبوون بدۆزیته وه . ئیستاش نهو به شه له کۆمه له که له گه لیدا ماوه ته وه ، خه ریکی خۆساغکردنه وه و خۆده ر بازکردن له و باره قورسه یه که نیری که ی ۳۷ ساله پشتی چه مانده ته وه . ره وتی کۆمۆنیزمی کرێکاری پاش پارچه پارچه بوونی ، جگه له ناوی شه ریفی شتیکی دیکه ی لینه ما بوو که له م سالانه ی دواییدا خه ریک بوو نه ویش له بیر ده کرا . هه ر بۆیه ، چه ند قسه و باسیکی نه ندامتیکی پیشووی کۆمه له (به رپز شۆرش بایاب / خوراسانه) ، بووه دهر بجه ی هیوایه ک بۆ خۆمه تره ح کردنه وه و دهر خسته وه ی ناویان له ناو ناوان . وه ک که سیک که له کاتی خنکاندا په لاماری هه موو پووش و په لاشیکی سه رئاو ده دات بۆ رزگار بوونی ، نه وانیش نه م هه له یان قواسته وه و نه م چه ند رسته یه ی کاک شۆرشیان له بووه به له می رزگاری و کردیانه کراسه که ی عوسمان و وه ک بیانویه ک بۆ وه ده نگه اتن .

من دلنیام نه حیزی کۆمۆنیست و به تایبه ت (به رپز سه لاح مازوجی و هاویریانی) ده توانن له م ناوه لیله ماسیه ک بگرن و نه دیارده ی کۆمۆنیزمی کرێکاریش ده توانیت کوانووی بیخه لووزی ماله ویرانه که ی خۆی پین گه رم کاته وه .

به لام با وای دابنن که لانی که م به شیک له قسه کانی کاک شۆرش خوراسانه راستن ، و نه وسه رده م وه ها بیرۆ که یه ک له ئارادا بووه ، باشه چه ند پرسیار دپته گۆری :

باشه کۆمه له که به درپژایی میژووی خه باتی خۆی به ده یان جار ده یان و سه دان خایین و خۆفرۆشی له قوولایی خاکی کوردستان و له ژیر هه ل و مه رچی به ته واوی نه منیه تی و میلیتاریزه کراودا سزا داوه ، چۆنه که نهیتوانی نه م بیرۆ که یه به کرده وه دهر بیته ت ؟ له وانیه بلین کاک شۆرش خوراسانه ملی بۆ نه و پیته سپه رداوه که ج نه کرده و نکۆلی له به رپوه بردنی کرده . باشه که وایه ، ئایا شۆرش خوراسانه ته نیا که سی ناو نه و رپکخراوه پان و به رینه بوو که دهیتوانی کاری له و چه شنه بکات ؟ ئایا کۆمه له له و په ری ده سه لات و توانای خۆیدا ، هیچ که س و ئامراز و ئیمکانیکی نه بوو که نه مجۆره کارانه به نه نجام بگه یه نیت ؟ به راستی هه ر عه قلیکی سه لیم و هه ر وپژداتیکی ووشیار و دادپه روه و وولامی نه م پرسیاره ده زانیت . به له ئی میکانی هه بوو . نه ی بۆ نه کرا ؟ بۆ به درپژایی چوار ده یه خه بات و تیکۆشان ، کۆمه له ته نانه ت بۆ یه کجاریش هه ولی تیرۆری نه یارانی سیاسی خۆی نه داوه ؟ بۆ تاقه یه ک که سیش به توانی جیاوازی بیرو باوه ر به دهستی کۆمه له نه کوژراوه ؟

وولامی نه مه ش دیاره . نه مجۆره کرده وانه له گه ل بیر و باوه ر و پرئسیبه کانی کۆمه له ناکوکن .

نه وه که چه ند که سیک پوانخواز سه رکرده تی کۆمه له ی به دهسته وه بووه و له کاتی کیشه فیکری و سیاسیه ناوخییه کاندا پالیان به خه لکه وه ناوه و به تاک و کو خه لکیان دهر کرده ، جی نکۆلی نییه و من خۆم شاهیدی نه م دیارده یه بووم و خۆم به چه ند جار یک که وتومه ته به ر په لاماری نه م پوانخوازیه . به لام هیچکام له مانه ناتوانیت به لگه بن بۆ نه وه ی کۆمه له به هه موو باله کانیه وه ، رۆژیک له رۆژان پلانی کوشتن و تیرۆری هاوسه نگه رانی پیشوو یان نه یاره فیکری و ئیدئۆلۆژیکه کانی خۆی له سه ردا بوویت .

نه م تیره تان له به ردی دا . به م جۆره هات و هاوار و داد و فیغانه ، نه ده توانن چاره سه ری قهیرانه کانی ناو خۆتان بکه ن و نه له ناو خه لکی کوردستان ده توانن جینگه و پینگه ی کۆمه له ی چه پ و به رابه ریخواز که بۆ رزگاری خه لکی کوردستان خه بات ده کات ،

لهق بکهن . تهنیا نهنجام و دستکتهوتی ئەمجۆره ههولانه ، ئاو له ناشی رژیمی ئیسلامیی ئێران کردن و بریندارکردنی ههست و شعور و هیواکانی خه‌لکی کوردستانه .

باشتر وایه بیر له چاره‌سه‌رییه کی دیکه بکه‌نه‌وه .

عه‌لیزه‌زا قادری

۰۲.۰۱.۲۰۱۹

بختیار بلوری

۳۱.۱۲.۲۰۱۸

پلانی چهوتی هیندیک ئینسانی نامه‌ستول و دروزن دژ به هاوری و رابه‌ری بزوتنه‌وه‌ی خه‌لکی کوردستان مه‌حکۆم ده‌که‌م

له لایفیکی مندا کاک شورش خۆراسانه بی به‌لگه‌ ناوی کاک ره‌زا که‌عبی دینی که به‌نامه‌ی تیروری که‌سیک به ناوی ره‌حمان حوسینه‌نای دابی!

کاک شورش به هوی ئەوه‌ی له لایهن که‌سیک فیر کرابوو ناوبانگی خۆشه‌ویستی کاک ره‌زا خه‌وشه‌دار بکا نه‌یده‌زانی ناوی راسته‌قینه‌ی ته‌ره‌ف ره‌حمان حوسینه‌زاده!

کاتیک لیم پرسی سالی چه‌ند وه‌تی سالی ۲۰۰۴ یان ۲۰۰۵، نه‌شیده‌زانی کام فه‌سل یان مانگ بو!

پاش چه‌ند جار پیوه‌ندی شه‌خسیم له مه‌سنجر بوم ده‌رکه‌وت که ئەو قسانه‌ی شورش ئەسلو ئەساسی نییه‌ داستانه‌که‌ی به نادورستی دوپات ده‌کرده‌وه .

پیم وت با له مه‌سنجیری گروپی قسان بکه‌ین با کاک ره‌زا یان کاک به‌ه‌رام ره‌فیکانه قسه‌ت له‌گه‌ل بکه‌ن ، ئەوه‌ل جار موافقه‌تی کرد به‌لام له پیوه‌ندی دووه‌م دا رازی نه‌بو قسه‌یان له‌گه‌ل بکا .

بۆرای گشتی کاک ره‌زا له ناوه‌راستی سالی ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۵ له ده‌ره‌وه‌ی کوردستان بو و له کوردستان هیچ ئەرکیکی ته‌شکیلاتی نه‌بو .

کاک شورش به هوی ئەوه‌ی پیوه‌ندی پته‌وی هه‌یه له‌گه‌ل کاک فاروقی بابامیری و کاک عه‌بدوولا مؤهته‌دی ئەو به‌رچه‌سپه‌ دروینه‌یان لیدا تا کاک ره‌زا له کۆنگره‌ی داهاتوو دا نه‌بیته ره‌قیبی سیاسی کاک عه‌بدوولا له ناو کۆمه‌له‌ی زه‌حمته‌کیشان ده‌ژ به‌ حیزبی کۆمه‌له‌ی موهته‌دی .

ئەو ئىدعايەى شورش خوراسانە بە نىسبەت كاك رەزا پلانېكى چەوت و دژە ئىنسانى دادەنېم، مەن وەك خۆم دژى ھەر چەشەنە تېرور و ھېرشىكەم بىكرىتە سەر ھەر تاكىكى كۆمەلگەى كوردستان، لە ھەمان كات دژى ھەر تېرورېكى شەخسىم كە بىكرىتە سەر تېكۆشەرىكى كورد.

كاك شورش تېرورى شەخسى كاك رەزا كەعبى دە كا مەن وەك خۆم داواى لېبوردن لە كاك رەزا دە كەم كە بەداخەوە رېگام دا بە ئىنسانىكى دروزن كە ئىستا روى راستى خۆى بە بەلگە بو مەن دەر كەوت تا لە شورشگىرى تۆى تېكۆشەر كەم كاتەوە.

بۆيە لە سەرى سالى تازە مەن رادە گىنەم ھېچ ھاودەنېگىم لە گەل كەسانى دەروزن، ھىكەمەتېستە بى مۇرالە كان نېيە. بۆيە پروژەى نوسىنى قانۇنى وەلات بو مەن زىاتەر ئامانجە تا ماندو بۆن بە كەسىك كە بى بەلگە بىانھەوى مېژوى پر لە سەرورى كاك رەزا و بىنەمالەى تېكۆشەرى خەوشەدار بىكەن.

ھىزبى كەمۇنىستى ئىران لە سەنگەرى كەمۇنىزمى كرىكارى و ھىكەمىست دا

كەمال بىلورى

۱.۱.۲۰۱۹

چەند ھەفتەبە ك دەبى كە لە يەكك لە لاىوہە كانى كاك بەختىارى بىلورىدا شورشى خوراسانە يا باياب زارە كى كۆمەلىك شتى لە رابردوى تېكۆشانى خوى باس كەردووە كە باسىكى لە سەر پلانې ھەزفى فېزىكى يەك دو كادىرى سوتاوى رەوتى كەمۇنىزمى نا كرىكارى ھاوېشتوتە ناو دونىاي مەجازى و ھەلا و پەلقاژەبە كى زورى لە سەر ساز بوو و بە تايبەت لاينە لەت و پەتە كانى كەمۇنىزمى نا كرىكارى دەلى لوتوپان بو دەرچوو و لە بوق و كەرەنايان داو و بونەتە داكوكى كارى ماڤى مروڤ و تەنەنت تېكۆشانى كرىكارانى ھەوتەپەشيان لە بىر چوتەو، ھەر چەند شورش بە ئەو كارەى خزمەتېكى زورى بە ئەو رەوتە مردوو كەرد كە ئە گەر ھېچ نەبى ھەناسەبە كى تازە ھەلوشن لە سەر ھىسابى خەباتى شورشگىرانە خەلكى كوردوستان ، تەنەنت ئە گەر وەك ھەمىشە پېشىدا بىرشىنەو، ھەر چەند دەبى ئەو بىم ھەر بىانوبەك لە بوارى سىياسى و مەدەنى بو ھەزفى فېزىكى تاكە كان لە گورەپانى سىياسى و مەدەنى كوردوستان بە نارەوا دەزانم و مەحكومى دە كەم لە ھەمان كات دا لىكولېنەو و بەدوداچون و پىشت راست كەردنەو ھى گىرانەو ھەبە كى زارە كى بە پەبوىست دەزانم و لە گەل ئەو داخوازېم .

بەلام ئەو ھى جىگەى سەر سورمانە ھەلوىستى كاك سەلاھى مازوجى ئەندامى كۆمىتەى ئىجراىى ھىزبى كەمۇنىستى ئىرانە كە بە پەلە پروژە بىاننامەبە كى بلاو كەردووە و بە تەواوى لە سەنگەرى رەوتە روخاوە كانى لەت و پەتە كۆمۇنىزمى نا كرىكارى كەوتە دژاھەتتى ناسونالېزم و ھەر ئەو شتەنەى كە لە بىانېبەى ئەو برادەرانە لە دەورى دەخولېتەو، ديار بوو پېشتەر لە گەل يەك قسەيان كەردووە و ھەماھەنگى تەواوپان ھەبوو لە گەل لەت و پەتە كانى كۆمۇنىزمى نا كرىكارى ، بەلام جىگەى سەر سورمان ئەو بوو

بو دهی ئەندامی کۆمیتەیی ئیجرائی حیزبی کۆمونیست بە ناوی خۆی هەلویستیکێ ئاوه‌ها بگری له کاتی کدا دەبیرخانە حیزبە کەیی راگەیاندنیکی لوژیک و ریک و پیکێ له ئەو بارەدا بلاو کردوتەوه ، من له جیگەیه‌کی دیکەش باسم کردوو که ئەو ئارایش و سه‌فه‌ندییه له ناو ریزه‌کانی حیزبی کۆمونیستدا ریک ره‌نگدان‌ه‌وه‌ی راستیکانی ناو ئەو حیزبەیه و کاک سه‌لاحی مازوچی تهر‌ف‌داره‌کانی له ماوه‌ی یه‌ک سالی رابردودا هه‌مو ته‌لاشیان ئەوه بووه که ئەو هیزه مردوو‌یه‌ی له‌ت و په‌ته‌کانی کۆمونیزمی نا‌کریکاری زیندو که‌نه‌وه و بیان که‌ن به پالپشتی خویان بو کوشار خستنه‌ سه‌ر هیزی به‌راه‌ریان که له لایه‌ن کاک سه‌ید برام عه‌لیزاده‌وه ریه‌ری ده‌کرین ، هه‌ر زور زوش ئاسه‌واره‌کانی ده‌ر که‌وت و ئەندامانی ئەو حیزبە یه‌ک یه‌ک و دو دو خه‌ریکی به‌یانیه‌ دانن ، به‌ تابه‌ت کاک ئەرده‌شیر نه‌سرولله به‌یگی و فه‌رشید شوکری که خویان له گه‌ل بالی کاک سه‌لاحی مازوچی نیزیک ده‌زانن ، ئەو بی ده‌ر و په‌یکه‌رییه له کاری حیزبیدا نیشانه قولایی نا‌کوکیکانه و ویده‌چی دو گه‌رایشی جیاوازی فیکری ئیتر نه‌توانن له قالییکدا بحاوینه‌وه ، ئەگه‌ر روژیک کاک سه‌لاح و هاوریکانی به‌ یه‌که‌جاری ئەو حیزبە به‌جی هیلن و بچنه ناو حکمیتیه‌سه‌کان ده‌یان کادیر و پیشمه‌رگه‌ی جارانی کومه‌له‌ خویان ساز کردوو په‌یوه‌ست بنه‌وه به‌ مالی باوکیان، ده‌ی ده‌خیلتان بم بحولین

پوونکردنه‌وه‌یه‌کی کورت:

مه‌لۆتکه‌ی سیاسی

هه‌ندی که‌یس حوقوقین و به‌ لیکدان‌ه‌وی سیاسی روون نا‌کرینه‌وه. مه‌به‌ستی دا‌کۆکی له هه‌یج تاکیکم نییه، به‌لام ئەو سه‌رده‌مانه‌ی باسی ده‌کرێ که گۆیا ده‌فته‌ری سیاسی و سیاسه‌تی کۆمه‌له‌ی شو‌رشگه‌یر ئەوه بووه فلان و فیساره که‌س تیرۆر بکات درۆیه‌کی شاخدار و مه‌لۆتکه‌ی سیاسی چه‌ندین سه‌له‌ی ره‌وتی "مه‌جازیی" ناو‌زراوی کۆمونیزمی نا‌کریکاری و ئیستای شاخه‌ی مازوچی ناو حکایه. ئەو کات "قحط الرجال" نه‌بوو. کۆمه‌له‌ ئەوه‌نده‌ی مرۆفی پاک، شه‌رافه‌تمه‌ند، قالمبوی خه‌سه‌له‌ت و رێبازی کۆمه‌له‌ تیدا بوو که ئەگه‌ر که‌سیکی لاپه‌ره‌سه‌نیش وه‌ک تاک له‌ میشکی خۆیدا بیری له‌وه کردبێته‌وه، جه‌ربه‌زه‌ی ئەوه‌ی نه‌بیت له‌ناو کۆرو کۆبوونه‌دا بیه‌نیته‌ سه‌ر زار، چ بگات به‌وه‌ی بیه‌ته‌ سیاسه‌تی د.س. گومان له‌وه‌دا نییه ئەمه‌ بریار و سیاسه‌ت و بیر و کرده‌وه‌ی رێبه‌ری نه‌بووه. له‌ یه‌ک/دوو سالی رابردودا نا‌گایانه هه‌ندی کرده‌وه‌ی هاوبه‌شی ئەو دوو ره‌وته وه‌ک بلاو کردنه‌وه‌ی به‌لگه‌ی ده‌نگی ناو کۆنگره‌کانی ۳۵ سال له‌وه‌ پیشی کۆمه‌له‌ و هتاد بۆ مه‌به‌ستی دیاریکراوی خۆیان ده‌بینین و سه‌ره‌نجام زستان ده‌روات و روو ره‌شی بۆ خه‌لوز ده‌مینیته‌وه.

ئەو که‌سانه‌ش وه‌ک تاک ناویان هاتوو په‌یوسته و مافی خۆیانه وه‌لام بده‌نه‌وه!

هدایت قادری

۲۹/۱۲/۲۰۱۸

ارسطو گله داری

۱.۱.۲۰۱۹

پروون کردنه وهیه کی پیویست سه بارهت به ههولئی ترۆری کاک مهحمودی باوه ریز و من له لایهن سازمانی زهحمه تکیشانه وه

ئه وه نده ی ناگادارین له سه ر فه یسوک بابه تیک له سه ر بیر کردنه وه و هه لویست و بریاره کانی سازمانی زه حمه تکیشانی کوردستانی ئیران له مه ر موخالفینی خوی و بریاری له ناو برنیان هاتوته ئارا که له چه ند شوین ناوی من هاتوه که سازمانی ناوبراو و به دیاری کراو له لایه ن مسئولیکی سه ره وه یان، ویستویانه که من له ناو به رن .

ئه وه نده ی به حیزبی زه حمه تکیشانی کوردستانی ئیران و له مانگ و سالانی جیا بونه وه یان له کۆمهله ده گه رینه وه، ئه وان واته موشه خه سه ن سه رانی ئه و پلانه ویستیان ئه وه بو و هه یه که به ناوی کومه له وه سه ری کومه له ی کومونیست، بکه نه ژیر ئاوه و دیاره نیانتوانی و ناتوانن له باری سیاسی و کۆمهلهیه تیه وه بیبه نه سه ر.

هه ر له و سالانه به چه ندین جار هه ولیان دا و به عه مه لیاتی ئیزائی هیرشیان ده کرده سه ر مه قه ری کۆمهله و له مه قه ری شار هاوری ئیقبال به رخیان کاتیک که له به ر مه قه ری ئه وان ده رویشت، گرتیان و به زۆر خستیانه ناو مقه ره که ی خۆپانه وه و کوته ک کاریان کرد.

له م ده ورانه پر له ئالوزیه دا منیان وه ک مهسئول نزامی له مه قه ری شار سازمان دا.

هه ر ئه و ده ورانه که سانیک که ده هاتن به ریزه کانی کۆمهله - سازمانی کوردستانی حیزبی کمونیست ئیران په یوه ست بن به درۆ و فیل دهیانبرده لای خویان، چونکه مه قه ره که یان له سه ر وه و له سه ر ریگی که سانیک بو که ده یانویست بین بو لای ئیمه

ئه و ده ورانه ویرای هاوریانی دیکه، به رانه ر به بی حورمه تی و هه ر جوهره زور وتیان راوستاین... بویه رقیان زیاتر به رانه ر به من دروست بو. به چه شنیک که به گه واهی هاوریان له و ده وره دا تا ده هات وه زعه که ئارامتر ده بو. ده کریت بلیم به به ر په ر چدانه وه ی زور ویزیان چی دی نه یانده توانی دیکتاتور مه نشییان له سیاسه ت و کرده وه یان به رانه رمان به کار بیین. .. ئه گینا رق و ویستی له ناو بردنی من نه له به ر به ر به ستی سیاسی من بو ئه وان یاشتیکی دیکه ... دیاره ئه و کات و ئه مروش کۆمهله به گشتی چقلی چاویانه...

جا چون زانیمان که ویستویانه من و کاک مه حمود باوه ریز له ناو بیه ن و کی ده ستوره که ی دابو، ئه مرو نه گرنگه و ره نگه پیویستیش نه بیت، ئه گینا موشه خه سه و به لگه هه یه و ئه و که سه که پی و تراوه....

ماوه بلیم، له م دونیای مه جازیه زور باس و بابه ت دپته پیشه وه که که سانیک هه ن له ئاوی گل ئالود ماسی خویان ده گرن. ده بن به مفتش، قاضی، حکم ئه ده ن بعضا ئجرا و ژیان و راستیه کانی ئینسانه کان ئه مریکی واقعه که کۆمه لگایکی به دور له بریاری له سه ر ئه دات.

نه گه ر نه مرو و له دونیای مه حدود و مه جازی ئینترنت که سیک وتویه قسه له سه ر له ناو بردنی یه کیک له رابه رانی حیزبی حکمتیست بووه، سازمان زه حمه تکیشان که نه و کات نه بون به دو به ش، به کرده وه به هاتنه سه ر ئوردگای کومه له، عه مه لیات نیزی و هاویشتنی نار پی چی و گولله باران کردنمان، و کو ته ک و لی دانی هاوریانمان، قسه و برنامه بو کوشتمان) البته کوشتنی که سیک وه ک من یا مه حمود با وه ریز له دونیای مه جازی ئینترنت دا و که سانیک ره نگه گرنگی (کوشتنی رابه رانی...) نه بیت؟! نه م مه سه له مانه به سه ر هاتوه...

بیشک کومه لگا و مه یدانی خه بات له کوردستان هه تا دیت نه زمونی زیاتر ده بیت و ده توانیت روبه روی هه ر چه شنه زور ویژی و دیکتاتوری بیته وه.

سلامه ت و سه رکه وتو بن.

پیلانی تروری نه یارانی سیاسی به تووندی ده بیت مه حکوم بکریتا!

ناسر بابامیری

حزبی کمونیستی کریکاری-حکمتیست روژی ۲۸ دسامبر له به یانیه یکدا نه خشه ی تروری چه ند که س له ریهه رانی له سالی ۲۰۰۵ که له لایه ن ریهه رایه تی نه و کاتی سازمانی زه حمه تیکشانه وه دارپژرا بوو، له قاودا. دیاره به لگه بو له قاودانی نه خشه و پلانی له و چه شنه و هیرشی نیزی کردنه سه ر بنکه و ئوردووگای کومه له ریکخراوی کوردستانی حیزبی کمونیستی ئیران له لایه ن ریکخراوی زه حمه تکیشان نه ته نیا جاریک به لکوو به چه ندین جار، باشترین به لگه ی سه لمینه ری ماهیه تی باند بوونی نه و ریکخراوه یه. بویه ده بی کومه لانی خه لکی ئازادایخوازی ئیران و به تاییه ت کوردستان زور زیاتر له جارن و شیارانه ماهیه تی نه م ریکخراوانه که به ناوی جه علی کومه له وه چالاکی ده که ن له قاوده ن و نه هیلن نه م ریکخراوانه له پیناو به رژه وه ندی پروژه شکست خواردوووه که یان، له تمه له ئیعتباری ده یان سالی ی کومه له و کومونیسیم بده ن.

تازه جگه له وانه، به لگه له وه روون و ئاشکرا تر که عومه ری ئیلخانیزاده نه ندامی ده فته ری سیاسی نه و کاتی سازمانی زه حمه تکیشان، پاش جیابوونه وه که یان له سالی ۲۰۰۷، به نووسراوه به لگه ی هه یه که ئیفشاگه ری ده کات له سه ر باله که یتری نه و سازمانه. له و به لگه یه دا هیرش کردنه سه ر ئوردووگای کومه له-ریکخراوی کوردستانی حیزبی کمونیست ئیران و نه خشه و پلانی کوشتنی نه یارانی سیاسی له لایه ن بالی به رانبه ره وه به ریهه ری عه بدولله ی موهته دی راشکاوانه له قاوده دات.

شورش خوراسانه ته نیا په رده ی له سه ر یه کیکی تر له فاکتوره کانی نه خشه ی تروری نه و سازمانه لاداره، که عومه ری ئیلخانیزاده و ره زا که عبی نه و ده م خویان له ریزی ریهه ری و پوستی ده فته ری سیاسی نه و ریکخراوه دا به ر پراسایه تیان

بووه. بویه پوانخوازی تا ئاستی تروری نه یارانی سیاسی له و ریکخراوه دا میژووکی حاشا لینه کراوه و ته نانه ت یه خه ی تیروری ریزه کانی خوینیشی گرتووه ته وه.

نه بو پیلانی تیروری نه یارانی سیاسی

۳۰.۱۲.۲۰۱۸

#پاش چه ند روژ له ئیفشا بوونی نه خشه ی ئه و تیروره لایه نگه لی سه ر به هه دوو بالی ریکخراوه ی زه حمه تکیشان هاتوون و به نووسراوه و قسه و باس به رواله ت دیفاعیاتی خوین راگه یاندوووه. من به کورتی له و چه ند دیره ی خواره وه دا ناماژه م پیداوه.

لایه نه کانی سازمانی زه حمتکیشان سه یر که ن چون خوین نه خشه ی تیروره که یان ناشارنه وه به جوریک له قاویده ده ن!

من ده لیم ئه و دفاعیاته ده مارگزرانه یه ی لایه نگران و ئه ندامانی هه ردوو بالی ریکخراوی زه حمه تکیشان، زور ساویلکانه یه چاوه روانی ئه وه بن بو وینه فاروق بابامیری یان ئه ندامانی تری ریبه ری ئه و سازمانانه، بینه پاشنه ئاشیلی ریکخراوه که ی خوین که نه خشه تیروری ریبه رانی کمونیستیان کیشاوه، و شورش به جه ساره ته وه نه ته نها کردوووه ته بلقی سه ر ئاو به لکوو ئیفشای کردوووه. به م پییه هیچ که س و ته نانه ت مه رجه عیک بوی نییه جیگی شاکی که شورش له گه ل تاوانبار که ریکخراوی سازمان زه حمه تکیشان و نه قشه ی تروری بووه عه وه ز بکات!

به لام گرینگترین به لگه پاش ئیفشاگه ریبه که ی شورش بو سه لماندن قسه کانی، خودی قسه و نووسراوه کانی ئه ندامان و لایه نگرانی ئه و دوو باله ن. به لگه ی ویدئویی قسه کانی شه وی یه که می حه مه ی تورجاننه! . دواتر به لگه لاوازه که ی خو ته برئه کردنی ره زای که عبیه. یانی کاره زا وه ک که سیک که ئه و کات ده فته ر سیاسی ئه و ریکخراوه بووه له نووسراوه که یدا خو ده بویری له ئیزهار نه زه ری راشکاونه بو ره ت کردنه وه ی ئه و پیلانه. له به یانی واقعدا ته نیا توپه که ی هاویشتووته مه یدانی که سانی تره وه. شورش به ده رخستنی زور ژیرانه ی ئه و ته ناقوزانه ی قسه کانی حه مه ی تورجان ئیتهامی پر و پوچی ئه و که سانه ی واقه زاوه تی نابه جیان له سه ر شورش کردبوو که بوچی ۱۳ ساله بیده نگ بووه به روونی ده رخست. یانی حمه ی تورجان به ئاشکرا، بو میژوو باس له وه ده کات ئه و قسانه ی شورشی پیشوتر بیست بوو! ته نانه حمه ی تورجان ده لی بو راستی و درویی قسه کانی شورش له گه ل عه به ی موهته دی باسی کردوووه و کا عه به ش ته کزیبی نه کردوووه، وتوووه ئیمه نه مانکردوووه! و به جوریک ویستوووه ئه ویش وه ک ئیستای نووسراوه که ی کاره زا توپه که بهاویتته مه یدانی که سانی وه ک بارام ره زایی و سه باح ماموخه وه. دواتر حه مه ی تورجان له دریزه ی قسه کانیدا ده لیت

نیمه سالی ۲۰۰۸ واته سی سال پاش نه و نه خشه ی تروره له گه ل شورش چوینه وه بو کوردستان نه دی بو له ویدا باسی نه کرد. تا ئیره و نه و به شه له قسه کانی حه مه ی تورجان که بو میژوو و تویوه روونی کرده وه شورش ۱۳ سال پیش له ئیستاش نه و نه قشه ی تروره ی که نه چووته ژیریاری باسی کرددوه بویه حه مه ی تورجان له گه ل کا عه به له میانی دانا وه. له و ویدئویه دا

زور به روونی حه مه ی تورجان ته واوی ئیتهاماتی نه و چه ن شه وه ی ته ره فدارانی دوو بالی عه به ی موهته دی و عومه ر ئیلخانیزاده، داوینه ته پال شورش به درو خراوه ته وه.

بویه ته نیا نه و ویدئوی شه وی یه که می قسه کانی حه مه تورجان به ته واوه تی دلالت له وه ده کات که نه و نه خشه ی تروره سالی ۲۰۰۵ بووه. بویه حه مه ی تورجان چووه حه قیقه ته که ی له خودی عبه ی موهته ته دی بیستی. به لام له وه روونتر که به پیی قسه کانی خودی حه مه ی تورجان، عه به ی موهته دی تیری خه لاس له خوی چوون ده دا! زور روونه ده بیت بلی نیمه نه مانکردوو!!

تا ئیره نیمه ته نانه ت نه گه ر قسه کانی شورشیش نه که ینه مه بنا و به لگه ی سه لماندنی نه و نه قشه ی پیلانی تروره، خودی نه م به لگانه ی لایه نی به رانبه ری شورش نه ته نیا ته کزیبی قسه کانی شورش ناکات به لکوو به ویدئو و به نووسراوه ده ریده خات شورش په رده ی له سه ر نه و پیلانی تروره به درووستی لاداووه.

پ.ن: این نوشته که لینک آن در زیر آمده ضمن اینکه به چگونگی قطب بندیها در متن اوضاع و احوال جهانی و منطقه ای دهه نود میلادی می پردازد در گوشه ای از این تحولات عمومی به گونه ای موجز به زمینه های عینی شکلگیری این گرایش سازمان زحمتکشان و دیگر گرایشات ناسیونالیستی مشابه آن نیز پرداخته. تا جائیکه چگونه نهایتا در سال ۲۰۰۰ میلادی به شیوه قطعی سازمان زحمتکشان پروژه اشان با اتکاء به کمکهای حزب مادر اتحادیه میهنی به انشعاب از کومله منجر گردید. در این نوشته به شیوه ای موجز و بطور اخص با استناد به اسناد تاریخی، توضیح سر بر آوردن این سازمان بیان شده. و خصوصا در بخش پایانی بیشتر ماهیت سناریوی سیاهی بودن این باند را برملا میکند

۲۸.۱۲.۲۰۱۸

اردلان باستانی

۵ ژانویه ۲۰۱۹

یه کهم:

شورپش راست ده کات! بۆ؟ نهک له بهر ئهوهی که سه نه دی پییه یان خو دهنگی کهسی بلاو کردو تهوه یان هر بهلگه یه کی تر، بهلکوو بهلگه له خودی ئه و سازمانه دایه. سازمانیک که پی و ابوو ئه گهر لهوی ۱۰۰ کومونیسست بکوژی باشتره چون شه ری شاری سنه ی پی ناکری!

بهلگه له خودی سازمانیک دایه که کهسانیک رۆژیک تییدا ده بن به "ته به هکار" و حو کمی تیریان ده بی و سو ری ده و رانیس ده یان کاته وه به قاره منی مه یدان!

شورپش راست ده کا نهک به بهلگه بهلکوو به سابقه و به کردهوی ئه ورۆشیان. کی هه یه نه زانی له وینده ری چند کهس که رامه تیان شکاوه، چند ژن دار کاری کراون و ناردراونه توه، چند کهس به جاش ده ر کراون و ناویان زراوه و پاشان ناچار بوون به ریان ده ن و کورد و ته نی چیان نه کرده که ئه لان پاش چند سال، ئاشکرا بوونی پیلانی کوشتنی ره حمانی حوسه یین زاده سه یر بیته!

بۆ سه یره؟

کاتییک تو رۆژیک شه رافه تی کومونیسست ته نیا و ته نیا له کومونیسستی کریکاری دا ناوزده کرد و پاشان هه رچی بی شه رافه تیه هه ر له و کومونیسستی کریکاریهت دا به دی کرد و له ۵۰ سال کاری سیاسی دا به ژماره ی پیغه مبه ره کانی به نی ئیسرا ئیل ئایننت گۆری کوا ده بی سه ریان لیت سو ر بمینی که ویستوتانه که سیک بکوژن.

ئه و ته یفه له میژه کوشتن بوته خه ون و خه یالی، رۆژیک خه یال ده کا چون ناتوانی هه موو کومونیسستی سنه بکوژی ده ی به توون ده جم لیره ئه و ۱۰۰ که سه ده کوژم و خو م نه جات ده دم، یان خه یال ده کا چون ناتوانی له ئوروپا به چه قو له کهس بدا ئه وه له ئوردوگا که ی خو ی پیره پیاوینک ده داته بهر شه ق چون ئه ویش ره نگه رۆژیک گو تیبیتی "کا که له به ری بای مه ری".

شورپش راست ده کا هه ر چند سه نه دی نییه، به لام ئه وان خو یان سه نه دن له سه ر خو یان.

دوو هه م:

ئه گهر سه یری ئه و گه له کۆمه گی به کهن که له دژی شورپش ری که وتوه خالیکی گرینگ خو ی ده رده خا. ئه ویش ئه وه ی که هه ر هه موویان له یه ک ده چن، ئه گهر چاومان بقو چینین و ته نیا گو ی بده ینه ده نگیان لیکیان ناکه ینه وه!

هه موویان ئاوی یه ک سه رچاوه ن و قهزا و قه ده ری ئیلاهی لیک ی کردوون، ده نا ئه و هه موو ویک چوونه هه ر ناکری!

به تیکرا ده لئین شورپش شیتته. من شورپشم یه کجار دیوه و ناتوانم بلیم شیت هه یه یان نیه، به لام له وه گرینگتر ئه وه یه که سازمانه که ی خو تان هه تا شورپش له گه لی بوه و چه کی بۆ هه لگرتوه یان کردوو یه ته مه سئولی فلان شوین یان ناردوو یه ته وه بۆ ناوچه، ئه گهر شیتته ئه وه دیاره ئه و سازمانه شیتخانه بوه و له خه لکیان شاردو ته وه. له ولشه وه که سانیک تر به شورپش ده لئین شیت

که خۆم شاهیدی زیندووم و به چاوی خۆم دیومه و به گویی خۆم بیستوومه که ویستویانه شۆرش بیینه ناو "پرۆژهی سیاسی خۆیان که به خه یالی خۆیان ده بوو به حیزب". حهولیشیان بۆی دا جا سه ری گرت یان نا ئه وه مه سه له ی ئیمه نیه و ته نیاه ده بی پرسی ن ئیوه له حیزبی فه راگیری ئینقلابی خۆتان که قه رار بوو هه موان به شه ویک رزگار کات کابرای شیستان بۆچی بوو؟

ئه وه فه ره هنگی گشتی ئه وه جه ماعه ته یه و عاده تی چه ندین سه له یانه که ئیستا له سایه ی تۆره کۆمه لایه ته کانه وه ناتوانن بیشارنه وه . ته نانته من پیم وایه شۆرش زۆر خۆش شانسه که ته نیاه پیمان گووت شیته ، به شۆرش ده لیم دلگیر مه به جه وان ئه وانه له وه ساردتر و سوو کترین به یه ک گوته!

ئه وه خه لکانه هه ر ئه واننه که گوشتی یه کیشیان خوارد و ئیسکی یه کیشیان شکاند و پاشان دوو جینویشیان به روحی یه ک داوه . به لام هه ر هه موویان له سه ر یه ک شت کۆکن و هه ر یه کگرتوون و هه یج گه یجهل و کیشیه که ئه وه هاویشته نه فره ته ییان ناترینجینی، ئه ویش دژایه تی بیری کومونیسته . کومونستی چاک له لای هه ر هه موویان کومونستی مردوه یان کومونستی ته سلیم بووی وه ک خۆیان!

سپه م:

حیزبی حیکمه تبه ست هه یزکی زۆری له سه ر ئه وه باسه دانا و ئیستا ده بی لیان پرسی ن چیتان لێ هه لئنجته وه؟

حیزبی کومونیسته و کۆمه له بۆ ئه وه یان کردۆته خالی سه ره کی کیشه؟

نایا ئیسته کاتی ئه وه یه که به که لک وه رگرتن له و شتانه هاوسۆزی کۆمه لگا راکیشین یان خۆ کیشه ی جه ناحه سیاسیه کانی ناو حیزبی پی قولتر بکه ینه وه؟

به داخه وه ئه وه هه لس و که وته خه به ر له ناسۆ لیلی ده ده . ئیستا که هه موو ئیران وه تین هاتوه و عه رز له بن پی چینی کرێکار زرمه ی دیت کاتی گونجاو بۆ ئه وه گه له کۆمه گیانه نیه ، چون هه والی زۆر گرینگتر له "به رنامه ی تیرۆری هه لسوراویکی سیاسی له ۲۰۰۶-۲۰۰۵" هه یه! هه واله گرینگتره که ش خه باتی بیوجانی چینه یه ته که هه ر رۆژه و ره نگیک به خۆیه وه ده گری!

ئه گه ر قه ستیان رۆره ش کردنی ئه وه ده سه ته یه یه ، ئه وان له وه ی که هه ن روره شتر نابن، بۆ نمونه کادری "پیشکه وتووی" ئه وان پی وایه "سه رداری" ناوی له لیستی تیرۆری ئینتیر پول دایه و ئه وه ده کاته به لگه بۆ ناو زباندنی سه رداری، ده ی که سه یس له خزمانی پی نالی کاکای زانا به وه نیه ئیوه بوونه ته گوئ له مستی ناتۆ و ئینته رپول، سه له سه رداری داواکراوی ج.ا یه له دادگا کانی ئورویا!

ده تانه هوئ کێ ناو زراو که ن؟ ئه وه سازمانه ی که سازبوونه که ی بۆ دژایه تی کومونیسته و هاوکاری لایه نه راسته کانه؟

ره فیه کانه ، دۆستایه تی له گه ل که سی وه ک نوریزاده و سازگارا و ده یان کۆنه ساواکی و کۆنه پاسدار و به لینی گه شتی شاری بانه دان به کوری شا، له شه هید کردنی چه ند کومونیسته که متر روره شی ناهینی! ده سه ته و دوعا دانیشتن بۆ سازکردنی جه هه نه م له ئیران به ده ستی سه ربازه قۆزه رده کانی ئه مریکا چی که م نیه له وه!

بهو گهله کۆمه گیانه که له بهرنامهیه کی فهیسوو کبهوه سهراوه ده گری هیج دهسکهوتیک بۆ بزوتنهوه دهسته بهر نابیت، که بوویه داردهستیک بۆ مملاتی ناوختوی به لکوو خراپه شی پیوهیه.

چار له ئیسته دا هه موو هیز و حول دانان له سهر ئه و بزوتنهوهیه بندهستانی ئیرانه، که کوردستان تا ئیستا ئه و جیگایه نه بوه که ده بوو بییت. ئه گینا سالی دوازه مانگ له سهر دنیای مه جازی و تلیزۆن و رادیۆ خه بهرنامه ی سه قه تی و نه کبه تیان بخوینینه وه هیج ناگۆری!

با له مهیدانی عمهل دا بهری دواکه وتووی روسا بکهین که به دلنیا به وه هاسانتره.

ههولی تیرۆری من و خالۆم (سالخ سرداری)

عهباس یگانه

چهند سال پیش نه ورۆز بوو، کا عه بهی دارابی و کا رهحمهت فاتحی و خالۆم سالخ هاتبوونه وه بۆ سلیمانی. خزم و کهسیش له مهروانه وه هاتبوون بۆ لای من و ئهوان. شهوی میوانیکی خه لکی سلیمانیمان هاتبوو. دوای چونه وهی کا عه به و کا رهحمهت ئهوانیش ویستیان برۆنه وه، هه رچی وتیان به تاکسی ئه رۆین قبوولمان نه کردو وتمان ئه تانه به نه وه.

میوانه کان مان برده وه بۆ راپه رین و خۆمان به ده م قسه کردنه وه به ره و ئیبراهیم ئه حمه د به ریکه وتین. باشم بیره وه ک هه میشه مونا قشه ی من و خالۆم له سهر ناسیونالیست بوو. ئه و هاوړا نه بوو و من وه ک ناسیونالیستی ئه مگوت کیشه ی ئیمه نه ته وه ییه نه ته به قاتی.

ئه رۆشتینه فلکه که ی تانجه رۆ و له ویوه ئه گه راینه وه به ره و ناوشار که له گه راجی موه حده وه به ره و ئیبراهیم ئه حمه د برۆین. با هه وش بلیم خالۆم شۆفیر بوو و ناگای لی نه بوو له سهر پرده که وه پروات، بۆیه وتم کیشه نیه تازه له و لاوه ئه رۆین. له گه رمه ی مونا قشه ی من و خالۆم دا له پر زه ره ی شه هلامان بیست، وامزانی مار پیوه ی داوه. من لام کرده وه و خالۆم له ئاوینه که وه تماشای کرد. وتم چیه؟ لال بوو بوو، به ده ست ئاماژه ی بۆ لای راست ئه کردو ئه یگوت ئا ئا ئا ئا.

من و خالۆم به جووت تماشای لای راست مان کرد. دیمه نیکه سهیر بوو، ماشینیکی خاکستری که به ئیستاشه وه نازانم و بیرم نایه نه وه که ی چی بوو له ته نیشته مان بوو، کورپیکی ۲۰ بۆ ۲۵ سال له لای شۆفیره وه نیوه ی جهسته ی هینابووه ده ره وه و به که لاشینکۆفیکه وه خۆی جه م و جوړ ئه کرد که ته قه له ئیمه بکات.

شۆفیری ماشینه که م نه بینی، له و کاته دا ئیمه رینک گه شته بوینه ناستی یوتیرنه که (شوینی گه رانه وه) خالۆم زۆر به سه ریعی ماشینه که ی برد به ره و یوتیرنه که. تاکسیه کیش که له پشت سهر ئیمه وه بوو هات پێشمان بکه ویت. تاکسیه که کهوته ئیوان ئیمه و ئهوان. شۆفیر تاکسیه که کووره گه نجه که ی به که لاشینکۆفه که وه بینی به جیی ئه وه سه ریع برۆا، له ترسا بوو یا له هه ول بوون دا ستۆپی گرت و وهستا. به ئیستاشه وه نازانم خالۆم چۆن بوو به جیی ده رچوون وهستا. له گه ل وهستانی خالۆم من به په له دابه زیم و دهستم برد بۆ که مهرم، به مه رجی هه جم بی نه بوو. کوره گه نجه که کاتی منی بینی دهستم برد بۆ که مهرم، هاواری

کرد له شۆفیره که برۆ. ئەو له هەل و مەرجیک دا نەبوو بتوانی تەقە بکات. دیار بوو تەنانەت یەک جاریش تەمرینی ئەوەی نە کردبوو که له ناو ماشینەوه تەقە بکات. بە پەله کە لاشینکۆفە کە ی خستە ناو ماشینە که و خۆیشی که زلەتر له پەنجەرە ی ماشینە که بوو بە ئەستەم خۆی فری دا ناو ماشینە که. منیش که دلنیا بووم ئیتر ناتوانی تەقە بکات ، بە را کردن دوای کەوتم ، تاکسیه کم راگرتو وتم دوای ئەو سەیاره بکەوه. وتی چه کت پییه؟ وتم ناوالا . وتی چاوم له هەموو رووداوه که بوو ، چه کت بی بوايه ئەهاتم ئە گەر بيشکۆژرایهه. بەلام حەیفه کورپیکي (وەسفی کردم) وهک تۆ بە لاش تیا بجی. من خالۆم و شەهلام له بیر چو بوو ، سەیرم کرد خالۆم هاوار ئەکا و قسەم بی ئەلیت که برۆم بۆ ناو ماشینە که. شەهلا بی هۆش بوو بوو . له بی شانسی دا خالۆیشم دەمانچه کە ی له مال ئیمه دانابوو. من پیم وابوو خالۆم ترساوه که هاوار ئەکا و جنیوم ئەداتی که بۆ وهستاوم . دوواتر بۆم دەرکەوت ئەو بیری له شتی کردوه تەوه که من عەقلم پی نەشکابوو . گەرانهوهی ئەوان !!!! بوغز قورگی گرتبووم . زۆر رەوشیکی ناله بارمان هەبوو. ژنیکی بی هۆش ، من و خالۆیشم بی چهک . ئەو هیچ کات بی چهک نەئەهاته دەرەوه. نازانم ئەو شەوه چۆن دەمانچه کە ی نەهینابوو. سەعات له یه کی شەویش لای داوه. جەویکی زۆر ناخۆش بوو.

بە دەر له هەموو شتی و له دەرەوهی سیاسەت و جیاوازی بیر و را ، ئە گەر بلیم خالۆم بە ئەندازە ی خۆم خۆش ویستوو و خۆشم ئەوی درۆم نە کردوو. تەعەسویی بۆ ئەو بوومه بۆ کەسم نەبووه. لەو کاتە سەخت و هەستیاره دا بیرم لەوه نە کردوه ئەو شتیکی لی بی و من بمیم ، چۆن رووم بی سەیری دایکم و خالۆکانیترم بکەم. چی بە بیهنام بلیم . بلیم من رام کردو ئەو تیاچوو. بلیم فیشەک بەر من نە کەوت و بەر ئەو کەوت؟ شەهلا هیچی لی نەدەهات چونکا ئەو بی هۆش بوو بوو و له بەشی دوای ماشینە کەوه کەوتبوو. که سوار بووم خالۆم بە دەم قسە وتن بە من زۆر بە سەریعی روشت. وتم ئەو نەیکوشتین تۆ ئەمان کوژی ، بۆ وا ئەرۆی . وتی هە ی (قسە ی پی وتم) چه تەزمینی هەیه نە گەرانهوه یا دوو ماشین نەبن. ئیمه بە دەس خالی چیمان پی ئە کری ؟ ئەو کات زانیم من هیشتا زۆرم ماوه بیم بە کەسیکی خاوه ن ئەزمونی وهک ئەو. هەر گیز خالۆم نەبینوه بەو شۆفیری بکات. زۆر سەریعتر له ئاستی تەسەور ئەهات. لەوی دەرچ و وین و روومان له ئیبراهیم ئەحمەد کرد ، کاتی له شوقه کانی یه کگرتوو دەرچوین ، وتی پیم وایه ئەو ماشینە یا هەر ئەوانن گەرانهوه ، یا کەسیکیتری ئەوانه. که ئاورم دایهوه ئەویش بە سەریعی ئەهات. هاتینه لا زوورووی ئاسایشه کۆنه کە ی ئیبراهیم ئەحمەد ، وتی نزیک ترین کۆلان که ماشینی پیا پروات کۆییه؟ ویستم ولام بەمەوه که دەنگی شەهلام بیست ، ئەبگوت چی بوو ؟ کووا ؟ من له کویم ؟ ماشینە که خەریک بوو ئەبگرتینهوه ، خالۆم بەو سەریعیە مەسیری روشتنی گۆری بەرەو ناو کۆلانە که. له گەل ئەوه دا چوو ناو کۆلانە که شریخە ی رەگبار هات . دەنگه کە ی ئەوه نده زۆر بوو وام ئەزانی له ناو ماشینە کە ی خۆمان تەقە کراوه. پیم وابوو بەر کەوتوین ، بەلام چۆن لەولا تە کسیه که کەوته بەین مان و نەیهیشت پیوه بین ، لەم لاش هاو کاتی تەقە ی ئەوانو چوونه ناو کۆلانە که پاراستمانی. ئەوان پییانوانه بوو پیشی ئیمه کۆلانە و خۆمانی پیا ئە کەین. من دامناوو ماشینە که چهپ بی و وه گەریت. زۆر سەریع بووین ، بەلام وه نە گەرین. تەنیا دوو دەقه له ماله وه و چهک و تەقە مەنی دوور بووین ، بەلام مەترسی ئەوه مان بوو پیش ئەوه ی بگەینه ماله وه بینهوه بۆمان. کۆلان بە کۆلان و زۆر بە ئەحتیاته وه بەرەو مال چووینهوه. پاش دلنیا بوون لەوه ی کەس بە دەر ماله کە دا نیه ، چووینه ماله وه و خۆمان بەست. خالۆم که دەستی بە چهک گەیشت زۆر گۆردرا ، چۆن مندالی له باوهشی دایکی دا هەست بە نارامش

ئەكات ، ئەۋىش كە دەستى بە چەك گەشىت بە تەۋاۋەتى گۆردرا و ۋەك ئەۋەى ھىچ رۋى نەدائى رۋى لە من كردو وتى عەباس بە راي تۆ بۆ كوشتن من ھاتبون يا تۆ ؟ ھەھھھھھە وتم نازانم . وتى ئەى بە راي تۆ كى بوون؟ وتم ئەمەيان ئەزانم ، دلىام رژىم بوۋە . وتى نەترانى . وتم چۆن؟ وتى من پىم وايە جەماعت عەبەى موھتەدى بووبن ، چونكا ئەوان زياتر جلى كوردى بىن پشتوين لە بەر ئەكەن . وتم ديسان تەۋەھوم تەۋتەئە (ۋەھمى پىلانگىرى)؟ وتى كەرە كەر .

وتم بۆ وا بىر ئەكەيتەۋە؟ وتى ئاخىر ئەيان ناسمو ئەزانم ھەموو شتىك يان لى ئەۋەشىتەۋە . بەلام نازانم لەو چاۋ تروكانەدا چۆن تەشخىس جەلەكانى بەرى دابوو . دوواتر شەھلاش وتى ۋابوو جەلەكان بەرى كوردى بوو بەلام پشتوينى لە پشتا نەبوو .

ناخۆ ئەۋەى لەو كاتەدا من پىم ۋابوو ۋەھمى پىلانگىرى ، راست بووبى؟ نازانم بەلام ھىوادارم ۋا نەبووبى . من ۋەك خۆم پىم خۆشە رژىم سەد جار بىكوژى بەلام پارتىكى كوردى زلەيە كىشم لى نەدا . ئىمە دوژمنى يەك نىن . دوژمنى ئىمە رژىمە ، ئەبى ركبەرى و مل ملانئى ئىمە بەس سىياسى بىن و ھىچىتر . ئىنجا جىتى مەترسىيە ھەۋلى سىرپنەۋەى فىزىكى يەك بەدەين . ئەو شەۋە چەك پى بوايە چۆن چۆلەكە ئەكوۋى و لە دار دا ئەكەۋى ئەو ھەتومە ئەكوشت و لەو سەيارە بەر ئەبوۋيەۋە ، ھەر ۋەھا ئەگەر ئەو كەسىكى نازا و خاۋەن ئەزمون بوايە ئىمە ئەكوشت . جا ۋەرە ئەۋە پىشمەرگە بىن و بە دەست من بىكوژايە . والا لە خەفەتا ھەر لەۋى ئەمردم . بۆيە لىرە تەنيا يەك تەك ئەكەم ، با بۆ كوشتى ئىمەمانان كورى فەقىر و ھەزار نەئىرن چونكا لەۋانەيە ئىمە ئەوان بىكوژىن . ھەر ۋەھا با پىشمەرگەشى بە ئەمرى ھەندى سەر كوردە دەست نەدەنە كارى ۋا قىزەون و بىزراۋ . چونكا ئەوان ئەبى پارىزەرى ۋلات و تاكەكانى بن نە ھەندى مافيا و خۆپىرى . دلىا بىم ئەۋەى ئەو شەۋە كام لايەن بوۋە ، بە ھەموو شتىكى پىرۆز نامرەكەى و سەرۆكى ئەو لايەنە ۋەك سەگ ئەتۆپىنم .

تېبىنى : ۹۸% كوشتنو ھەول دان بۆ تىرۆرە سىياسىيەكان لە ھەموو دونيا ئاشكرا ئەبن . بە دلىايىيەۋە ئەۋەى ئىمەش ھەر رۆزى ئاشكرا ئەبن . لە ناخى دلىۋە ئاۋاتەخوۋازم خولقاندنى ئەو شەۋە تالە كارى رژىم بووبى . بە پىچەۋانەۋە كارى ھەر پارتو لايەنى بووبى سەد ئەۋەندەى ئەوان كرىدىان منىش ئەيكەم . من ۋەك ئەوان خۆپىرى نىم شتى خۆم بە كورى فەقىر و ھەزار بىكەم . ھەر ۋەھا ئەگەر ئەو كارە لە لايەن پارتىكى رۆژھەلاتىيەۋە كرابى ، ھىچ بەۋ شۆفىرو پىشمەرگە نالىم ، چونكا ھەندى خۆپىرى وايان تى گەياندوون كە ئەو كارە خەباتو خزمەت بە كوردستانە . ئەوان ۋەك قوربانى ئەبىنم ، بەلام سەرى مارە پىسەكە ، كە سەرۆكە كەيەتى پان ئەكەمەۋە . سۆز بىن دلىا بىم ئەو دوو كەسە لە لايەن كام لايەنەۋە نىردراون سەرۆكى ئەو پارتە بە سزاي گەل بگەيەنم . ئەوان ھاتن ئىمە بىكوژن ، سەر نەكەوتىيان ھىچ لە تاۋانەكەيان كەم ناكاتەۋە . رىك ۋەك ئەۋە وايە سەر كەوتو بووبىنو ئىمەيان كوشتىت .

۳.۱.۲۰۱۹

جنیۆ فرۆشی و بی ریزی کردنی کومونیزمی کریکاری میژوویه کی دوور و دریزی ههیه.

احمد باب

کۆمهله و پێشمه رگه ی کۆمهله هیمایه ک بوون بۆ نازادی و یه کسانبخوازی، پهناهگایه ک بوون بۆ فیکر و ئه ندیشه ی نازاد، دوونبایه کن له سه داقت و خۆنه ویستی، بۆیه خه لکی کوردستان هه موو کات ئومید و ئارمانه کانی خۆیان گری داوه به ئه م بزوتنه وه ره و ا و به رحه قه

بۆ هه موو که س ناشکرایه که خه لکی کوردستان و میله له تی کورد هه میسه مه یدانیک بوون بۆ حه وانه وه ی نازادبخوازان، بۆیه کوردستان ناوی سه نگه ره ی نازادگانه و نازاد بوون و نازاد ئه ندیشه ی به شیک له خه بات و موبارزه ی ئه م گه له یه که کۆمه له خۆی به به شیک له میراس به رداری ئه م بابه ته ده زانیت.

ئه گه ر ئاوریک له گوندنشینه کان بده یه وه که چۆن به سه ر و به مال خۆیان بۆ خه زمه ت کردن به هیز و لایه نه سیاسیه کان ته یار کردبوو و ئیوه ش به شیک له هاوڕێیانی پیشووی ئیمه که خۆتان به ناوی کومونیزمی کریکاری پێناسه ده که ن، بی به ش نه بوون له م هه موو ریز و ئیحه رامه که له لایه ن ئه وانه وه به رانه ر به کۆمه له و بزوتنه وه ی رزگاربخوازی گه لی کورد ئه نجام ده درا، به لام به داخه وه له هه موو سوو کایه تیه کان به خه لکی کورد له وانه ئیته امی ناسیونالیزم بوون، دێهاتی گه ری، ته وه ین به ده سه ماله یه زدییه کان، بی حورمه تی به ته قله و جامانه و جه ل و به رگی کوردی به شیکه له ئه وه هه موو بی ریزیه که له سالانی رابردوودا به م بزوتنه وه تانه کردوه و وه لامی زه حمه ت و تیکۆشانی ئه و خه لکه تان به م شیوه قسه و قسه لۆکانه ده دا یه وه.

له کاتیکدا ئیستاش میژوو هه کی خۆتان به ته قله و جامانه و جه لی کوردی پێناسه ده که ن، کاتیک که له کوردستان هاتن و ناش به تالستان کرد و بریارتان دا ئیتر نه گه رینه وه، ئه مجاره ئیتر خۆتان به مودیرن زانی و خه باتی کۆمه له و بزوتنه وه ی کوردستانان پێ کۆنه په رست و به دوو که وتوو ده زانی.

پیم خۆش نیه ته واوی ئیته امات و جنیۆ فرۆشی ئیوه هه لبده مه وه و ئه وه دا یده نیم بۆ خۆتان که قه زاوه تی له سه ر بکه ن.

کاک سه لاح مازوجی و هاویره کانی کاک سه ید ئیبراهیمی عه لیزاده له بیریان چووته وه که له کومونیزمی کریکاری چه نده بی ریزیان به ریکخراوه که یان کردوه و ئیستاش له ئه سناددا بوونی هه یه، به لام مه خابن حافه زه ی میژوو ییان که م بووته وه و هه موویان له بیر چووته وه و خۆشحالین که ئیستا بوونه ته ده سه ته برای جه ره یانیک به ناو کومونیزمی کریکاری.

ئه گه رچی سوو کایه تی و بی حورمه تی کومونیزمی کریکاری به کۆمه له فارس واته نی (آب در هاون کوبیدن است).

له م سه رده مه هه ستیاره دا که هه موو خۆمان ئاماده کردوه تا رژیمی ئیسلامی و ئیترجاعی ئیران له گۆر بنسین، به لام به داخه وه له تۆره کۆمه لایه تیه کان ده ستیان داوه ته ته وه ین و بی ریزی و قسه و قسه لۆکی ناره و ا به چه ندین کادری له میژوینه ی کۆمه له و ریه ره ی کۆمه له ی شۆرشگیره شیان داوه ته به ر بی ریزی.

ھەرچەند كەئىمە و مانان دەزانىن كەئەمەپلانىكى لەپىش دارپىراوھ و دەبىت كۆمەلانى خەلكى كوردستان بۆ ئەم جۆرە پلاناھە خویندەنەھى باشيان ھەبىت.

كۆمەلە كەلەسالى ۱۵۲۰۰۰ خۆى لەچەق بەستووى حىزبى كومونىستى ئىران ھىنايە دەر و ئومىد و ئارەزووى گەراندەوھەبۆ ناو كۆمەلانى خەلكى كوردستان و لايەنگرانى كۆمەلە و چەپى لە كوردستان خۆشحال و ئومىدوار كرد، و جارېكى دىكە لەبىرۆكەيە كى نوئ و ھە پاي ھىنايە ناو خەباتى نازادىخووزى و رزگارېخووزى خەلكى كوردستان و ھاتنى پۆل پۆل كچان و كورانى شۆرشگىر بۆ پىشمەرگايەتى كۆمەلە، ئەو كاتىش كومونىزمى كرېكارى قۆلى لى ھەلمالىوھ و لەدونىاي راگەياندەكانى خۆيدا، ئەوھى لەقەلەمە ژھراوېھە كانىاندا ھاتەدەرەدژ بە كۆمەلە و رىبەرانى ئەم بزوتنەوھەدرېغىان نە كرد و ھەر ئەو كاتىش بەھاو كارى لەگەل ھاورېئانى حىزبى كومونىستى ئىران دەيان پلان و تەوھىنى نارەوايان خستەپال رىبەرانى ئەو كاتى كۆمەلەھى شۆرشگىر، بەلام ئىمە پلانى ئەم تاقمەمان بەدژايەتى لەگەل بزوتنەوھى كورد دەزانى و ئىمە بەئاشكرا دەزانىن كەدژايەتى لەدژى كۆمەلەھى شۆرشگىر دژايەتھە لەگەل خەلكى كورد لە كوردستانى رۆژھەلات.

بۆيە ئىتر ئىمە ئەم جۆرە ئىتھامانە بەكۆن دەزانىن و لەلای خەلكى كوردستان خەرىدارى نىھ، و لەھەمان كاتىشدا ئىمە بەھ واقىتھە گەشتووېن كە كارى ئەم برادراھەبەھۆى سەلنى شىواو بوونيان لەسىاسەتدا خەباتى جىئوفروشى و بى رىزان بۆ خۆيان ھەلبىژاردوھ كەئەمەجىگاي داخە.

پرسىار ئەوھە؟

ئەگەر ئىران و كوردستان لەدەستى كۆمارى ئىسلامى رزگار بىت، ئايا ئىوھ ئاوا تەعامول لەگەل خەلك دەكەن؟

ئايا بەم شىوھ حوكومەتدارى دەكەن؟

بەم شىوھ نان بۆ سەر سفرەى فەقىر و ھەژارى كۆمەلگا دەبەن؟

تەكايە ئەدەبىياتى جىئۆ و سووكاايەتى لەخۆتان دوور بەخەنەوھە جارېكى تر پىداچوونەوھە بەسەر فىكر و ھزرى خۆتاندا بەكەنەوھە، كۆمەلگاي كوردستان مەيدانى مەملەتتى سىياسىيە، نەمەيدانى ئىتھاماتى بى بنەما و بى ئەساس.

ئەگەر باوھرتان بەئازادى ھەيە كەمن بۆ خۆم شەكم ھەيە برىار لەسەر ئەم بىر كردنەوھەتەنەبەدەن و قەزاوھەتە كەبىشى بەدەن بەخەلك.

لە كۆتايىدا ئەزانم و دەلېم كەئىوھ بى تاقەتن ولەسىاسەتدا دۆراوھن و ھىچ جىگە و پىگەيەكتان لەناو دلى خەلكى كوردستاندا نەماوھ، ئەگەر خۆشەويستىيەكتان لەناو دلى خەلكدا ماوھ، ئەوئىش لەسەر سايەى مېژووى بوونتان لەگەل كۆمەلەدايە.

۶ ژانويە ۲۰۱۹

راگه‌یاندن له سهر تیرووری ریه‌رانی حیزبی حیکمه‌تییست له لایه‌ن سازمانی

زه‌حمه‌تکیشانه‌وه!

ره‌حمه‌تی فاتحی

شۆرش خراسانه ئەندامی پیشوی سازمانی زه‌حمه‌تکیشان له لایفیککی فهیس بووک ۱۵ ئاشکرایکرد که سالی ۲۰۰۵ له لایه‌ن سرانی تاقمی زه‌حمه‌تکیشان (بارام ره‌زایی-ره‌زا که‌عی-سه‌باحی ئەمینی) به ریه‌ری عبدالوا موهته‌دی داوای لیکراوه که ئەندامانی کادری ره‌به‌ری ئەو کاتی حیزبی حیکمه‌تییست تیروور بکات، که له‌لایه‌ن شورشه‌وه به توندی رد کراوه‌ته‌وه. ئەم خه‌به‌ره دواجار له لایه‌ن کادریکی پیشوی ئەم جه‌ریانه، هاوری جوامیری مارابی به‌ورده کاریکی زۆتر په‌شت راست کرایه‌وه. دوا جاریش حیزبی حیکمه‌تییست له راگیانده‌ن کدا ویرای تائیدی به توندی محکومی کرد. په‌رده‌هه لدا‌نه‌وه‌ی ئەم ئیسانه دلسوز و مه‌سئولانه هه‌ر زۆر زوو به هوی سابقه‌ی ئەم جه‌ریانه، به‌دروستی له لایه‌ن که‌ساتیکی زۆره‌وه ئەم پیلانه جه‌نایتکارانه مه‌حکوم کرا.

ئەو سالانه من ئەندامی ده‌فته‌ری سیاسی حیزبی حیکمه‌تییست بووم و به‌عینوانی نوینه‌ری حیزبی حیکمه‌تییست له کوردستانی عێراق و به‌تایه‌ت له سلیمانی ده‌مامه‌وه، ویرای مه‌حکوم کردنی ئەم کرده‌وه قیزه‌وه نه‌بیر و رای خۆم سه‌باره‌ت به‌م که‌یسه به کورتی باس ئە‌که‌م.

هیچ گومان له‌وه‌دا نه‌قسه و باسی هاوریان شۆرش و جوامیر و گوزارشاتێ که کاتی خوی به‌ئیمه ئە‌گه‌یشت پیلانی تیرووری ریه‌به‌رانی حیزبی حیکمه‌تییست له لایه‌ن سه‌رانی ئەو کاتی زه‌حمه‌تکیشان و به‌تایه‌ت شه‌خسی عبدالله مه‌ته‌دی دارپۆرا بوو که به‌خۆشینه‌وه به‌هۆی هۆشپاری خۆمان و یارمه‌تی دۆستانمانه‌وه نه‌چوه بواری جێ به‌جێ بوون، و که‌س نایه‌ت له‌بوونی ئەم ته‌رح و پیلانه شک بکات.

راگه‌یاندراوی جریانی زه‌حمه‌تکیشان و دواجار نووسراوی ئەو که‌سه‌نه‌ش که موته‌م به‌به‌ریوه بردنی ته‌رحه‌که‌ن، هه‌ر ئە‌وه مان پی ئە‌لی. ئەو که‌سه‌نه‌ی که به‌دارپۆره‌ری ئەم ته‌رحه‌جه‌نایه‌تکارانه پیناسه‌کراون هه‌ر کامیان به‌نووسراوه، خۆیان له‌م کرده‌وه قیزه‌ونه‌بیه‌ری کردۆه. له‌وانه ره‌زای که‌عی یه، که به‌داخه‌وه ئە‌بی بلیم که نووسراوه‌که‌ی رضا که‌عی هیچ باسیکی له‌م کرده‌وه جه‌نایتکارانه ناکات، وتانه‌ت مه‌حکومیشی ناکات. له‌واقیع دا نووسراوه‌که‌ی رضا که‌عی یادنامه‌ی خویه‌تی و به‌که‌لکی برنامە‌ی رادیویی و تلویزیونی یادی شه‌یدانی خویان ئە‌خوات نه‌جواب دانه‌وه‌هه‌موو ئیسانه دلسوزه‌که‌ داوای روون کردنه‌وه‌یان لێ کرده‌وه. نووسراوه‌که‌ی بارامی ره‌زایی و سه‌باحی ئە‌مینیش که جوین نامه‌یه‌ له‌دژی کۆمۆنیسته‌کان و کۆمۆنیسمی کارگری و نووسراوه‌که‌ی یان هه‌ر بو باس کردن نایه‌ت.

له‌قسه و باسی هاوری جوامیر که به‌نووسراوه و لایفی فهیس بووک کردویه‌تی به‌هه‌ستیکی زۆر مه‌سئولانه و بویرانه ورده کاری زۆرتری له‌سهر ئەم کرده‌وه جه‌نایه‌تکارانه باس کرده‌وه له‌سهر مه‌واردی دیکه‌ئه‌و نیشانی ئە‌دا ئەم تاقمه‌ی بۆ گه‌یشتن به‌

نامانه‌جه کانیان زۆر کاری جه‌نایتکارانه‌یان کرده وه که یه کیک له‌وانه هیرش کردنه سهر بنکه و باره‌گای کۆمه‌له سازمانی کوردستانی حیزبی کۆمۆنیست ئیرانه، که پیویست به دووباره کردنه‌وه نیه.

ئهم هاورییانه (جوامیر و شۆرش) ئه‌بێ بزانی که زۆر مه‌سئولانه و بویرانه په‌رده‌یان له سهر ئهم کرده وه جه‌نایتکارانه هه‌لداوه‌ته‌وه که نه‌ته‌نیا له لایه‌ن هه‌زاران که سه‌وه‌حه‌مایه‌ت و پشتیوانی کراون، زۆریش ده‌وری ده‌بیته‌ له کۆتا کردنی سیاستی تیرۆری جه‌نایه‌تکارانه‌ی تاقمی زه‌حه‌مه‌ت کیشان و هه‌ره‌یانیک که تیرۆر و له‌به‌ین بردنی نه‌یارانی خۆیان به‌شیکه‌ له‌سیاسه‌ته‌کانیان له‌داهاتووی کوردستانا.

له‌قه‌سه‌ و باسی هاوریی جوامیر دا ئه‌وه‌هاتوه که که‌سانێ له‌سهر کردایه‌تی زه‌حه‌مه‌ت‌کیشان له‌و کاته‌دا موخالیفی تیرۆر بوون له‌وانه‌ باسی کاک‌حه‌مه‌ی شافعی، کاک‌به‌همه‌نی علیار و کاک‌عوومه‌ری ئیلخانی زاده‌ کراوه. له‌گه‌ل ئه‌وه‌ی من هه‌یج شکم له‌قه‌سه‌کانی ئهم هاورییهم نیه و سوور ئه‌زانم، که‌سانێ له‌وان موخالیفی تیرۆر بوون، به‌لام تا ئه‌و کاته‌ی ئه‌و که‌سانه‌ به‌ره‌سمی خۆیان قه‌سه‌له‌سه‌ر سیاستی تیرۆری نه‌یارانی خۆیان و مه‌حکوم کردنی قه‌سه‌نه‌که‌ن، ئهم کرده وه جه‌نایه‌تکارانه‌ به‌ناوی ئه‌وانه‌وه‌ش سه‌بت کراوه. هه‌ر بۆیه‌ش من به‌ش به‌حالی خۆم داوا ئه‌که‌م که بویرانه‌ بین و له‌سه‌ری قه‌سه‌بکه‌ن و ئه‌بی بزانی به‌باس کردنی هه‌م و یژدانی خۆیان راحت ئه‌که‌ن و هه‌م خه‌لکیش لێیان ئه‌بووری.

ژانویه ۲۰۱۹

ترور مخالفین سیاسی جایگاهی در مبارزه مردم کردستان ندارد!

در روزهای اخیر افشاگری تعدادی از کادرهای سابق سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی در مورد طرح رهبری این جریان برای یورش مسلحانه به مقرهای کومه له سازمان کردستان حزب کمونیست ایران و طرح ترور کادرهای رهبری حزب کمونیست کارگری- حکمتیست در سال ۲۰۰۵ موجی از انزجار عمومی را برانگیخت. به دنبال این افشاگری ها تعداد زیادی از احزاب و سازمان ها و شخصیت ها و فعالین سیاسی و انسان های آزاده ضمن ابراز انزجار از نقشه حمله به مقرهای کومه له و توطئه ترور مخالفین سیاسی آن را محکوم کردند.

اما سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی در واکنش به این موج از احساس دلسوزی و مسئولیت در قبال منافع جنبش انقلابی مردم کردستان و در برابر گواهی شاهدان زنده، در نهایت پرده دری به تهدید و انکار روی آورده، و در برابر راه حل های مختلف برای روشننگری منجمله، پیشنهاد تشکیل کمیته «حقیقت یاب» از جانب کومه له- سازمان کردستان حزب کمونیست ایران گستاخانه شانه بالا انداخته است.

این عکس العمل هیستریک و پرخاشگرانه نشان می دهد که رهبری این جریان نه تنها هیچ احساس مسئولیتی در قبال حال و آینده جنبش حق طلبانه مردم کردستان ندارد، بلکه آگاهانه برای ایجاد تنش و آلوده کردن فضای سیاسی کردستان تلاش می کند. این رفتار ادامه همان سیاست حذف فیزیکی مخالفین است که باید طرد، محکوم و منزوی شود. سیاستی که نخواهد جامعه را از بدست گرفتن قدرت دور کند و مانع سازماندهی و خود مدیریتی مردم، در یک برآمد توده ای بشوند.

مردم کردستان به پشتوانه چهل سال مبارزه شکوهمند و سختی هایی که متحمل شده اند و قربانی هایی که داده اند مستحق برپایی جامعه ای آزاد و برابر هستند. جامعه ای متمدن که با تضمین آزادی های بی قید و شرط سیاسی مسیر پیشبرد اختلافات سیاسی را به احزاب و آحاد جامعه نشان می دهد.

ما امضا کنندگان این بیانیه ضمن محکوم کردن طرح یورش نظامی به احزاب سیاسی، توطئه حذف فیزیکی مخالفین سیاسی از جانب سازمان زحمتکشان به رهبری عبدالله مهتدی، به هیچ جریانی اجازه نخواهیم داد که در فردای پیروزی،

فضای سیاسی شهرها و روستاهای کردستان را با تهدید و ارباب، ناآمن و تروریزه نمایند و تکرار شکل‌های حکومتی تاکنونی را به ارمغان آورند.

ما امضا کنندگان این بیانیه اعلام می‌کنیم تنها حضور فعال کارگران و زحمتکشان و مردم ستمدیده کردستان در صحنه سیاسی جامعه است که می‌تواند مانع تروریزه کردن فضای سیاسی جامعه شود و دست زورگویان را از دخالت در سرنوشت خودشان کوتاه کند. اجازه ندهیم چهره آزاد شهر و روستاها جامعه کردستان را خون مالی کنند (بهترین چاره جویی مشکلات، همان پیشگیری است)

تاریخ

امضا کنندگان:

برای امضا به آدرس زیر ایمیل بزنید.

faraxan2019@gmail.com